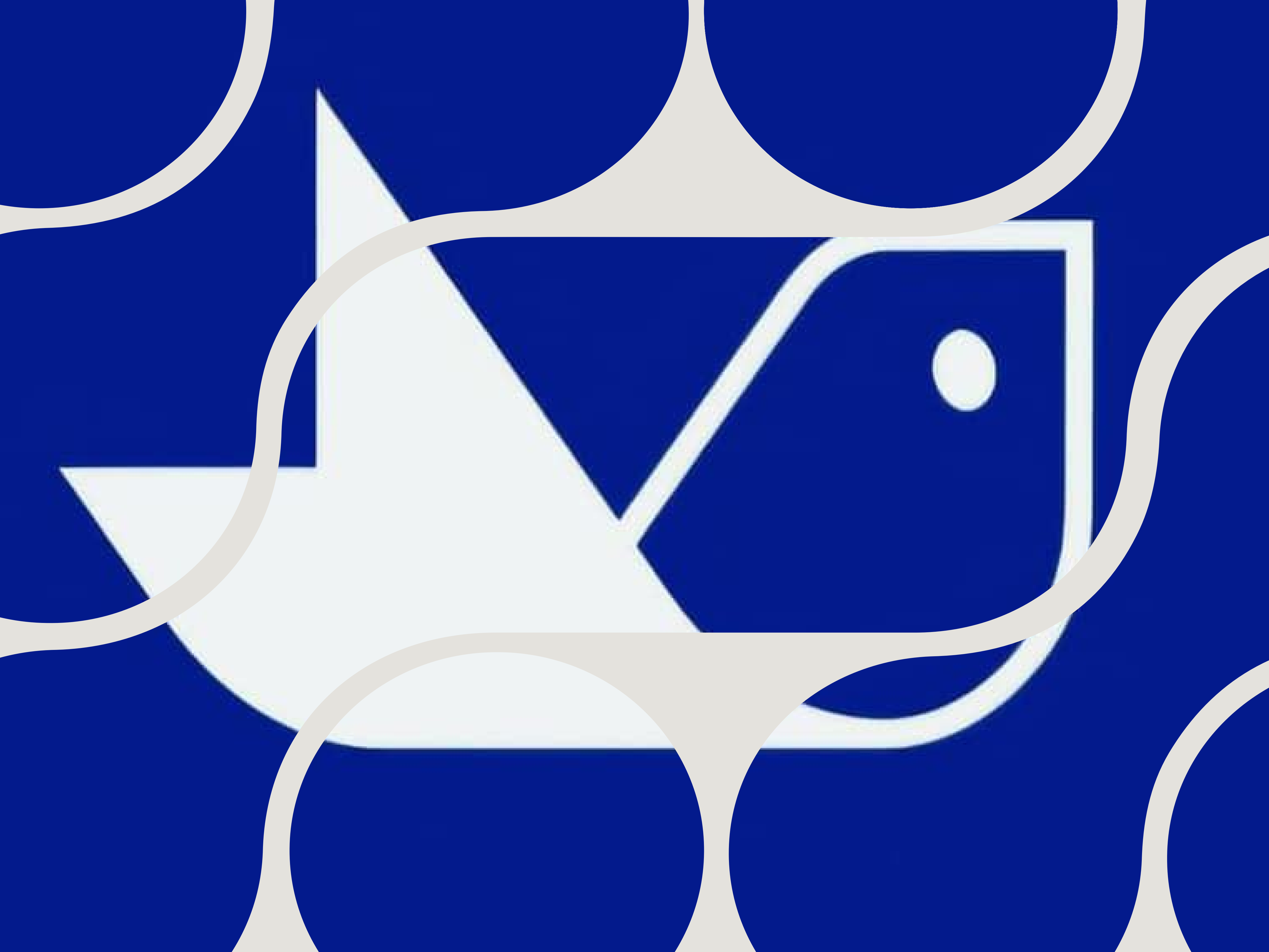






ART EXHIBITION

Group Exhibition
Curated by Fereydoun Ave
From the Laal Collection

4 DEC
2025

Pirsook Gallery, Pirsook Art &
Culture Institute
Address: Hafez Street, Alley 10,
Corner of the First Left Alley



Nazgol Ansaninia
29*34*20 cm

نازگل انصاری نیا

نازگل انصاری نیا (متولد ۱۳۵۷، تهران) هنرمندی میان‌رسانه‌ای است که زبان بصری‌اش در پیوند میان پژوهش در حیطه ساختارهای شهری، تجربه زیسته و مداخله‌گری مفهومی شکل گرفته است. تحصیل او در لندن و کالیفرنیا، زمینه‌ای برای توسعه‌ی رویکردی فراهم کرد که در آن شهر نه صرفاً مکان، بلکه نظامی زنده و در حال فرسایش، بازسازی و بازتعریف است.

طیف آثار انصاری نیا از طراحی و مجسمه تا ویدئو، چیدمان و پروژه‌های مکان‌ویژه را دربرمی‌گیرد. مجموعه‌ی شاخص «تخریب ساختمان‌ها، خرید ضایعات» تصویری فشرده از نگاه او به اقتصاد فرسایشی، شکاف اعتماد اجتماعی و منطق گردش مواد در شهر است؛ جایی که انهدام، بقا و بازچرخش به عناصر بصری و مفهومی بدل می‌شوند.

اگرچه تولید هنری در تهران با محدودیت‌های زیرساختی و کمبود فضاهای نمایش همراه بوده، انصاری نیا با اتکا به کارگاه مستقل، همکاری‌های بین‌المللی و پیگیری مداوم پروژه‌های پژوهش‌محور، زبان شخصی و ساختارمند خود را تثبیت کرده است. نقطه‌ی عطف کارنامه‌ی او کسب «**Abu Dhabi Art Prize**» در سال ۲۰۰۹ و حضور در نمایشگاه «**But a Storm Is Blowing from Paradise**» در موزه‌ی گوگنهایم نیویورک در سال ۲۰۱۶ است؛ لحظاتی که رویکرد انتقادی او به سازوکارهای شهری و اقتصادی را در سطح جهانی مطرح کرد.

آثار انصاری نیا همچون لایه‌برداری از شهر عمل می‌کنند: کاوشی در فرایندها، تناقض‌ها و نیروهایی که شکل زیست معاصر را می‌سازند و هم‌زمان آن را در معرض فروپاشی قرار می‌دهند.

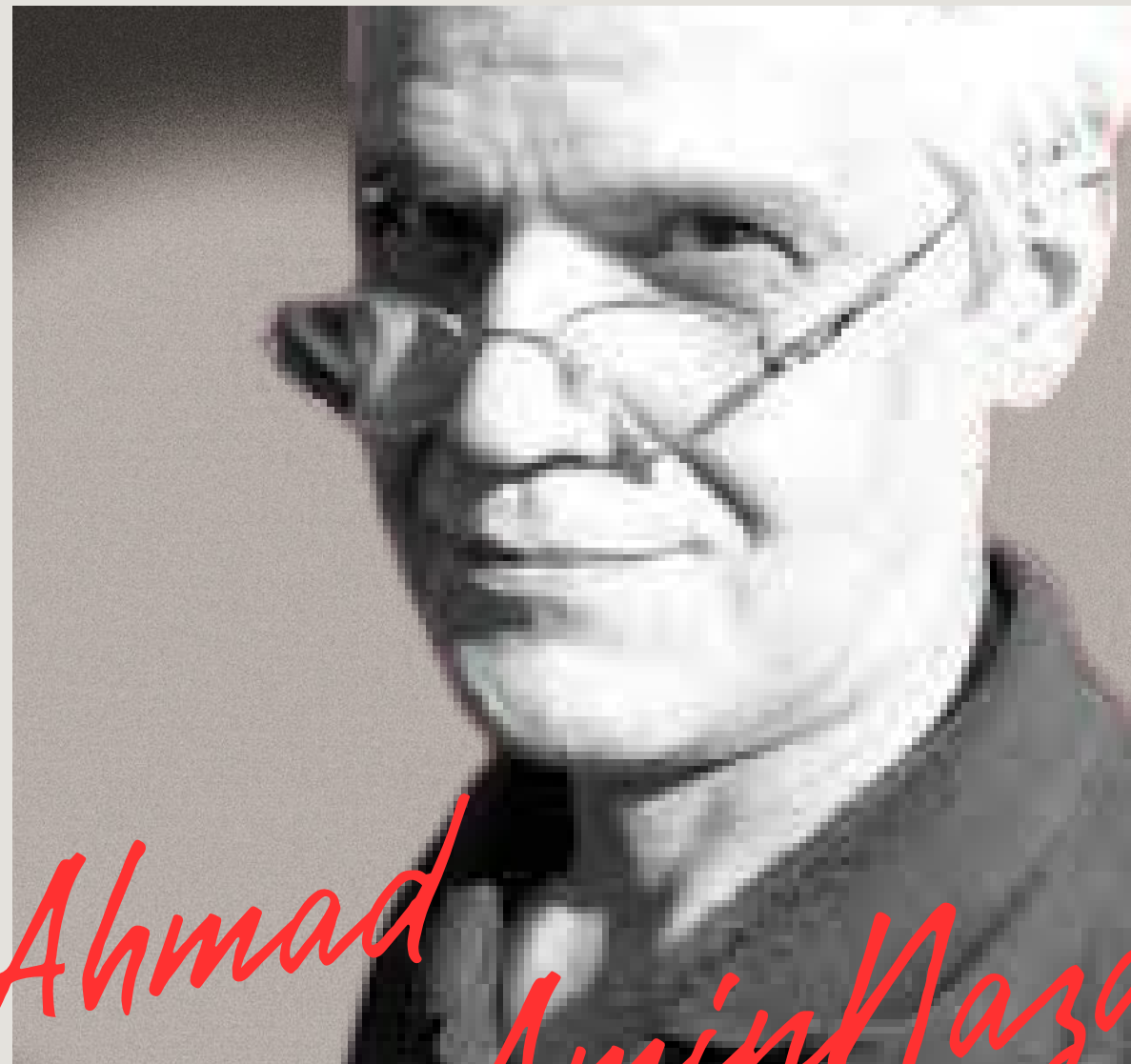
Nazgol Ansarinia

Nazgol Ansarinia (b. 1979, Tehran) is an Iranian intermedia artist whose visual language emerges at the intersection of urban structural research, lived experience, and conceptual intervention. Her studies in London and California provided the foundation for developing an approach in which the city is understood not merely as a site, but as a living system—one in constant states of erosion, reconstruction, and redefinition.

Ansarinia's practice spans drawing, sculpture, video, installation, and site-specific projects. Her seminal series *Demolishing Buildings, Buying Waste* offers a distilled reflection on the city's eroding economy, the widening social trust gap, and the material cycles that shape urban life. In these works, destruction, survival, and circulation are transformed into visual and conceptual structures.

Despite the infrastructural limitations and scarcity of exhibition venues in Tehran, Ansarinia has maintained and developed a distinct artistic voice through her independent studio practice, international collaborations, and commitment to research-driven production. A pivotal moment in her career came with receiving the Abu Dhabi Art Prize in 2009 and her participation in *But a Storm Is Blowing from Paradise* at the Solomon R. Guggenheim Museum in 2016—milestones that situated her critical perspective on urban and economic systems within a global discourse.

Her works function as a form of urban excavation: a probing of the processes, contradictions, and forces that shape contemporary life while simultaneously revealing its inherent fragilities.



Ahmad
Amin Nazar



Mixed media on Paper
34*48 cm
Framed



Mixed media on Paper
34*48 cm
Framed



Mixed media on Paper
34*48 cm
Framed

احمد امین نظر

احمد امین نظر (۱۳۴۴) از نقاشان ایرانی است که زبان بصری خود را بر پایه درک عمیق طراحی و بیانی اکسپرسیو بنا کرده است. تحصیل در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران او را با اصول نقاشی آکادمیک و چاپ دستی پیوند داد؛ سپس اقامت در شهر گُلن و عضویت در انجمن نقاشان این شهر، افق‌های تازه‌ای برای مواجهه با نئواکسپرسیونیسم و امکان تلفیق آن با سنت نگارگری ایرانی پیش روی او گشود.

آثار اولیه‌اش بر فیگور انسان متمرکز بودند، اما در دوره‌های اخیر، فیگورها در میان خطوط تند، لکه‌های پراثری و ارجاعات اسطوره‌ای بازتعریف شده‌اند؛ فضایی که در آن بدن، روایت و ناخودآگاه جمعی درهم می‌آمیزند. مسیر حرفه‌ای او همواره تحت تأثیر زیست میان دو جهان سنت و مدرنیته، تجربه مهاجرت و بازگشت، و حفظ استقلال زیبایی‌شناختی در مواجهه با فشارهای بازار هنر بوده است.

نقطه عطف کارنامه‌اش را می‌توان در نمایش‌های «The Centre Cannot Hold» (۲۰۱۰)، «دبی» و «Salto» (۲۰۱۲) دانست؛ رویدادهایی که در آن خط، رنگ و فیگور به امضای بصری مشخص او بدل شدند و جایگاهش را در هنر معاصر منطقه تثبیت کردند.

Ahmad Aminnazar

Ahmad Aminnazar (1955) is one of Iran's prominent figurative painters, whose visual language is grounded in a profound command of drawing and an expressive, gesture-driven approach. His studies at the Faculty of Fine Arts, University of Tehran, introduced him to academic painting and printmaking, while his later residence in Cologne—and membership in the city's painters' association—expanded his engagement with Neo-Expressionism and the possibilities of merging it with the traditions of Persian manuscript painting. While his earlier works centered on the human figure, his more recent pieces situate the body within forceful lines, energetic painterly marks, and references to myth—spaces in which corporeality, narrative, and collective memory intertwine. His artistic trajectory has been shaped by navigating between tradition and modernity, the experience of migration and return, and the challenge of preserving an independent aesthetic voice amid the pressures of the art market.

A defining moment in his career came with the exhibitions *The Centre Cannot Hold* (2010, Dubai) and *Salto* (2012), where the interplay of line, color, and figure emerged as his distinctive visual signature, firmly establishing his position within contemporary art of the region.



Oil on Cement
84*60 cm
Framed

پروانه اعتمادی

پروانه اعتمادی (۱۳۲۶–۱۴۰۴) از چهره‌های مهم نقاشی معاصر ایران است که مسیر هنری‌اش از دهه ۱۳۴۰ تا واپسین سال‌ها، با تحول تدریجی در زبان بصری همراه بود. او تحصیل در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران را آغاز کرد اما برای ادامه مسیر مستقل خود آن را نیمه‌تمام گذاشت و نزد بهمن محمص به یادگیری نقاشی پرداخت؛ تجربه‌ای که جهت‌گیری اولیه او به سمت انتزاع را تقویت کرد. آثار نخستین اعتمادی با رنگ‌های مات، ترکیب‌بندی‌های آزاد و حذف روایت شکل گرفتند.

در میانه دهه ۱۳۵۰، او به مجموعه «طبیعت بی جان‌های سیمانی» روی آورد؛ آثاری که روی بستر سیمان و با پالت محدود اجرا شدند. در این دوره، اشیای روزمره مانند گلدان، بطری یا میوه، در فضایی خنثی و کم‌جزئیات قرار گرفتند و بیشتر نقش نشانه‌هایی برای مشاهده و مکث را بر عهده داشتند.

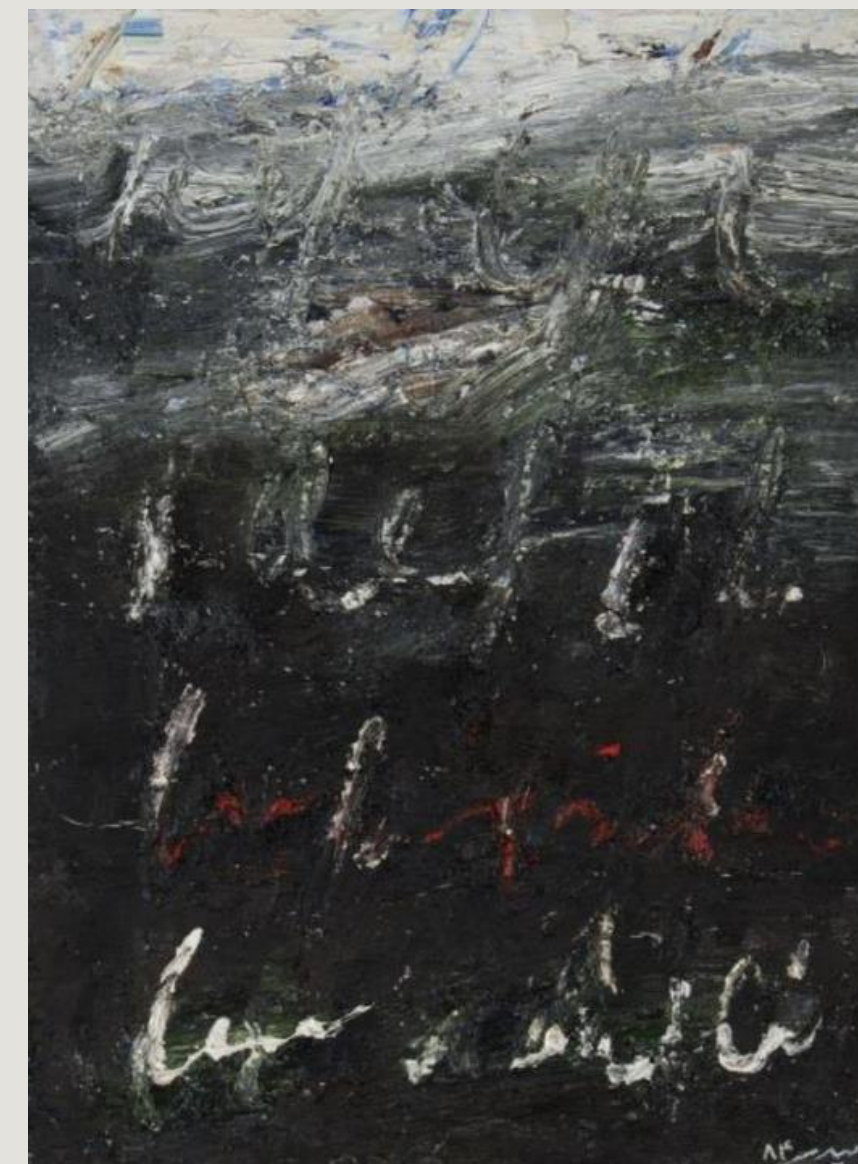
در دهه‌های بعد، استفاده از مداد رنگی، کلاژ، پارچه و رنگ‌روغن، امکان‌های تازه‌ای برای توجه به بافت، سطح و ماده ایجاد کرد. موضوعات او همچنان ساده و بی‌ادعا باقی ماندند، اما دقت در ترسیم، نظم بصری و ترکیب‌های کنترل‌شده، امضای شخصی کار او را شکل داد. آثار اعتمادی در امتداد پنج دهه، بازتاب نگاه تحلیلی او به شیء، سکون و رابطه میان ماده و تصویر هستند.

Parvaneh Etemadi

Parvaneh Etemadi (1948–2025) is recognized as a significant figure in contemporary Iranian painting, whose artistic practice evolved steadily from the early 1960s onward. She began her studies at the Faculty of Fine Arts at the University of Tehran but left to pursue an independent path, later training under Bahman Mohasses—an experience that informed her early turn toward abstraction. Her initial works are marked by muted colors, open compositions, and the absence of narrative structure.

In the mid-1970s, Etemadi developed her well-known “cement still lifes,” produced on rough cement surfaces with a restrained color palette. Everyday objects such as vases, bottles, and fruit were rendered with minimal detail and placed in neutral settings, functioning less as symbolic motifs and more as quiet subjects for focused observation.

Over the following decades, she expanded her materials to include colored pencil, collage, fabric, and oil paint, allowing for new explorations of texture, surface, and material presence. While her subjects remained modest and drawn from ordinary life, precision in drawing, controlled compositions, and attention to tactile qualities became defining elements of her work. Across five decades, Etemadi’s practice reflects a consistent engagement with stillness, materiality, and the visual possibilities of the everyday object.



Mixed Media on wood
40*30



Mixed Media on wood
40*30

فریدون امیدي

فریدون امیدي (متولد ۱۳۴۶/۱۹۶۷) هنرمند ایرانی است که در ترکیب نقاشی و خوشنویسی معاصر فعالیت می‌کند. او تحصیلات نقاشی را از رشته گرافیک آغاز کرد و در سال ۱۳۶۸ وارد دانشگاه آزاد تهران شد؛ سپس در ۱۹۹۸ موفق به دریافت مدرک کارشناسی ارشد نقاشی گردید.

سبک بصری امیدي بر پایه تجربه محوری، آزمایش با ماده و فرم و جستجوی پیوند میان خوشنویسی کلاسیک فارسی و تکنیک‌های معاصر نقاشی شکل گرفته است. او غالباً با رنگ روغن پرحجم روی بوم کار می‌کند و با کاردک نقاشی، خطوط و سطوح رنگی را به حرکتی ریتمیک درمی‌آورد.

در آثار او ابتدا حروف و نشانه‌های خوشنویسی شکل می‌گیرند، سپس با از هم گسیختن ساختار سنتی‌شان، از فرم اولیه جدا شده و به ابعادی انتزاعی‌تر، با تأکید بر ریتم، خط و رنگ بدل می‌شوند.

آثار امیدي در اندازه‌های بزرگ و با ساختار ترکیبی — نقاشی انتزاعی با ریشه در خوشنویسی — ارائه می‌شوند؛ ترکیبی که در آن تکرار، حرکت خط و عمق رنگ، مرکز توجه است. چنین زبانی بصری، او را در میان هنرمندان معاصر ایران و طیف گسترده‌تری از مخاطبان بین‌المللی متمایز کرده است.

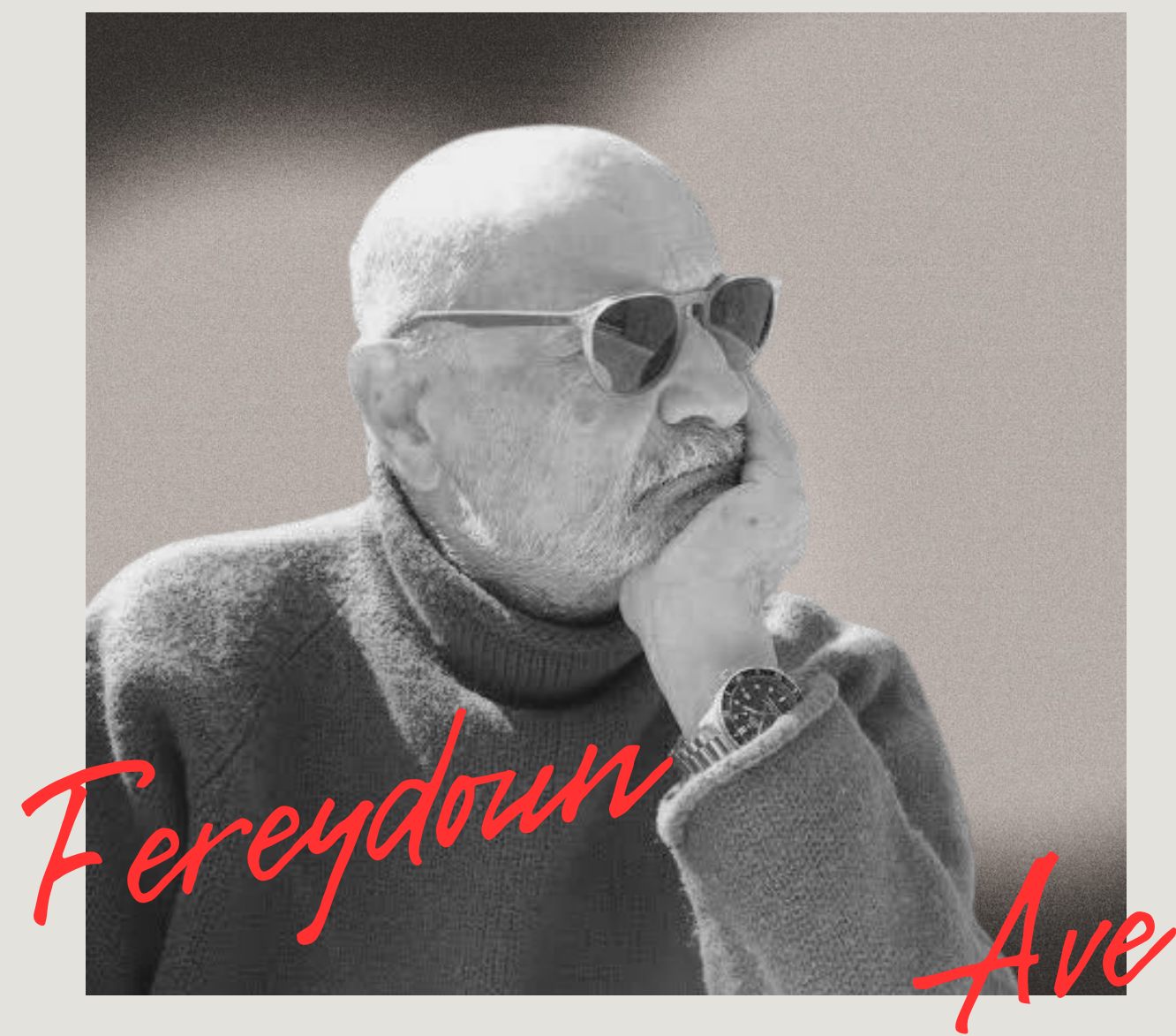
Fereydoun Omid

Fereydoun Omid (born 1967 in Roudbar, Iran) is an Iranian artist working at the intersection of painting and contemporary calligraphic abstraction. He studied in graphic design before enrolling in the painting programme at Azad University, Tehran in 1989 and earned his M.A. in painting in 1998.

Omid's visual practice is rooted in material experimentation and a search for the fusion of classical Persian calligraphy with modern painting techniques. He typically works with thick oil paint applied on canvas using a painting knife, producing bold surfaces marked by rhythm and gestural energy.

In many of his works, calligraphic letters emerge only to be deconstructed — their traditional forms fragmented and dispersed — yielding abstract compositions characterized by repetition, line, and color as autonomous elements.

His large-scale paintings, blending abstraction and the heritage of script, emphasize visual rhythm, spatial depth, and the painterly materiality of pigment. This distinctive visual language positions Omid among leading contemporary Iranian artists and appeals to a broad, international audience.



فریدون آو

فریدون آو (متولد ۱۳۲۴ تهران) هنرمند، طراح، مجموعه‌دار و چهره‌ی مؤثر در هنر معاصر ایران است. او در رشته هنرهای کاربردی تئاتر در دانشگاه ایالتی آریزونا و در مدرسه فیلم دانشگاه نیویورک تحصیل کرده است.

سبک بصری آو در تقاطع تجرید و کنش مواد شکل گرفته است؛ او در آثار نقاشانه و کلاژهایش، اغلب از لایه‌هایی با رنگ آزاد، بافت، و آثار جمع‌آوری شده (مثل پارچه‌ها یا مواد بازیافتی) استفاده می‌کند. او با تأثیری که از هنر غرب و نیز سنت بصری ایرانی می‌گیرد، زبانی بصری ترکیبی ایجاد کرده است که در آن عناصر انتزاعی، طرح‌های نوشتاری یا نمادین و بافت‌های ملموس هم‌زمان حضور دارند.

در برخی آثارش مانند «(۲۰۰۹) Rustam in the Dead of Winter» تصویری از قهرمان اسطوره‌ای ایرانی را در منظری معاصر بازنمایی می‌کند: قهرمانی آشنا اما غریب و گاهی سرگشته — نمادی از هویت، تاریخ و تجربه‌ی شخصی.

آو در طول بیش از پنج دهه فعالیت، علاوه بر خلق آثار شخصی، گالری و فضاهای مستقل تأسیس کرده، مجموعه‌های هنری گردآوری کرده و نقشی فعال در معرفی و حمایت از نسل‌های جدید هنرمندان معاصر ایرانی ایفا نموده است.

Fereydoun Ave

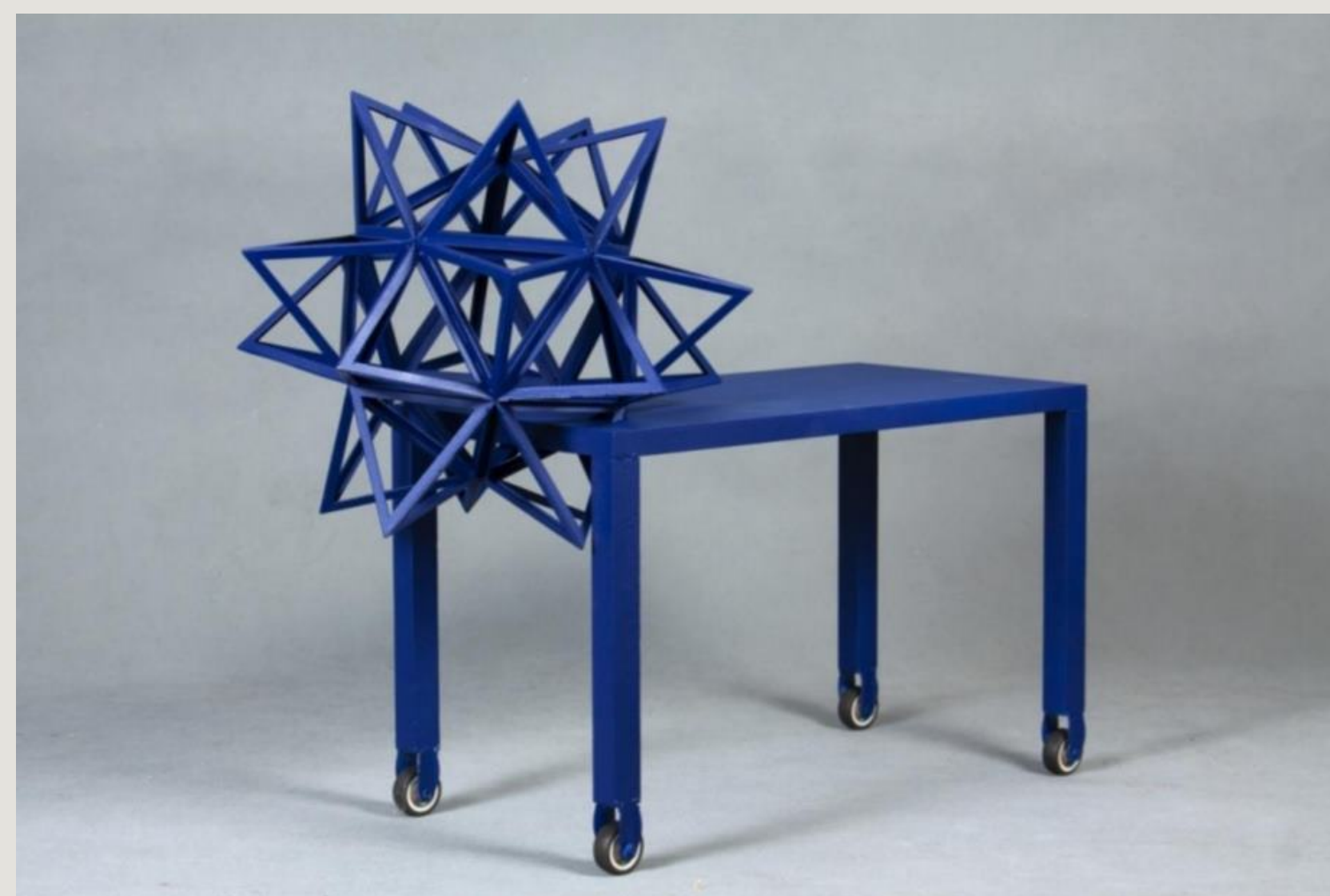
Fereydoun Ave (b. 1945, Tehran) is an Iranian artist, designer, and collector whose multifaceted practice has had substantial influence on contemporary art in Iran. He studied Applied Arts for Theatre at Arizona State University and further pursued film studies at New York University.

Ave's visual language emerges at the intersection of abstraction and material engagement. In his paintings and collages, he often combines freely applied color, rich textures, and found or collected materials — such as fabrics or reclaimed objects.

Drawing from both Western art influences and Iranian visual traditions, he has developed a hybrid aesthetic in which abstract forms, symbolic or script-like motifs, and tangible surfaces coexist.

In works such as *Rustam in the Dead of Winter* (2009), Ave reimagines a hero from Iranian mythology within a contemporary context — familiar yet estranged, often depicted in states of ambiguity or displacement. These paintings reflect on identity, history, and personal experience through layered visual metaphors.

Across more than five decades of activity, Ave has not only produced his own art but also established independent spaces, curated exhibitions, and assembled collections — playing an active role in supporting and promoting newer generations of Iranian contemporary artists.



45*55*30 cm

لیلا پازوکی

لیلا پازوکی (متولد ۱۳۵۶ تهران)، هنرمند چندرسانه‌ای ایرانی است که امروز در برلین زندگی و کار می‌کند. تحصیل در نقاشی در دانشکده هنر تهران، ادامه آموزش در آکادمی هنرهای زیبای مونیخ، و سپس دریافت کارشناسی ارشد از دانشگاه هنر برلین، مبنای حرفه بین‌المللی او را شکل داد.

سبک بصری پازوکی عمدتاً بر کاوش ساختار «مرز» — چه مرزهای جغرافیایی، فرهنگی و چه مرزهای بصری و رسانه‌ای — متمرکز است. در آثارش، تصویر، متن، نور نئونی، مدیوم‌های متنوعی چون نقاشی، عکاسی، ویدئو و چیدمان را با هم ترکیب می‌کند تا پرسش‌هایی دربارهٔ قبولیت تصاویر، سانسور، معنا و هویت مطرح کند.

به‌ویژه در پروژه‌هایی مانند «The Aesthetics of Censorship»، پازوکی با حذف یا بازتعریف تصاویر مشهور غربی، توجه به نقش سانسور و فرهنگ غالب را جلب می‌کند. در نمایش اخیرش (۲۰۲۵)، با استفاده از مجسمه‌های سرامیکی، آثار کاغذی رنگی، نور نئونی و ترکیب Forms انتزاعی، فضایی معاصر خلق کرده است که رابطهٔ انسان، شیء و خاطره را بازمی‌بیند. به این ترتیب، آثار پازوکی زبان بصری‌ای دارند که از تجربهٔ زیستی، تنوع فرهنگی و کنش اجتماعی سرچشمه می‌گیرند، و مخاطب را به تأمل دربارهٔ مرزها، هویت و ساختارهای قدرت فرا می‌خوانند.

Leila Pazooki

Leila Pazooki (born 1977, Tehran) is an Iranian multimedia artist currently based in Berlin. Her formal training began in painting at Tehran's art academy, continued with studies at the Academy of Fine Arts in Munich, and culminated in a Master's degree from the Berlin University of the Arts — a trajectory that laid the foundation for her international practice.

Pazooki's visual language centers on an exploration of “borders” — geographic, cultural, and visual.

Through painting, photography, video, installation, and neon-lit works, she blends media and motifs to challenge the distinctions between acceptable and forbidden images, interrogating issues of censorship, meaning, and identity.

In projects such as *The Aesthetics of Censorship*, Pazooki reworks iconic Western artworks by erasing or deconstructing their figures — drawing attention to how censorship and dominant cultural values shape our understanding of art. Her most recent exhibition (2025) transforms everyday objects into abstract, symbolic forms: using ceramic sculpture, colored paper works, neon signs, and rotating display vitrines, she constructs a contemporary “museum of everydayness,” inviting reflection on the relationship between object, memory, and human presence.

Pazooki's work speaks through a visual vocabulary rooted in lived experience, cultural plurality, and social awareness — prompting the viewer to reconsider borders, identity, and the structures underpinning power.



Najmeh Pashaei



95*50*50 cm



40*55*54 cm

نجمه پاشایی

نجمه پاشایی (متولد ۱۳۶۸، تهران) مجسمه‌سازی است که زبان هنری‌اش در بازتعریف فضا و ماده شکل می‌گیرد. او کارشناسی نقاشی را در دانشگاه علم و فرهنگ (۱۳۹۳) و کارشناسی ارشد را در دانشگاه سوره (۱۳۹۸) دریافت کرد.

در آثار پاشایی، ماده (سیمان، گچ، رزین، فلز، و گاه چوب) به شیوه‌ای ساختاری و استعاری به کار می‌رود تا فضاهایی انتزاعی و در عین حال ملموس خلق شود. معماری مفهومی آثار او، که خود آن را «Najvaha architecture» می‌نامد، شامل پل‌ها، خطوط و سازه‌هایی است که «شهرهایی در ناکجاآباد» می‌سازند؛ فضاهایی معلق میان ماده و فضای خالی، میان فرم و معنا. مجموعه‌هایی چون «Structure to Heaven» (گالری ۲۰۲۳، Homa Art Gallery) و «بیست هزار فرسنگ زیر دریا» (۲۰۲۵) نمونه‌هایی از شیوه پاشایی در خلق ساختارهای پلاستیک و معماری استعاری‌اند. آرچارت+۱ آثار او با تأکید بر فضاهای منفی، حجم و ماده، مخاطب را به بازاندیشی درباره مکان، بودن و ساختار فرا می‌خوانند. به این ترتیب، نجمه پاشایی در آثار خود مسیری را دنبال می‌کند که در آن مجسمه دیگر صرفاً فرم نیست، بلکه محیطی معنایی و ساختاری است؛ بازتابی از شرایط معاصر و لایه‌های چندگانه تجربه شهری و انسانی.

Najmeh Pashae

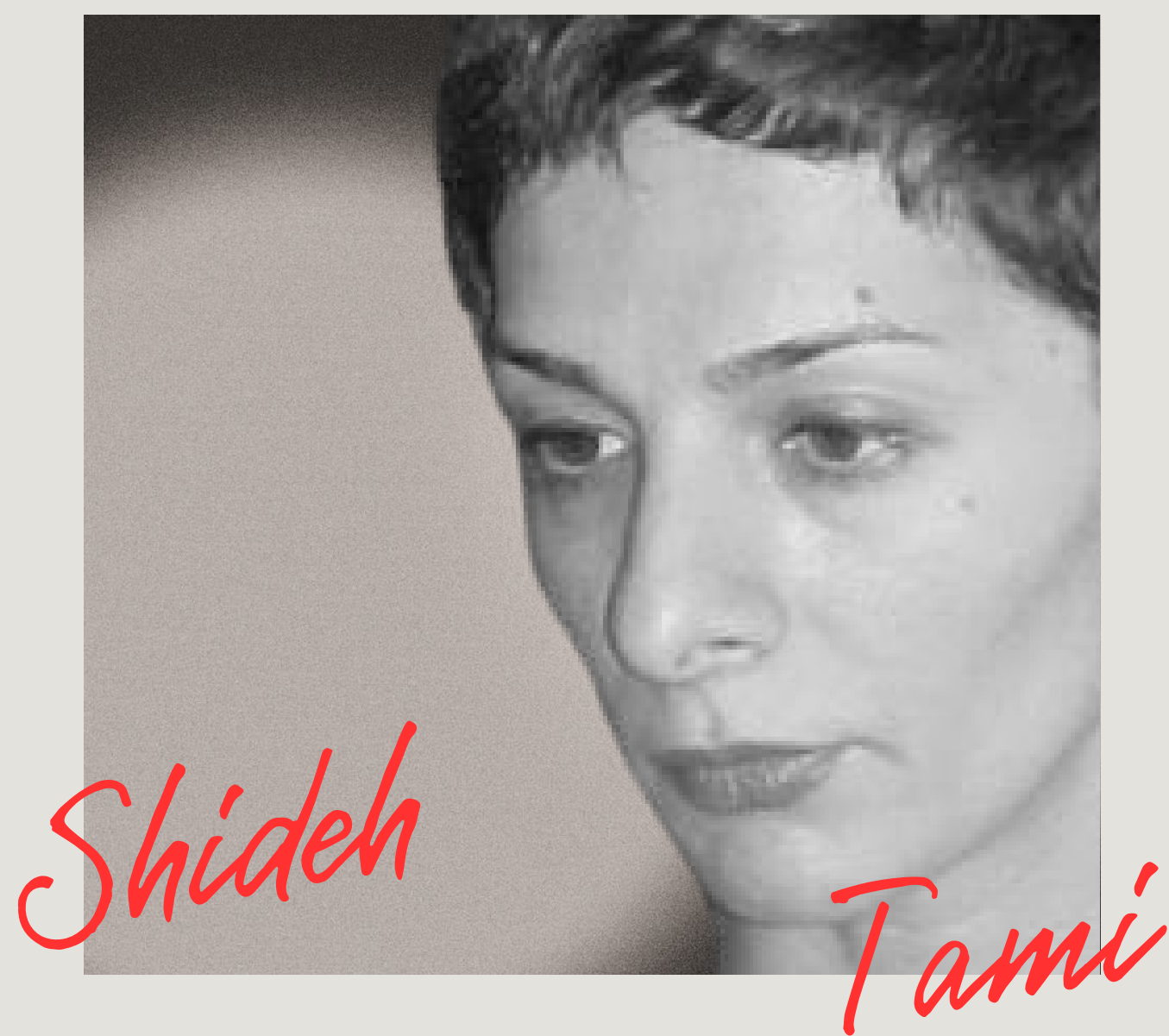
Najmeh Pashae (b. 1989, Tehran) is an Iranian sculptor whose practice centers on re-imagining space and material. She earned her B.A. in Painting from the University of Science and Culture in 2014 and her M.A. from Soore University in 2019.

In Pashaei's works, materials — concrete, plaster, resin, metal, and sometimes wood — are employed in a structural and metaphorical manner to generate spaces that are both abstract and tangible.

The conceptual architecture she builds — a mode she refers to as “Najvaha architecture” — evokes “cities in nowhere”: bridges, lines, and constructs suspended between material and void, between form and meaning.

Works such as Structure to Heaven (exhibited at a prominent Tehran gallery in 2023) and Twenty Thousand Leagues Under the Sea (2025) exemplify her method of creating sculptural, architectural metaphors. Through emphasis on negative space, volume, and material, her sculptures invite viewers to reconsider notions of place, being, and structure.

Najmeh Pashaei's oeuvre moves sculpture beyond mere form: it becomes an environment, a structural and semantic space that reflects contemporary conditions and the multilayered experiences of urban and human existence.



Shideh Tami
150*100 cm
Mixed Media on Canvas

شیده تامی

شیده تامی (متولد ۱۳۴۱ تهران) نقاش و هنرمند معاصر ایرانی است که عمدتاً با تمرکز بر پرتره و فیگور انسانی کار می‌کند. او از میانه دهه ۱۳۷۰ به شکل حرفه‌ای آثارش را عرضه کرد و طی سال‌ها در ایران و خارج از کشور نمایشگاه‌های فردی و گروهی متعددی داشته است.

زبان بصری تامی ساده، انسان‌محور و با تمرکز بر حالات روحی و روانی شخصیت‌هاست. در آثارش — اغلب با تکنیک اکریک یا رنگ روی بوم / مقوا — فیگورها با چهره‌هایی کشیده و پرابهام بازنمایی می‌شوند؛ حالتی که گاه انعکاس تنهایی، تأمل یا درون‌نگری‌اند.

علاوه بر پرتره، تامی در بازنمایی موضوع «فساد تصویر یا هویت» نیز فعال است: او برخی آثار را با حذف یا تحریف بخشی از چهره‌ها یا اجزاء بصری خلق می‌کند تا پرسش‌هایی درباره هویت، واقعیت و معنا در برابر مخاطب طرح کند.

آثار او از دهه‌ها فعالیت، نمونه‌ای جدی از مواجهه نقاشانه با انسان، احساس و سرگردانی هستند؛ نقاشی‌هایی که بیننده را به تأمل درباره فردیت، حضور و ناپیدایی دعوت می‌کنند.

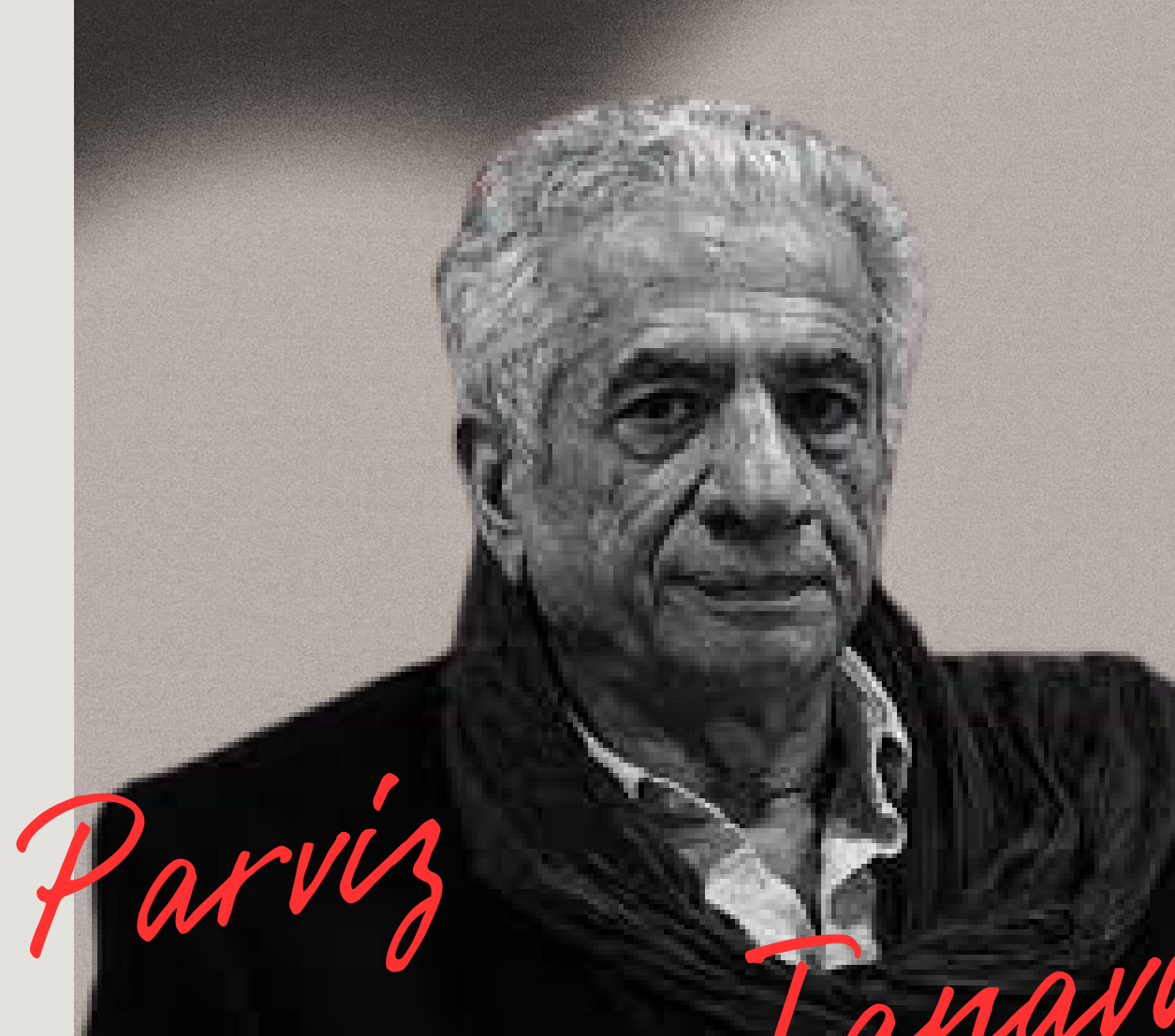
Shideh Tami

Shideh Tami (b. 1962, Tehran) is an Iranian contemporary painter whose practice centers on human portraiture and the representation of the figure. She began exhibiting seriously in the mid-1990s and since then has participated in numerous solo and group exhibitions both in Iran and abroad.

Tami's visual language is straightforward and human-centred, focusing on the psychological and emotional states of her subjects. In works often executed in acrylic or paint on canvas or paper, figures are depicted with elongated, ambiguous faces — conveying solitude, introspection, or existential quietude.

Beyond portraiture, Tami also engages with themes of identity and the “disruption of the image”: in some works she obscures or distorts parts of the face or visual field, provoking reflection on identity, reality, and meaning in the viewer.

Over decades of work, her paintings offer a serious painterly engagement with humanity, emotion, and absence — pieces that invite contemplation on individuality, presence, and what remains hidden.



Parviz
Tanavoli



24*20*10 cm
Ceramic

پرویز تناولی

پرویز تناولی (۱۳۱۶ تهران – متولد ۱۹۳۷) مجسمه‌ساز، نقاش و پژوهشگر ایرانی است که به‌عنوان پدر مجسمه‌سازی مدرن ایران شناخته می‌شود. سقاخانه — جنبشی که تلفیق هنر فولکلور، سنت‌های بصری ایرانی و مدرنیسم بود — با مشارکت او شکل گرفت.

در مرکز کار تناولی مجموعهٔ برجستهٔ مجسمه‌های او تحت عنوان «هیچ» قرار دارد: ترکیب سه حرف فارسی (ه، ی، چ) به شکلی سه‌بعدی — گاه در برنز، گاه در فایبرگلاس یا نور نئونی — که معنا و شکل را به بازتابی از هستی، امتناع و فضای میان بودن و نداشتن بدل می‌کند.

علاوه بر «هیچ»، تناولی در آثارش به نمادهایی چون قفل، قلاب، شاعر، شیر، پرنده و «دیوار» نیز می‌پردازد؛ عناصری که در بازخوانی میراث بصری ایران — از هنر عوام و معماری مردم‌پسند تا اسطوره و ادبیات — بازتاب می‌یابند.

او نه فقط مجسمه‌ساز، بلکه پژوهش‌گر هنر و فرهنگ ایرانی نیز هست؛ آثارش شامل نقاشی، چاپ، سرامیک و حتی طراحی قالی است.

زبان بصری تناولی، ترکیبی از فرم، کلمه و تاریخ است: مجسمه‌هایی که با درونمایه‌ای مدرن و ساختاری فلسفی، پیوند بین سنت و معاصر برقرار می‌کنند؛ پیوندی که جایگاه او در تاریخ هنر معاصر ایران تثبیت می‌کند.

Parviz Tanavoli

Parviz Tanavoli (born 1937, Tehran) is an Iranian sculptor, painter, scholar, and collector of traditional Iranian art — widely regarded as the father of modern Iranian sculpture. He was a key figure in founding the Saqqakhaneh movement, which sought to combine Iranian folk heritage and visual tradition with modern art idioms.

At the core of Tanavoli's practice lies his iconic series titled "Heech" (the Persian word for "nothing"): a three-dimensional formation of the letters he, ye and che, realized in materials such as bronze, fiberglass or neon light. With "Heech," he transforms the concept of absence into a physical presence — a meditation on existence, void and the space between being and nothingness.

Beyond "Heech," Tanavoli's repertoire embraces recurring motifs such as locks, cages, poets, lions, birds, and walls — symbols drawn from Iranian folk culture, popular religious iconography, myth, and literary tradition. These motifs reflect his continuous dialogue with Iran's visual heritage and collective memory.

His artistic output spans sculpture, painting, printmaking, ceramics, and even carpet design. Through a visual language that integrates form, script, and history, Tanavoli constructed a bridge between tradition and modernity. His works stand as structured, reflective embodiments of a contemporary Iranian aesthetic, rooted in cultural memory and philosophical inquiry.



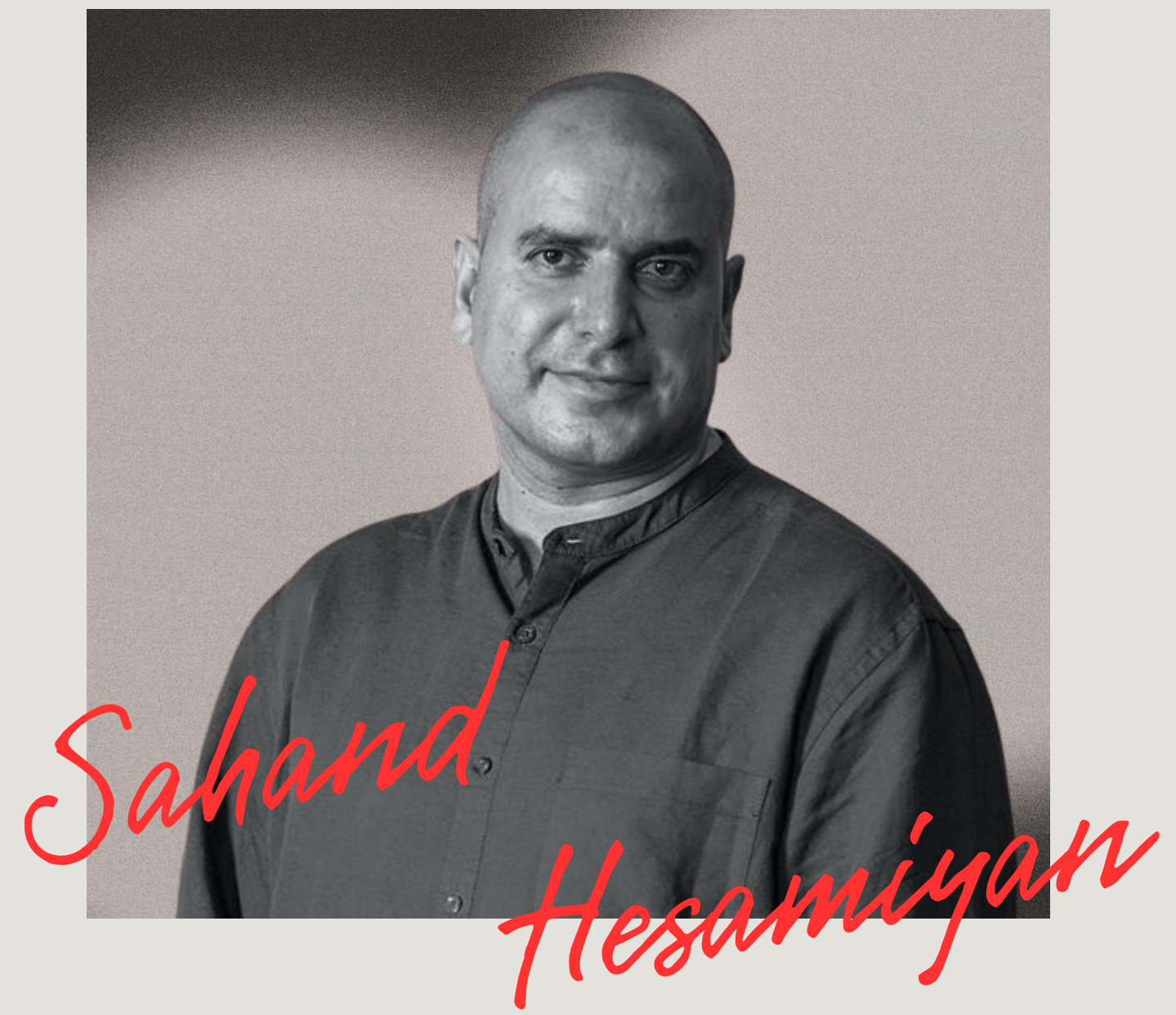
70*60 cm
Mixed Media on Canvas



30*20 cm

ایرج تهرانی

Iraj Tehrani



Iron

Sahand Hesamiyan

Sahand Hesamiyan (b. 1977, Tehran) is an Iranian sculptor whose practice is rooted in the study of geometry, architecture, and the repetitive patterns of Iranian-Islamic art. Drawing from structural elements such as domes, muqarnas, and geometric latticework, he creates sculptural forms that operate at the intersection of volume, architecture, and spatial experience. His use of metal, laser-cut steel, wood, and industrial materials allows traditional concepts to be reinterpreted through a contemporary and minimalist vocabulary.

Light and shadow are central components of Hesamiyan's work. Many of his sculptures are designed so that light passes through the perforated or modular structures, generating a secondary layer of imagery on surrounding surfaces. This approach lends his work an experiential dimension, engaging the viewer in a shifting, time-based encounter.

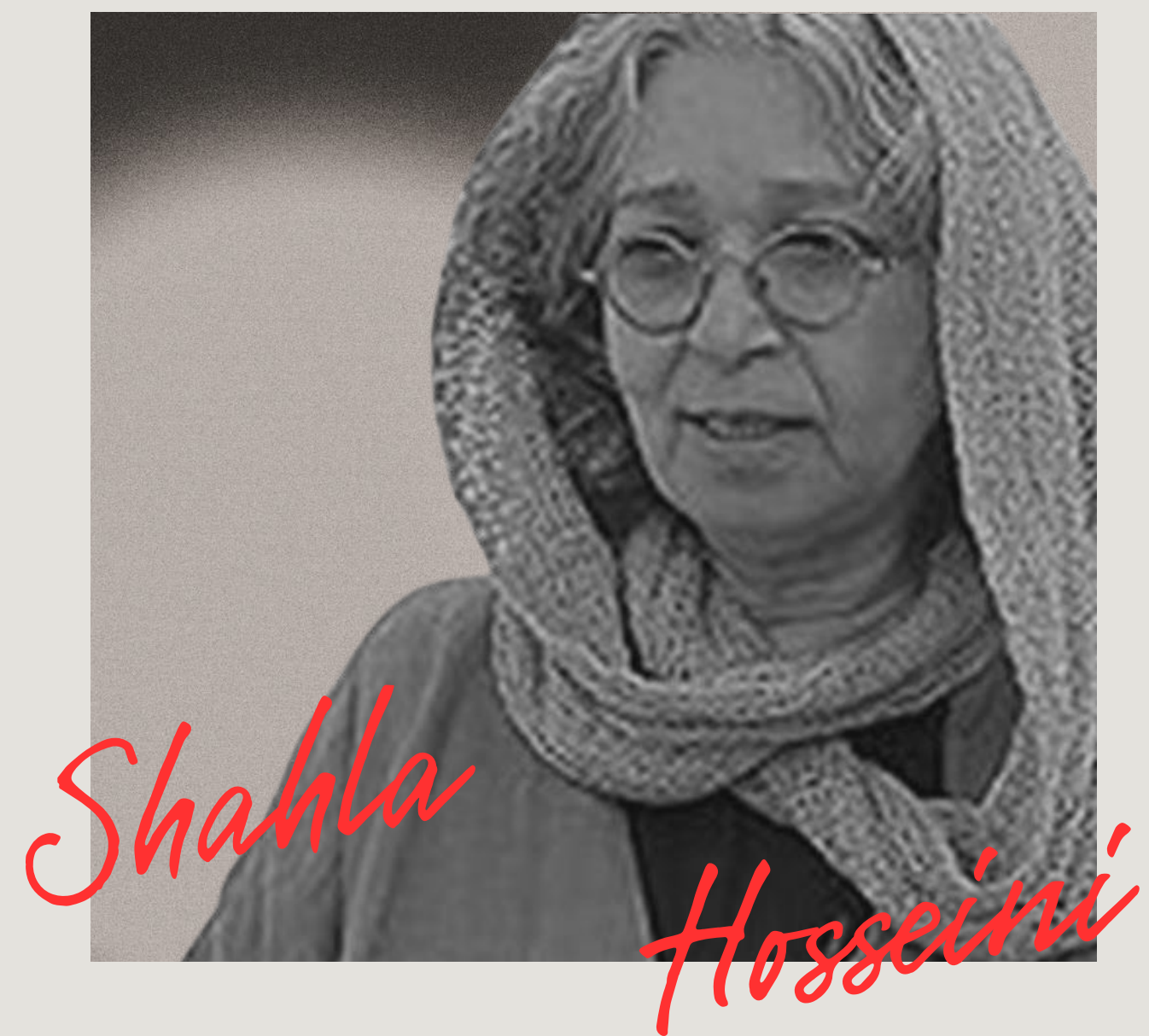
Hesamiyan's participation in the Iranian Pavilion of the 54th Venice Biennale (2011) marked a significant moment in his career, expanding international recognition of his synthesis of historical geometry with modern sculptural form. His works have since been exhibited in prominent galleries and collections in Iran and abroad, positioning him as an important figure in the contemporary reinterpretation of Iranian geometric traditions.

سهند حسامیان

سهند حسامیان (متولد ۱۳۵۶) مجسمه‌ساز ایرانی است که بخش عمده کار او بر مطالعه هندسه، معماری و الگوهای تکرارشونده هنر ایرانی - اسلامی متمرکز است. او با بهره‌گیری از فرم‌های گنبد، مقرنس و شبکه‌های هندسی، ساختارهایی می‌سازد که در مرز میان حجم، معماری و فضا عمل می‌کنند. استفاده از فلز، فولاد برش خورده، چوب و مواد صنعتی در آثار او راهی است برای بازخوانی مفاهیم سنتی در قالبی معاصر و مینیمال.

حسامیان در آثارش به رابطه نور و سایه توجه ویژه دارد؛ بسیاری از مجسمه‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که نور از لابه‌لای الگوهای مشبک عبور کند و لایه‌ای ثانویه از تصویر را روی دیوار یا محیط خلق کند. این کیفیت، وجهی تجربی و متغیر به آثار او می‌دهد و مخاطب را وارد فرآیندی از مشاهده زمان مند می‌کند.

حضور او در بخش ایران پنجاه و چهارمین دوره بینال ونیز (۲۰۱۱) یکی از نقاط مهم کارنامه اوست، جایی که رویکرد او به تلفیق هندسه سنتی با فرم معاصر بیشتر دیده می‌شود. آثار حسامیان در سال‌های اخیر در گالری‌ها و مجموعه‌های معتبر داخل و خارج از ایران ارائه شده‌اند و به عنوان نمونه‌ای از بازتعریف هندسه ایرانی در مجسمه‌سازی معاصر شناخته می‌شوند.



شهلا حسینی

شهلا حسینی (متولد ۱۳۳۳ تهران) نقاش و چندرسانه‌ای کار معاصر است که در دانشگاه تهران دوره نقاشی را گذرانده و از اواخر دهه ۱۳۵۰ با نخستین نمایشگاه در گالری سیحون وارد عرصه‌ی هنر شد.

سبک بصری او گسترده و چندوجهی است؛ از نقاشی پرتره و منظره در آغاز فعالیت، تا آثار انتزاعی با ترکیب مواد متنوع، کولاژ، چیدمان و اشیاء واقع‌نما. شهلا حسینی اغلب در آثارش بافت و ماده را به کار می‌گیرد: پارچه، گچ، اشیاء روزمره، خطوط و سازه‌های هندسی — که با حساسیتی شاعرانه ترکیب می‌شوند تا فضای تأمل برانگیز و شخصی خلق کنند.

نوری ملایم یا رنگ‌های سوخته، سطوح ترک‌خورده یا پارچه‌های نخ‌نخ، در برخی آثار او حضور دارند؛ این انتخاب‌ها تأکیدی است بر گذرا بودن ماده، زمان و یاد. حضور آثار او در مجموعه‌ی دائمی **Tehran Museum of Contemporary Art** و نمایشگاه‌های متعدد داخلی و بین‌المللی، نشان‌دهنده‌ی پذیرش گسترده‌ی زبان بصری او و توانایی‌اش در عبور از مرزهای ژانری است.

آثار شهلا حسینی دعوت به تأمل اند، دعوتی بر سرشت ماده، خاطره و تجربه — تجربه‌ای که با ظرافت، چندلایه‌گی و نگاه دقیق به زندگی روزمره درهم تنیده شده است.

Shahla Hosseini

Shahla Hosseini (b. 1954, Tehran) is a contemporary Iranian painter and mixed-media artist. She studied painting at Tehran University and held her first solo exhibition in the late 1970s at a Tehran gallery.

Her visual practice is diverse and multifaceted, ranging from portrait and landscape painting in her early years to abstract works incorporating collage, installation, found objects, and varied materials. In many of her works, Hosseini employs materiality and texture — fabric, plaster, everyday objects, geometric structures — combining them with a poetic sensitivity to create contemplative and intimate visual spaces.

Gentle light, worn or torn fabrics, cracked surfaces — these features often recur in her pieces, emphasizing transience of material, memory, and time.

Her works are held in the permanent collection of the Tehran Museum of Contemporary Art, and she has participated in numerous exhibitions in Iran and abroad — a testament to the broad reception of her visual language and her ability to transcend stylistic boundaries. Hosseini's artworks invite reflection on materiality, memory, and experience — a layered, nuanced engagement with everyday life, expressed through sensitivity, depth, and careful observation.



Mixed media on paper
30*30 cm
Framed

رکنی حائری زاده

رکنی حائری زاده (متولد ۱۳۵۷) هنرمند معاصر ایرانی است که از اواسط دهه ۱۳۸۰ با ترکیب نقاشی، کلاژ، چیدمان، انیمیشن و آثار روی کاغذ، به نقد ساختارهای اجتماعی، رسانه‌ای و فرهنگی پرداخته است. آثار اولیه او صحنه‌های عروسی، جشن‌ها و مراسم مردمی در ایران را به تصویر می‌کشیدند؛ فضایی که در نگاه او هم آیین و هم ابژه رفتار اجتماعی است.

از حدود سال ۲۰۰۹، با پروژه «Fictionville» حائری زاده سبک خود را گسترش داد؛ او تصاویر خبر، صحنه‌های رسانه‌ای یا فایل‌های ویدئویی خبری را بر روی بوم یا کاغذ بازتاب داده و با اصلاح، تحریف و بازتولید آن‌ها، پرسش‌هایی درباره خشونت، مصرف رسانه و واقعیت معاصر مطرح می‌کند.

علاوه بر نقاشی و کلاژ، او آثار ویدئویی - موسوم به «متحرک نقاشی‌ها» (Moving Paintings) - تولید می‌کند؛ ترکیب هزاران فریم نقاشی شده که با یکدیگر فیلم‌وار در حرکت درمی‌آیند و زمان را وارد ساختار نقاشی می‌کنند.

زندگی و تولید هنری او از ۲۰۰۹ در دوی است و بخشی از یک گروه هنری سه نفره با برادر خود و همکارشان است. آثار او در مجموعه‌های عمومی و خصوصی بین‌المللی نگه‌داری می‌شوند و مشارکت او در رخدادهایی چون Sharjah Biennial و Carnegie International جایگاه او را در هنر معاصر ایران و منطقه تثبیت کرده است.

رکنی حائری زاده با زبان بصری‌ای ترکیبی - کلاژ، نقاشی، ویدئو و بازتولید رسانه - مدام مرز میان واقعیت، روایت و تصویر را می‌کاود، و مخاطب را به بازاندیشی نسبت به تجربه جمعی، رسانه و حافظه دعوت می‌کند.

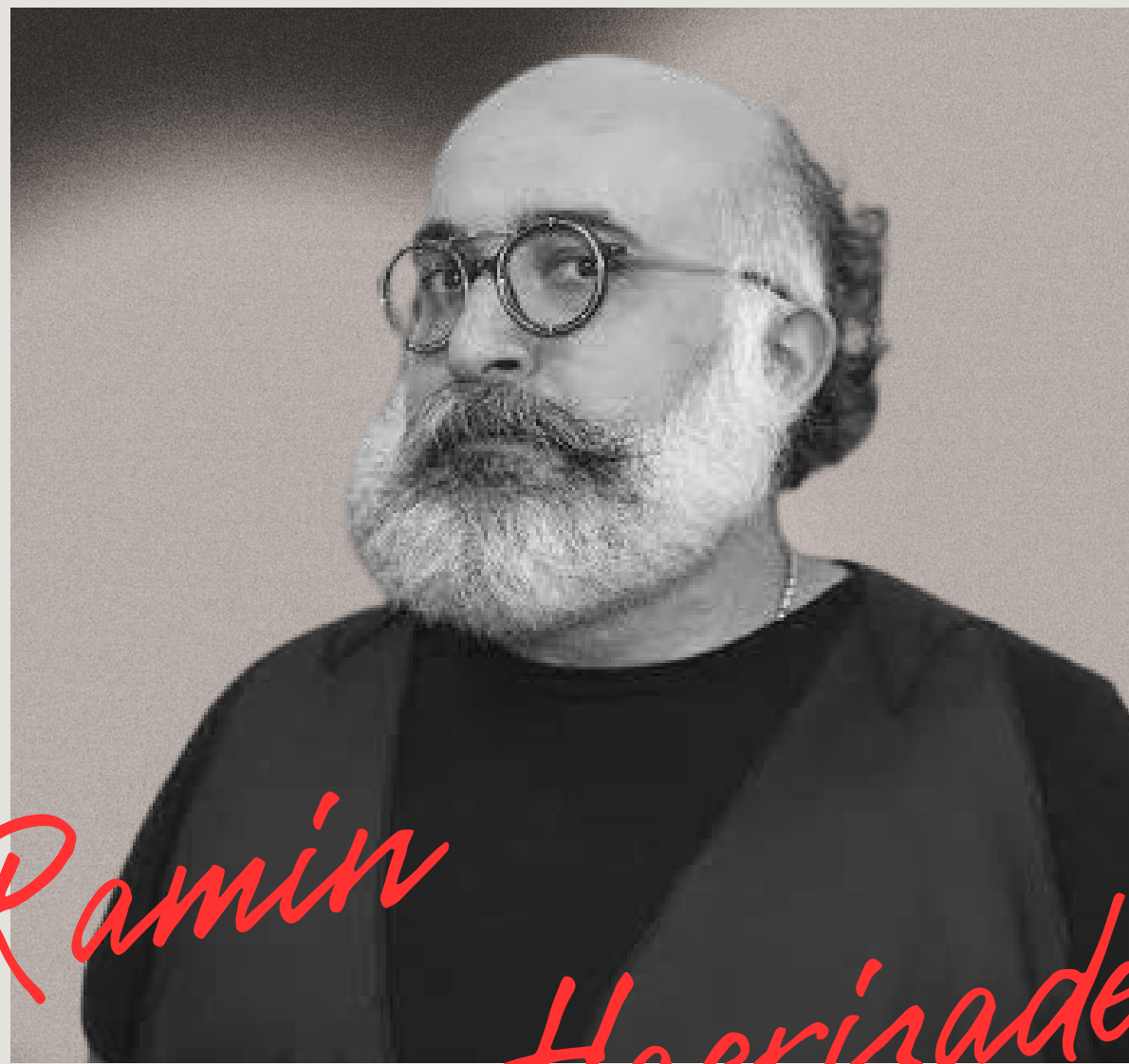
Rokni Haerizadeh

Rokni Haerizadeh (b. 1978, Tehran) is a contemporary Iranian artist whose multifaceted practice—encompassing painting, collage, installation, animation, and works on paper—has engaged critically with social, media, and cultural structures since the mid-2000s. His early works depicted Iranian communal gatherings such as weddings and religious ceremonies, exploring how ritual and social behavior intertwine.

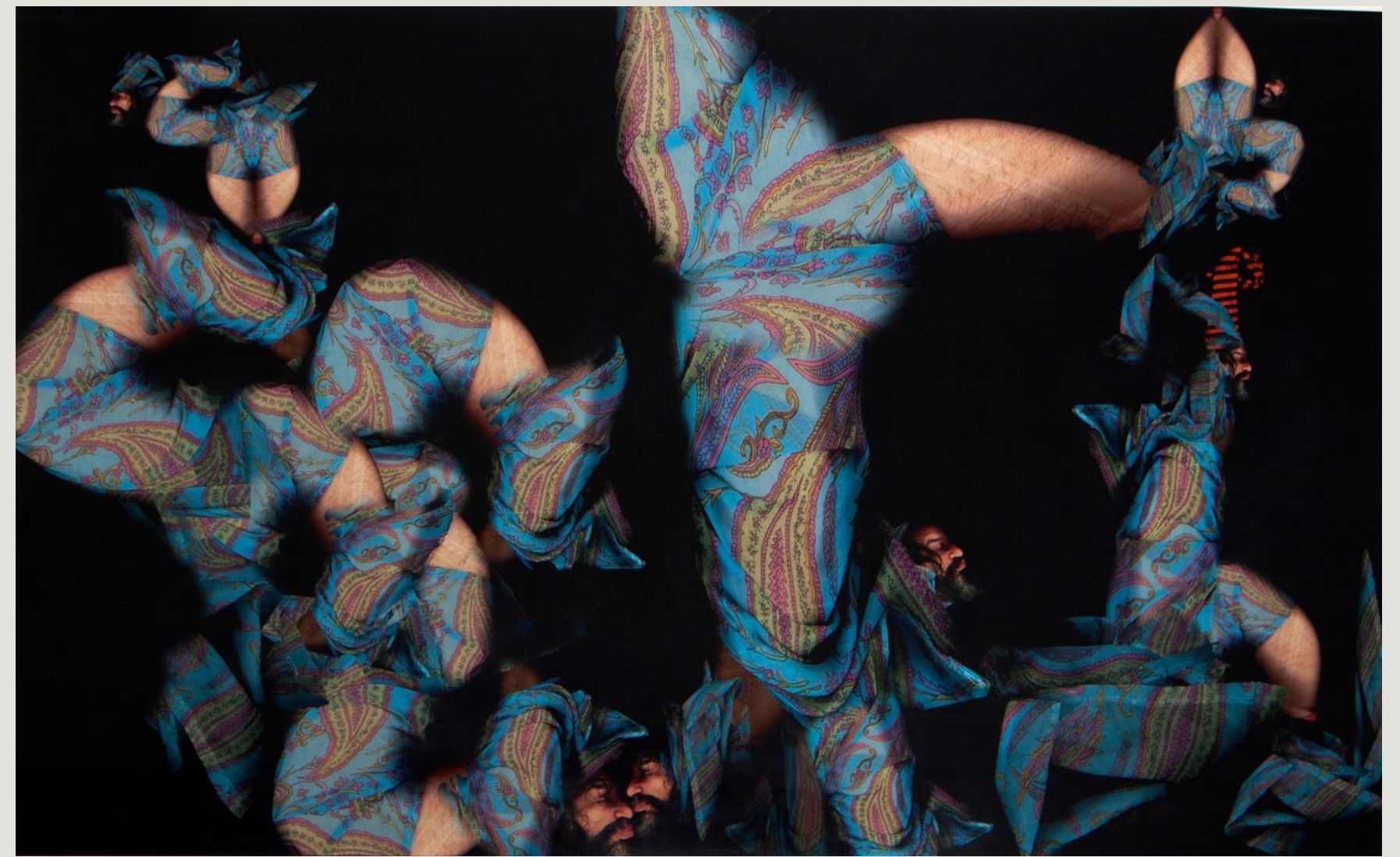
Around 2009, Haerizadeh initiated Fictionville, a project in which he intervenes on photographic and video stills drawn from news media—abstracting, distorting, and recontextualizing them. These works raise questions about violence, media consumption, and the nature of contemporary reality.

In addition to painting and collage, he produces video-based “moving paintings” composed of thousands of individually painted frames—bringing temporality into the realm of surface and composition.

Since relocating to Dubai in 2009, Haerizadeh has worked collaboratively — part of a three-member collective with his brother and a colleague. His works have entered prominent public and private collections worldwide, and his participation in major exhibitions such as the Sharjah Biennial and Carnegie International has affirmed his standing in regional and global contemporary art scenes. Through a visual language that blends collage, painting, video, and media references, Rokni Haerizadeh continuously interrogates the boundaries between reality, representation, and narrative—inviting the viewer to reconsider collective experience, memory, and the power of imagery.



*Ramin
Haerizadeh*



73*117 cm
Framed

رامین حائری زاده

رامین حائری زاده (متولد ۱۳۵۴) هنرمند ایرانی است که از اواخر دهه ۱۳۷۰ فعالیت حرفه‌ای خود را آغاز کرد و از سال ۲۰۰۹ به همراه برادرش و همکارشان در دوبی زندگی و کار می‌کند.

کار او از همان ابتدا میان رسانه، تصویر و بازسازی دوباره روایت‌های بصری در نوسان بود؛ در دهه اول کارش، مجموعه‌ای از عکس-کولاژها و عکس‌هایی ارائه داد که با الهام از جغرافیای فرهنگی ایران و سنت‌های بصری آن بازآفرینی شده بودند.

در ادامه، او با همراهی گروه **Ramin, Rokni, Hesam** مسیر خود را به سمت آثار چندرسانه‌ای گسترده هدایت کرد: نقاشی، کولاژ، ویدیو، انیمیشن و حتی نصب — همه در پی ساخت فضایی پیچیده و چندلایه که در آن روایت، خاطره، رسانه و تجربه هم‌زمان حضور دارند.

در آثار اخیر او — به ویژه انیمیشن‌ها و «**moving paintings**» — تصاویر خبری، فیلم‌ها و عکس‌های اینترنتی بازتولید و بازسازی می‌شوند. با دستکاری، بازچینی و بازترکیب این منابع، ساختار روایت رسانه‌ای و ارتباط بین تصویر، قدرت و مصرف رسانه را زیر سؤال می‌برد.

رویکرد او به هنر معاصر ایرانی نه در معنای بازنمایی مستقیم، بلکه در بازتفکر روایت بصری — بازخوانی تاریخ بصری و بازآفرینی آن در ساختارهایی چندگانه و غالباً جمعی — متبلور است. آثارش مخاطب را به مواجهه‌ای فراتر از فرم، به تامل بر مناسبات رسانه‌ای، حافظه و هویت فرا می‌خواند.

Ramin Haerizadeh

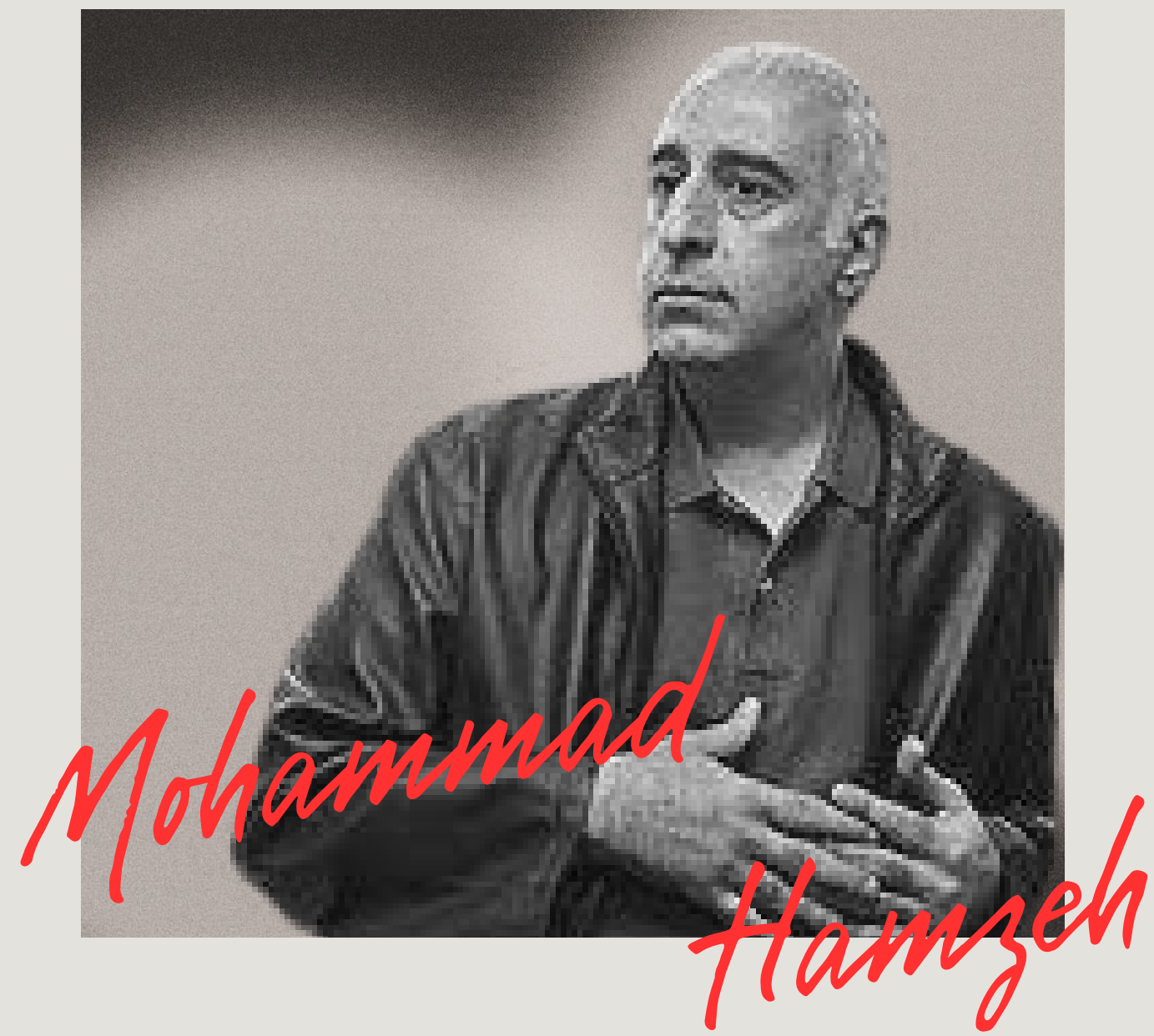
Ramin Haerizadeh (b. 1975, Tehran) is an Iranian artist who began his professional artistic career in the late 1990s, and since 2009 has lived and worked in Dubai alongside his brother and collaborator.

From the outset, his work has navigated between media, image, and the reconfiguration of visual narratives. In his early period, he produced photo-collages and photographic works that drew upon Iran's cultural geography and visual traditions.

Later, together with the collective Ramin, Rokni, Hesam, he expanded his practice into multimedia works: painting, collage, video, animation, and installation — all aimed at creating complex, layered environments in which narrative, memory, media, and experience coexist.

In his recent works — notably his animations and “moving paintings” — Haerizadeh re-uses and re-imagines news imagery, internet video frames, and found photographs. Through manipulation, rearrangement, and recomposition, he challenges the structures of media narrative and questions the relationship between image, power, and media consumption.

His approach to contemporary Iranian art does not aim at straightforward representation; rather, it pursues a re-consideration of visual narrative — revisiting visual history and re-creating it within multiple, often collective formats. His work invites viewers to engage not only with form, but to reflect on media dynamics, memory, and identity.



Acrylic on canvas
150x95 cm

محمد حمزه

محمد حمزه (متولد ۱۳۴۲) نقاش معاصر ایرانی است که از اوایل دهه ۱۳۷۰ فعالیت حرفه‌ای خود را آغاز کرده و با تأکید بر پرتره، بازنمایی چهره و بازخوانی تاریخ هنر غرب و شرق، جایگاه معینی در نقاشی معاصر ایران یافته است. آثار او به واسطه سنت کلاسیک پرتره و افزودن نشانه‌هایی از گذشت زمان، زخم، چین و چروک، بافت و پیچیدگی، تعریف می‌شود. در مجموعه‌ای شناخته‌شده با عنوان «**Crumples / Wrinkled Portraits**»، چهره‌ها به گونه‌ای بازنمایی می‌شوند که گویی در واکنش به گذر زمان و تاریخ، دچار تغییر شده‌اند؛ این آثار ترکیبی از واقعیت و یاد، زیبایی و فرسودگی‌اند.

حمزه نخستین نمایشگاه انفرادی خود را در ۱۳۷۱/۱۹۹۲ در گالری گلستان تهران برگزار کرد، و از آن زمان تاکنون در نمایشگاه‌های متعددی در ایران و خارج شرکت کرده است. آثار اخیر او — شامل نقاشی‌ها و اینستالیشن‌های سه‌بعدی — نشان‌دهنده گسترش زبان بصری او و کنکاش در رابطه بین گذشته، یاد و بدن انسان‌اند.

نقاشی‌های محمد حمزه، با ترکیب تکنیک آکرلیک یا رنگ روی بوم، بافت غنی و تمرکز بر چهره، پرسش‌هایی درباره هویت، زمان و تأثیر تاریخ بر بدن و صورت مطرح می‌کنند؛ آثاری که تماشاگر را وادار به تأملی دوباره نسبت به زیبایی، زوال و خاطره می‌کنند.

Mohammad Hamzeh

Mohammad Hamzeh (b. 1963, Tehran) is a contemporary Iranian painter whose career began in the early 1990s. He has carved out a distinct place in Iranian painting through his focus on portraiture, re-examining classical representational codes while engaging in a dialogue between Eastern and Western art traditions.

His visual language is characterized by a revision of classical portrait conventions: layering time, history, and vulnerability onto the human face. In his well-known series *Crumples / Wrinkled Portraits*, the visages depicted appear to have been worn by time — their wrinkles and folds evoking memory, decay, and the passage of history, blending realism with metaphor.

Hamzeh presented his first solo exhibition in 1992 at Golestan Gallery in Tehran. Since then, his work has featured in numerous solo and group shows both in Iran and internationally. His more recent works — including paintings and three-dimensional installations — reflect an expansion of his visual vocabulary and a deepening exploration of the relationship between history, memory, and the human body.

Through acrylic (and sometimes mixed media) on canvas, rich texture, and focused depiction of the human face, Mohammad Hamzeh raises questions about identity, time, and the imprint of history on flesh. His works encourage viewers to reflect anew on beauty, aging, and memory.



Reza
Derakhshani



200*75 cm
Mixed
media on Canvas

رضا درخشانی

رضا درخشانی (متولد ۱۳۳۱) از هنرمندان برجسته نقاشی و موسیقی معاصر ایران است که از دهه ۱۳۶۰ به تدریج زبان بصری مستقل خود را شکل داد. تحصیل در تهران و سپس اقامت طولانی در اروپا و آمریکا، امکان مواجهه او با سنت‌های نقاشی مدرن، به‌ویژه اکسپرسیونیسم و آبستره معاصر را فراهم کرد؛ با این حال بخش مهمی از کار او بر پیوند این تجربه‌ها با عناصر فرهنگ و اسطوره ایرانی تکیه دارد.

درخشانی در آثارش از رنگ‌های قوی، ضربه‌قلم‌های آزاد و ترکیب‌بندی‌های باز استفاده می‌کند و اغلب میان فیگور و انتزاع در نوسان است. مجموعه‌های «قهوه‌خانه‌ها»، «اسب‌ها»، «نقاب‌ها» و «گل‌ها» نمونه‌هایی از تلاش او برای بازخوانی موضوعات آشنا در ساختاری معاصر هستند. در برخی آثار، نقش مایه‌های ایرانی مانند اسب، پرنده، نگاره‌های تزئینی و ارجاع‌های اسطوره‌ای در بستری کاملاً نقاشانه و غیرروایی ظاهر می‌شوند.

درخشانی در کنار نقاشی، به کار با مواد متنوع از جمله مرکب، رنگ‌روغن، آکرلیک و گاه چاپ دستی می‌پردازد. حضور مستمر آثار او در گالری‌های بین‌المللی، مجموعه‌های خصوصی و موزه‌ها، بازتابی از انسجام زبانی و استمرار جست‌وجوی او در مرز میان حافظه فرهنگی و بیان معاصر است. آثارش اغلب تماشاگر را به مواجهه‌ای حسی و تجربی دعوت می‌کنند، جایی که رنگ، حرکت و اشاره جای روایت مستقیم را می‌گیرند.

Reza Derakhshani

Reza Derakhshani (b. 1952) is a prominent Iranian painter and musician whose independent visual language emerged in the mid-1980s. His education in Tehran, followed by extended periods living in Europe and the United States, exposed him to modern and contemporary movements—particularly Expressionism and abstraction—while his work remained deeply connected to Iranian cultural motifs and mythological references.

Derakhshani's paintings are characterized by vivid color palettes, energetic brushwork, and open compositions that move fluidly between figuration and abstraction. His well-known series—including Coffeehouses, Horses, Masks, and Flowers—demonstrate his interest in reinterpreting familiar themes through a contemporary painterly framework. Motifs such as horses, birds, and ornamental patterns frequently appear in his work, not as narrative symbols but as elements within a dynamic visual field.

Working across various media including ink, oil, acrylic, and occasional printmaking, Derakhshani maintains a process-oriented approach that foregrounds gesture and material. His paintings have been exhibited widely in international galleries and are held in private and institutional collections, reflecting the consistency and depth of his artistic trajectory.

Derakhshani's practice invites viewers into a sensory encounter where color, movement, and surface take precedence over explicit storytelling, creating a space in which cultural memory and contemporary expression intersect.



70*50 cm
Mixed Media

افشان دانشور

افشان دانشور (متولد ۱۳۵۱، تهران) هنرمندی ایرانی است که اکنون در دویی زندگی و فعالیت می‌کند. از کودکی زیر نظر پدر خوشنویس تربیت شد و از سال ۲۰۰۴ خطوط و تمرین خوشنویسی فارسی (سیاه‌مشق) را پایه کار هنری‌اش قرار داد.

زبان بصری او مبتنی بر تکرار و تأمل است: دانشور حروف و کلمات را بارها و بارها می‌نویسد، بازنویسی می‌کند و با تکرار پی‌درپی آنها، فرم و معنا را به تجربه‌ای نزدیک به مدیتیشن بدل می‌سازد؛ تجربه‌ای که مرز بین گذشته و حال را کم‌رنگ می‌کند.

از حدود ۲۰۱۵، دانشور به «کاغذ» به عنوان ماده اصلی آثارش روی آورد و در مجموعه‌هایی مانند «Boats Series» (۲۰۱۷) با هزاران قایق اوریگامی کوچک، ساختارهایی مینیمال اما عمیق ایجاد کرد؛ ساختارهایی که در نگاه اول ساده‌اند اما از نزدیک ترکیبی پیچیده از حجم، تکرار و سکون هستند.

آثار پیشین او — از جمله «Body Prints» (۲۰۰۸) و «Paraphrases» (۲۰۰۶) در تهران — نشان‌دهنده مسیر تحول او از خوشنویسی و تصویرسازی به چیدمان و هنر مفهومی‌اند.

در کار افشان دانشور، محتوا و فرم در پیوندی پیوسته‌اند: تکرار شرط لازم تجربه، مدیتیشن و تأمل است؛ و اثر نه صرفاً به عنوان شیء هنری، که به عنوان فضایی برای کند شدن، دیدن دقیق‌تر و تأمل عمیق عمل می‌کند.

Afshan Daneshvar

Afshan Daneshvar (b. 1972, Tehran) is an Iranian visual artist based in Dubai. Trained from childhood by her father in Persian calligraphy, she began working with calligraphic scripts in 2004, using the tradition of siah-mashgh (calligraphic practice sheets) as the foundation of her art.

Her visual language emphasizes repetition and contemplation: Daneshvar writes and rewrites letters and words continuously, transforming form and meaning into a meditative process that blurs the boundary between past and present.

Since around 2015, she has adopted paper as her primary medium. In works such as the Boats Series (2017), she assembled thousands of small hand-folded paper boats into minimal yet complex structures — compositions that appear simple from afar but reveal intricate interplay of volume, repetition, and stillness upon closer inspection.

Her earlier exhibitions — including Body Prints (2008) and Paraphrases (2006) in Tehran — reflect her progression from calligraphy and image-making toward installation and conceptual art.

In Daneshvar's work, content and form remain in constant dialogue: repetition becomes a means to meditation and reflection. Her artworks function not merely as objects, but as spaces that encourage slowing down, careful seeing, and deeper contemplation.



Residential Complex
2017
Fabric
35*23*57 cm

فرزانه رفیعی جو

فرزانه رفیعی جو از هنرمندان نسل جدید هنر تکستایل ایران است که در آثارش، پارچه و نخ از بستر کاربردی فراتر رفته و به بیانی شاعرانه و مفهومی می‌رسند. او با بهره‌گیری از بافت‌های برجسته، فرم‌های آزاد و ترکیب مواد متنوع، جهانی از ماده و معنا می‌آفریند؛ در آثار او بافت نه صرفاً ساختار، بلکه نشانه‌ای از پیوند، تکرار و گاه گسست است. نخ‌ها و پارچه‌ها، همچون استعاره‌هایی از بدن، زمان و خاطره، مخاطب را به تأمل درباره‌ی رابطه‌ی میان انسان و ماده فرامی‌خوانند.

رفیعی جو با رویکردی میان‌رشته‌ای، مرز میان طراحی پارچه و هنر تجسمی را درمی‌نوردد. آثار او در عین ریشه داشتن در سنت‌های بافت و دست‌سازهای ایرانی، واجد زبانی جهانی و معاصرند. توجه به جزئیات، حساسیت نسبت به کیفیت لمس و ترکیب ظریف رنگ و نور، به آثارش بُعدی مجسمه‌وار و شاعرانه می‌بخشد.

در آثار او ماده به اندیشه بدل می‌شود و بافت، استعاره‌ای است از زیست انسانی که حافظه‌ی جمعی را به تصویر می‌کشد.

Farzaneh Rafieijou

Farzaneh Rafieijou is among the emerging voices in contemporary Iranian textile art, where fabric and thread transcend their utilitarian origins and evolve into poetic and conceptual forms of expression. Through the use of raised textures, free-flowing structures, and a diverse range of materials, she constructs a world in which matter and meaning are inseparably intertwined. In her work, weaving is not merely a structural process; it becomes a signifier of connection, repetition, and at times rupture. Threads and textiles function as metaphors for the body, time, and memory, inviting viewers to reflect on the complex relationship between human experience and materiality.

Employing an interdisciplinary approach, Rafieijou dissolves the boundary between textile design and visual art. While her practice remains grounded in the traditions of Iranian handwoven crafts, it simultaneously articulates a contemporary and globally resonant visual language. Her attention to detail, sensitivity to tactile qualities, and subtle orchestration of color and light impart a sculptural and poetic dimension to her works.

In Rafieijou's practice, material becomes thought, and texture operates as a metaphor for human existence—one capable of tracing and embodying the contours of collective memory.



*Shantia
Zakerameli*



Oil on Canvas
40*30 cm

شنیتیا ذاکرعاملی

شنیتیا ذاکرعاملی (متولد ۱۳۵۹ در اصفهان) نقاش معاصر ایرانی است. او کارشناسی نقاشی از دانشگاه هنر اصفهان و کارشناسی ارشد پژوهش هنر از انستیتو فرانک موهر هلند دریافت کرد. شروع کار او با نقاشی برگرفته از عکس — شامل عکس‌های خانوادگی، روزمره، مناظر و گزارش‌های تصویری — بود؛ او با بازتولید این تصاویر روی بوم، زندگی معاصر ایران را با زبانی شخصی بازتاب داد. در جریان تحول هنری‌اش، او به بررسی «تاریخ بصری» و نظریات بصری - فلسفی درباره دید (optic / دیدن) روی آورد؛ این پژوهش دید او را توسعه داد و امکانات جدیدی را در ساختار بصری آثارش ایجاد کرد.

آثار او ترکیبی‌اند از آبستره و فیگور؛ تصاویر بازنمایی شده با رنگ‌ها و ترکیب‌بندی‌هایی معاصر بازتفسیر می‌شوند؛ گویی خاطره و واقعیت با هم پیوند می‌یابند. نمونه‌ای از این کارها اثر **Gate of Paradise** است که در سال ۲۰۱۲ خلق شد و با رنگ و فرم نوین، فضای بین رؤیا و حضور، صعود و سقوط را به نقد می‌کشد.

شنیتیا ذاکرعاملی با پیگیری مستمر تجربه بصری، عکس، حافظه و نقاشی، زبانی شخصی و معاصر ساخته است؛ زبانی که به مخاطب امکان می‌دهد بین گذشته و زمان حاضر، بین مستند و ذهنی، مرزی پویا ببیند و تجربه‌ای چندلایه احساس کند.

Shantia Zakerameli

Shantia Zakerameli (b. 1980, Isfahan) is a contemporary Iranian painter who earned her B.A. in Painting from Isfahan Art University and her M.A. in Art Studies from the Frank Mohr Institute in the Netherlands.

Her early work involved recreating photographs — from family and everyday snapshots to landscapes and reportage — onto canvas, thereby reinterpreting contemporary Iranian life through a personal painterly lens. Over time, her practice expanded to incorporate an engagement with the history of optics and theories of vision, broadening her formal and conceptual vocabulary.

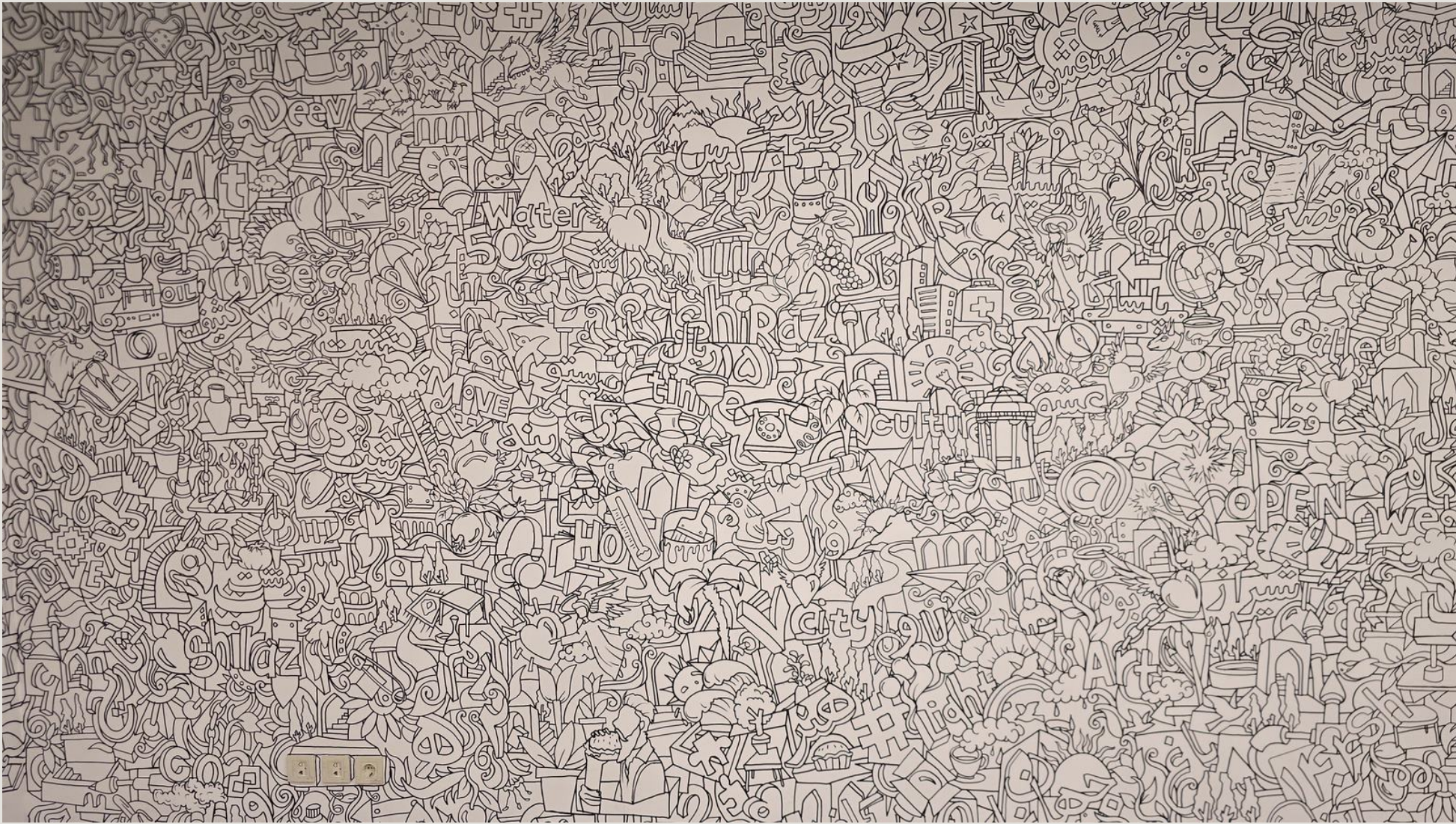
Her paintings often explore the border between figuration and abstraction: representational images are re-imagined through contemporary use of color, composition, and brushwork, invoking a sense of memory and re-envisioned reality. A notable example is *Gate of Paradise* (2012), in which she evokes a liminal space between dream and presence, ascent and descent — using form and hue to question existential and metaphysical states.

Through her sustained exploration of photography, memory, and painting, Zakerameli constructs a personal and contemporary visual language. Her work invites viewers to navigate a shifting boundary between past and present, document and imagination — offering a layered, reflective experience.



Ali

Razavi



علی رضوی

علی رضوی، متولد ۱۳۵۶ در تهران، فارغ التحصیل رشته ی نقاشی از دانشکده ی هنر و معماری تهران است. او بیش از ۱۵ سال است که به صورت بداهه و ذهنی در سبک دودل آرت نقاشی می کند و در این مدت، در بیش از ۵۰ نمایشگاه داخلی و بین المللی حضور داشته است، از جمله ۵ نمایشگاه انفرادی در تهران و همچنین سه دوره ی متوالی حضور در حراج هنر معاصر ایران. در طول این مسیر، آثار او از ابعاد کوچک به فضاهای بزرگ و گسترده تبدیل شده و مستقیماً بر دیوارهای گالری ها اجرا و به نمایش درآمده اند.

Ali Razavi

Ali Razavi, born in 1977 in Tehran, holds a degree in Painting from the Faculty of Art and Architecture at Tehran University. For more than fifteen years, he has worked intuitively and improvisationally within the doodle-art style, developing a highly personal visual language rooted in spontaneous linework and associative imagination. During this period, he has participated in over fifty exhibitions, both in Iran and abroad, including five solo shows in Tehran, as well as three consecutive editions of the Tehran Auction of Contemporary Iranian Art. Over the course of his artistic career, Razavi's practice has evolved from small-scale compositions to large, expansive wall-based works that are executed directly onto gallery surfaces, reflecting the growing spatial ambition and performative dimension of his approach.



60*32*32

امیرحسین ردائی

امیرحسین ردائی (متولد ۱۳۶۵، همدان) هنرمندی است که رویکرد خود را بر پیوند میان زبان تصویری معاصر و اشیاء آشنا از زندگی روزمره بنا کرده است. او که دانش‌آموخته گرافیک از دانشگاه شاهد تهران است، از همان سال‌های آغاز فعالیت هنری به ترکیب مواد صنعتی و فرم‌های مینیمال گرایش یافت. آثار ردائی، چه در قالب مجسمه و چه در چیدمان، بر «بازتعریف شیء» متمرکزند؛ جایی که اشکال ساده، از دل مصالحی چون فایبرگلاس، پلکسی‌گلاس، نئون یا قطعات یکنواخت صنعتی، به ساختاری تازه منتقل می‌شوند و کارکرد معمول خود را از دست می‌دهند.

ردائی در مجموعه‌های مختلف خود از تکرار، ریتم و هندسه برای ایجاد معنا بهره می‌گیرد و اغلب با حذف جزئیات، نگاه مخاطب را به رابطه میان فرم و فضا هدایت می‌کند. این رویکرد، که ریشه در نگاه طراحانه او دارد، آثارش را میان مجسمه‌سازی معاصر و زبان بصری گرافیک قرار می‌دهد.

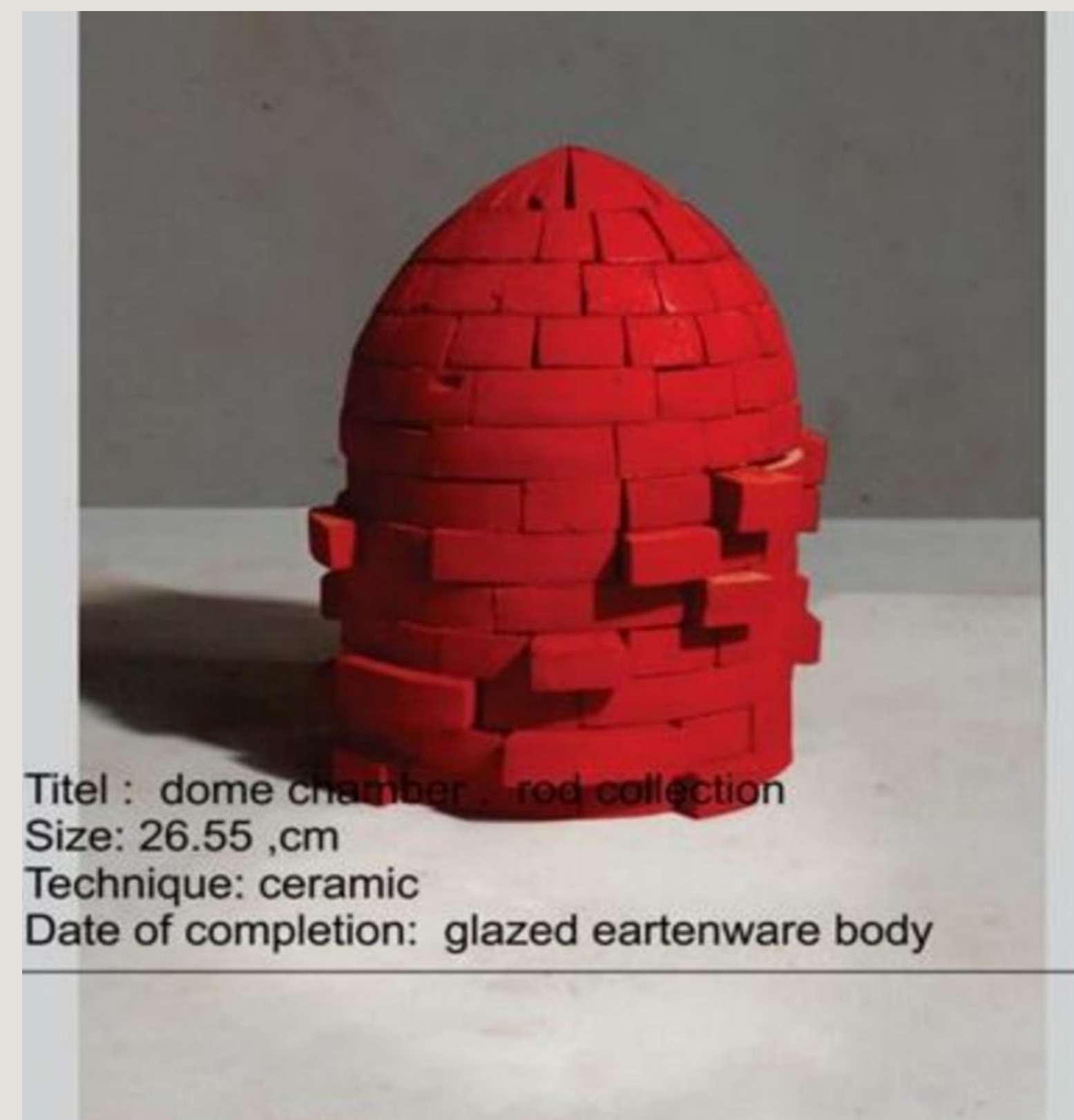
نمایش آثار ردائی در گالری‌هایی چون Zarin Art Gallery، Vali Art Gallery و حضور در مجموعه‌ای از نمایشگاه‌های گروهی، جایگاه او را به عنوان هنرمندی که به طور پیوسته بر ماده، سادگی ساختار و معنا تمرکز دارد تثبیت کرده است. او در آثار اخیر خود همچنان به بررسی نسبت شیء، ادراک و مفهوم «امر عادی» ادامه می‌دهد؛ مسیری که به شکل‌گیری نوعی زیبایی‌شناسی مبتنی بر ایجاز و نظم منجر شده است.

Amirhossein Radaei

Amirhossein Radaei (b. 1986, Hamedan) is an artist whose practice centers on the relationship between contemporary visual language and familiar objects from everyday life. A graduate of Graphic Design from Shahed University in Tehran, Radaei has consistently explored the potential of industrial materials and minimal forms since the beginning of his career. His sculptures and installations revolve around the “redefinition of the object,” where simple shapes—constructed from fiberglass, plexiglass, neon, or other standardized industrial components—are transformed into new structures that detach from their original function.

Across his series, Radaei employs repetition, rhythm, and geometry to build meaning, often stripping away detail to focus the viewer’s attention on the interplay between form and space. This approach, rooted in his design background, positions his work at the intersection of contemporary sculpture and graphic sensibility.

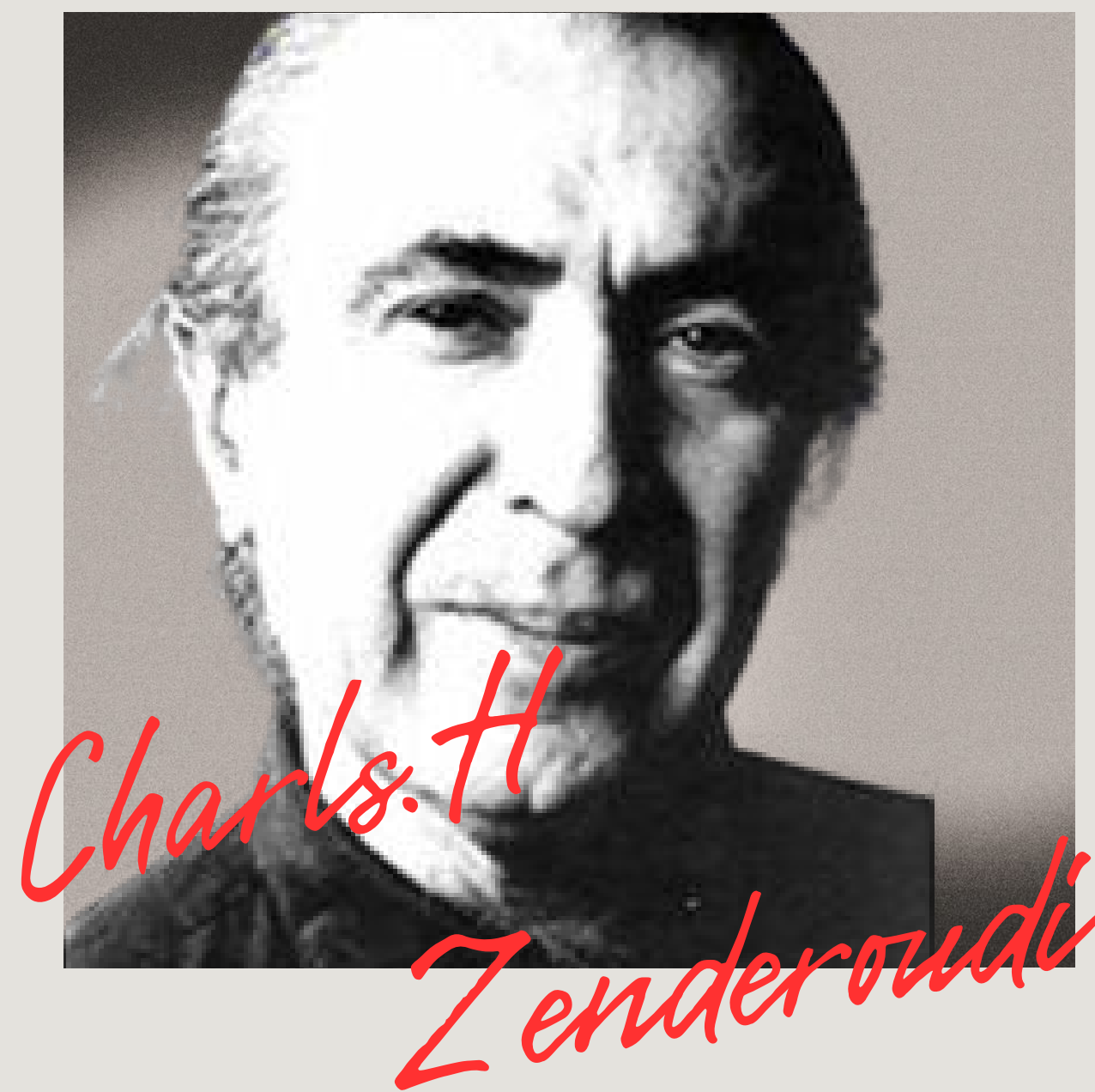
Radaei’s works have been presented in spaces such as Zarin Art Gallery and Vali Art Gallery, alongside numerous group exhibitions, contributing to his recognition as an artist committed to material inquiry, structural clarity, and conceptual restraint. His recent works continue to investigate the relationship between object, perception, and the notion of the “ordinary,” forming a refined aesthetic grounded in simplicity and order.



26*26*55

مهدي رحيمي

Mehdi Rahimi



91-44 cm
Mixed media on paper
Framed



75*55 cm
Silk Screen
Framed

شارل حسین زنده‌رودی

شارل حسین زنده‌رودی (متولد ۱۳۱۶، تهران) از چهره‌های اثرگذار هنر مدرن ایران است که نقش مهمی در شکل‌گیری جریان سقاخانه ایفا کرد. او از اواخر دهه ۳۰ خورشیدی با آثاری که بر پایه خوشنویسی، نمادهای مذهبی، و نشانه‌های بصری فرهنگ عامه شکل می‌گرفت، به زبانی تازه در نقاشی مدرن رسید. زنده‌رودی ساختار خط را از کارکرد زبانی آن جدا کرد و آن را به عنصری تجسمی و سازنده ترکیب‌بندی تبدیل نمود؛ رویکردی که در مجموعه‌هایی چون «چهل تکه»، «اعداد»، و «ذوالجناح» قابل مشاهده است.

آثار او ترکیبی از رنگ‌های اشباع، ریتم خطی، تکرار نشانه‌ها و سطوح لایه‌لایه هستند و میان نقاشی، خوشنویسی و عناصر آیینی پیوندی بصری ایجاد می‌کنند. زنده‌رودی، که از دهه ۱۹۶۰ میلادی در اروپا فعالیت خود را ادامه داد، در مسیر کارنامه هنری‌اش به سمت انتزاع آزادتر حرکت کرد و بهره‌گیری از لایه‌گذاری رنگ، خط‌های انعطاف‌پذیر و ساختارهای ارگانیک جایگزین فرم‌های هندسی اولیه شد.

حضور آثار او در موزه‌هایی چون متروپولیتن نیویورک، تیت لندن و موزه هنرهای معاصر تهران، و نیز شرکت در بینال‌ها و نمایشگاه‌های بین‌المللی، جایگاه او را به عنوان هنرمندی که نقش مهمی در توسعه زبان تصویری معاصر ایران داشته است تثبیت کرده است.

Charles Hossein Zenderoudi

Charles Hossein Zenderoudi (b. 1937, Tehran) is a pivotal figure in modern Iranian art and one of the key contributors to the emergence of the Saqqakhaneh movement. Beginning in the late 1950s, he developed a distinct visual language rooted in calligraphy, religious iconography, and the visual symbols of popular culture. Zenderoudi separated the structure of script from its linguistic function, transforming it into a compositional and purely visual element—an approach evident in series such as Patchworks, Numbers, and Dhuljanah.

His works combine saturated colors, rhythmic linear forms, repeated symbols, and layered surfaces, creating a dialogue between painting, calligraphy, and ritual aesthetics. After relocating to Europe in the 1960s, Zenderoudi's practice shifted toward freer abstraction, where layered pigments, flexible lines, and organic structures gradually replaced the earlier geometric foundations.

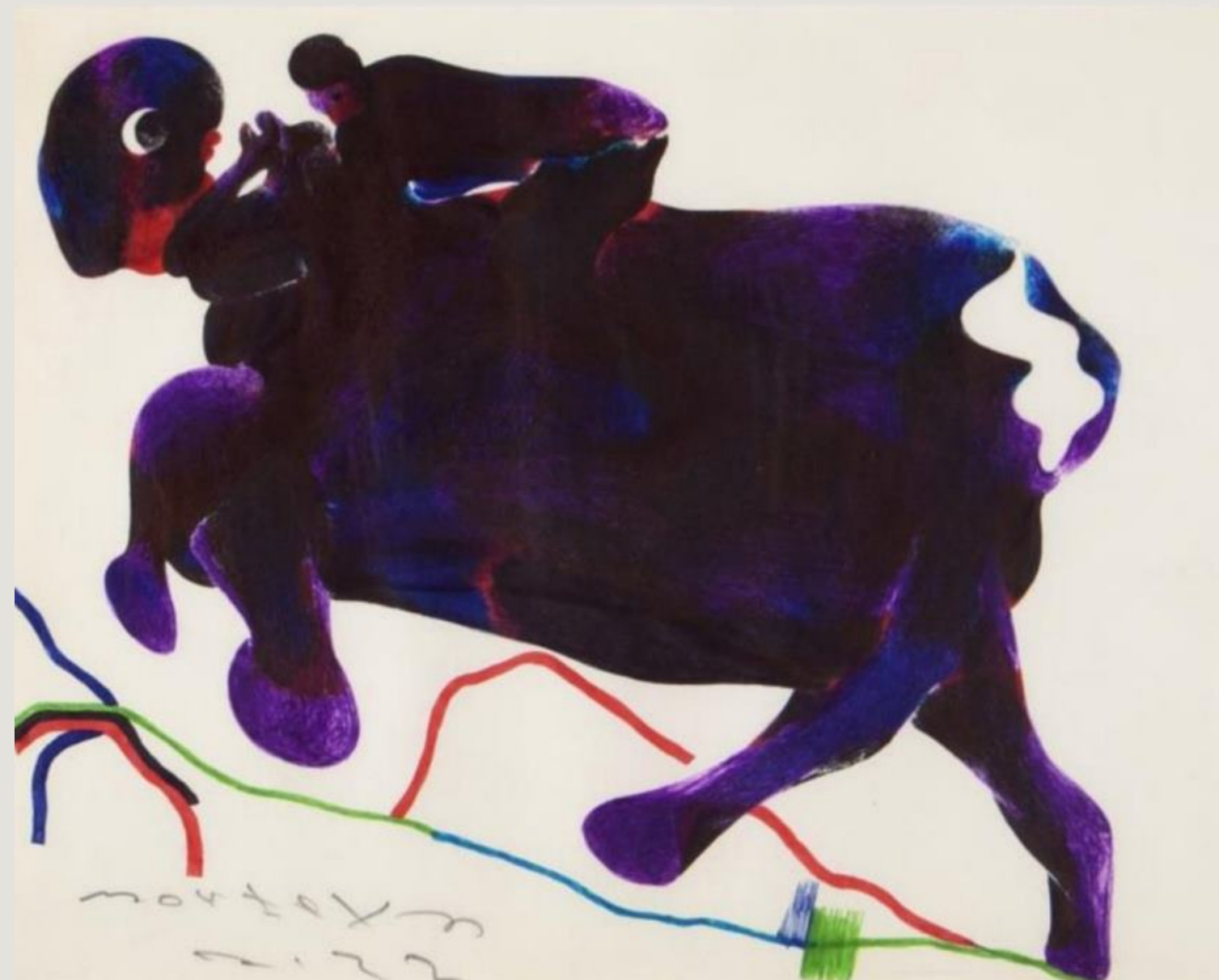
His works are included in the collections of major institutions such as the Metropolitan Museum of Art, Tate Modern, and the Tehran Museum of Contemporary Art. Participation in biennials and international exhibitions has further established Zenderoudi as a significant artist whose practice has contributed to shaping the trajectory of contemporary visual language in Iran.



*Morteza
Zahedi*



20*25 cm
Framed



20*25 cm
Framed

مرتضی زاهدی

مرتضی زاهدی (متولد ۱۳۵۷، رشت) نقاش، تصویرگر و مجسمه‌ساز ایرانی است که در حیطه نقاشی، تصویرسازی و هنر مفهومی فعالیت دارد. با تحصیلات در رشته نقاشی از دانشکده هنر و معماری دانشگاه تهران، زاهدی طی سالیان، تجربه گسترده‌ای در زمینه تصویرسازی کتاب‌های کودک و نوجوان به دست آورد؛ آثار او در نمایشگاه‌ها و فستیوال‌های بین‌المللی نیز عرضه شده‌اند.

رویکرد اصلی زاهدی بازخوانی اسباب‌بازی‌ها، عروسک‌ها و اجزاء آشنا از دنیای کودکی در ساختارهای بصری معاصر است. در کارهایش اشیاء به ظاهر ساده — اسباب‌بازی‌های پلاستیکی، عروسک‌های فرسوده، قطعات روزمره — جمع‌آوری و بازساخت می‌شوند؛ سپس با رنگ، نور، ترکیب‌بندی و گاه مواد غیرمتعارف، هویتی تازه می‌یابند. آثارش اغلب با لحنی میان روایت و انتزاع، بین نوستالژی و بازتاب اجتماعی نوسان دارند.

نمایشگاه‌هایی چون «Toy Story» در گالری XVA در دبی (۲۰۱۲) نقطه عطفی در مسیر حرفه‌ای او بود؛ جایی که مجموعه‌ای از مجسمه‌ها، آثار ترکیبی و چیدمان‌ها با موضوع اسباب‌بازی و خاطره ارائه شد. زاهدی در این کارها ساختارهای بصری را بازتعریف می‌کند و با بازخوانی اشیاء ساده، مخاطب را به بازنگری در مفهوم «بازی»، «خاطره» و «کودکی» فرا می‌خواند. در آثار زاهدی، ماده و حافظه، بی‌ریختی و ساختار، وهم و واقعیت با هم تلاقی می‌کنند؛ ترکیبی که زبان بصری او را متمایز کرده و جایگاهی مستقل در هنر معاصر ایران ساخته است.

Morteza Zahedi

Morteza Zahedi (b. 1978, Rasht, Iran) is an Iranian painter, illustrator, and sculptor whose work over the years has navigated painting, illustration, and conceptual art. Educated in painting at the Art and Architecture Faculty of Tehran University, Zahedi also built a substantial career as a children's book illustrator; his work has been featured in international exhibitions and festivals.

Zahedi's practice centers on re-imagining toys, dolls, and familiar childhood objects within contemporary visual frameworks. In his work, seemingly ordinary items — plastic toys, worn dolls, everyday fragments — are collected, restructured, and re-presented; through color, light, composition, and sometimes unconventional materials, these objects acquire new identities. His pieces often oscillate between narrative and abstraction, nostalgia and social commentary.

A landmark exhibition in his career was Toy Story at XVA Gallery in Dubai (2012), where he presented a body of sculptures, mixed-media works, and installations focused on toys and memory. In these works, Zahedi redefines visual structures by inviting the viewer to rethink what “play,” “memory,” and “childhood” mean.

In Zahedi's works, material and memory, formlessness and structure, illusion and reality intersect; a synthesis that distinguishes his visual language and establishes an independent position for him within contemporary Iranian art.



Yasmin
Sinai



Papier Mache
45*102

یاسمین سینایی

یاسمین سینایی (متولد ۱۳۴۸، تهران) هنرمند و مجسمه‌ساز برجسته ایرانی است که با انتخاب خلاقانه خمیر کاغذ (پاپیه ماشه) به عنوان متریال اصلی، جایگاهی ویژه در هنر معاصر ایران یافته است. آثار او با فرم‌های ارگانیک و سبک ساخت، اغلب بدن‌ها، چهره‌ها و موجودات نمادین را به تصویر می‌کشد و بازتاب‌دهنده لایه‌های روانی، اسطوره‌ای و احساسی انسان‌اند. انتخاب متریال ساده اما انعطاف‌پذیر، به سینایی امکان می‌دهد فرم‌ها را با آزادی و بیان محوری خلق کند و بر محتوا و روایت درونی اثر تأکید داشته باشد.

سینایی در آثارش اغلب به مفاهیمی چون زن، عشق، تنهایی و تجربه‌های وجودی انسان می‌پردازد. گاه شعر و متن‌های ادبی نیز بخشی از ترکیب آثار او هستند، که پیوندی میان ادبیات و هنر مجسمه‌سازی ایجاد می‌کند و زبان بصری منحصر به فرد او را شکل می‌دهد.

علاوه بر خلق آثار تأثیرگذار، سینایی در آموزش هنر برای کودکان و نوجوانان فعال است و با تأکید بر خلاقیت و تجربه‌گری، سهم قابل توجهی در توسعه سواد بصری و پرورش نسل هنرمند آینده دارد. نمایشگاه‌های متعدد داخلی و بین‌المللی، مشارکت در پروژه‌های گروهی و تدریس حرفه‌ای، همگی نشانگر دستاوردهای برجسته و جایگاه ممتاز او در هنر معاصر ایران است.

Yasmin Sinai

Yasamin Sinayi (b. 1969, Tehran) is a prominent Iranian contemporary artist and sculptor, renowned for her innovative use of papier-mâché as her primary material. Her works, characterized by organic and lightweight forms, often depict human figures, faces, and symbolic creatures that convey psychological, mythological, and emotional layers of human experience. By choosing a simple yet versatile medium, Sinayi achieves freedom of expression, emphasizing conceptual depth and the inner narrative of her pieces over mere technical virtuosity.

Her practice frequently explores themes of femininity, love, solitude, and existential experience. In some works, she incorporates poetry and literary texts, creating a dialogue between literature and sculpture, and establishing a distinctive visual language that reflects both personal and collective memory.

Beyond her creative output, Sinayi has made significant contributions to art education, particularly for children and adolescents. By fostering creativity, experimentation, and independent thinking, she plays a vital role in cultivating visual literacy and nurturing the next generation of Iranian artists.

Her numerous solo and group exhibitions, both in Iran and internationally, alongside her pedagogical initiatives, attest to her remarkable achievements and her esteemed position in contemporary Iranian art. Through the integration of material innovation, expressive form, and conceptual rigor, Yasamin Sinayi stands as a significant figure whose work continues to resonate within and beyond Iran.



100*70 cm

کوروش شیشه‌گران

کوروش شیشه‌گران (متولد ۱۳۲۴) از چهره‌های شاخص هنر معاصر ایران است که مسیر هنری خود را با تجربه‌گرایی در نقاشی آغاز کرد و به تدریج زبان بصری ویژه‌ای مبتنی بر هندسه، ریتم و تکرار شکل داد. آثار او در دهه ۱۳۵۰ با گرایش‌های لیبریک آبستره شناخته شد، اما در ادامه با تمرکز بر سازوکارهای ادراک و کاهش عناصر تصویری، به سمت ساختارهایی منظم و مینیمال حرکت کرد. شیشه‌گران در مجموعه‌های متعدد خود از جمله «نوارها»، «سطرها» و «نشانه‌ها»، از خطوط عمودی و افقی، فواصل سنجیده، و ترکیب‌های رنگی محدود بهره می‌گیرد تا رابطه میان نظم، حرکت و سکون را در سطح تصویر بررسی کند.

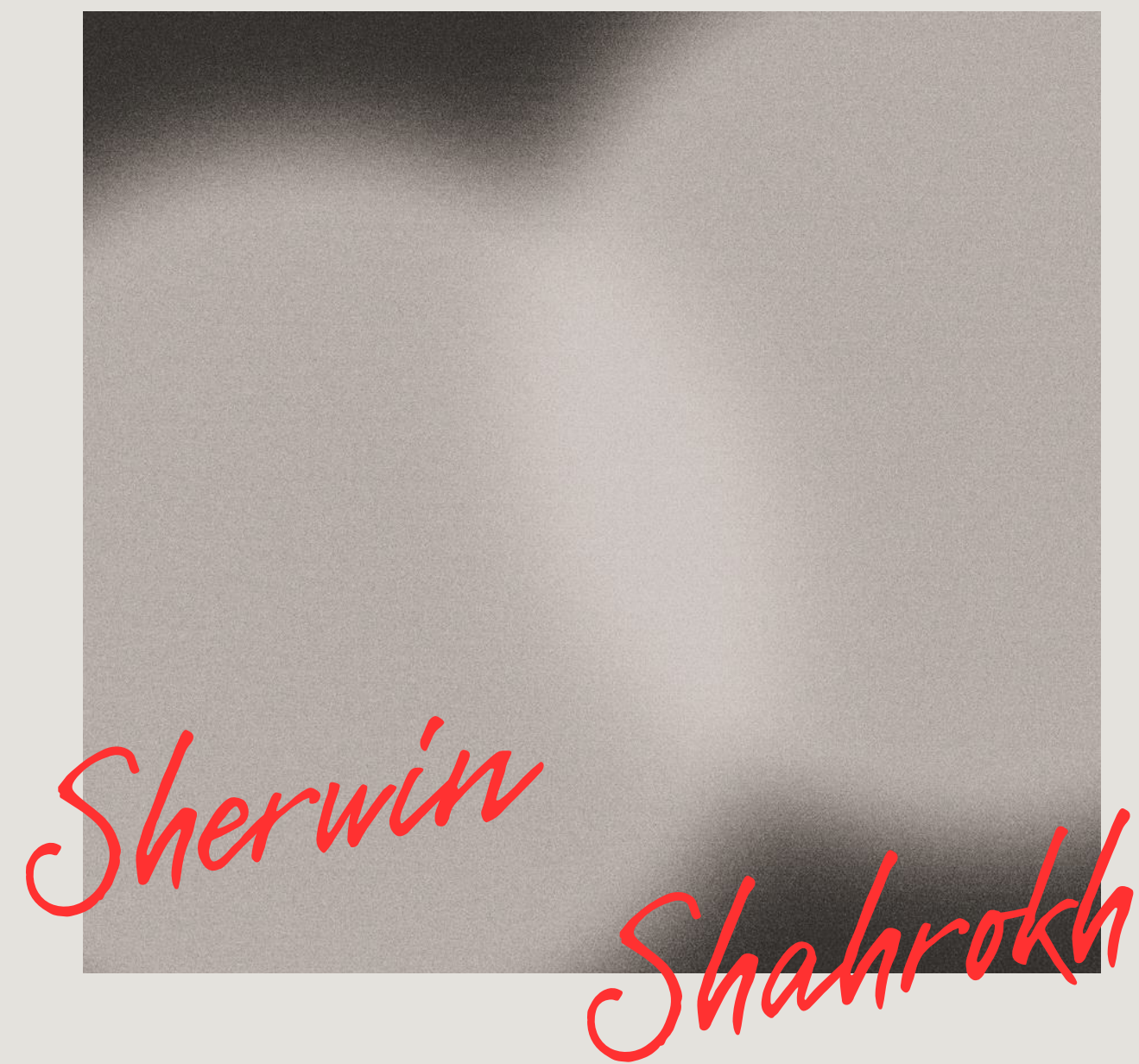
او اغلب با رنگ روغن، اکریلیک و ترکیب مواد کار می‌کند و توجه ویژه‌ای به کیفیت سطح، بافت و روابط ظریف میان رنگ و فضا دارد. تداوم، تکرار و تغییرات تدریجی از ویژگی‌های ساختاری آثار اوست؛ عناصری که آثارش را به پژوهشی بصری در تجربه زمان تبدیل می‌کنند. شیشه‌گران در کنار نقاشی، در حوزه‌های شیء-هنر و چیدمان نیز فعالیت کرده و رویکرد تحلیلی خود را در این مדיاها نیز پی گرفته است. حضور آثارش در موزه‌ها و مجموعه‌های معتبر داخلی و بین‌المللی نشان‌دهنده جایگاه او در شکل‌دهی به یکی از جریان‌های مهم هنر انتزاعی ایران است.

koorosh Shishegaran

Koorosh Shishegaran (b. 1945) is a prominent figure in contemporary Iranian art whose practice has evolved through a sustained engagement with experimentation and abstraction. His early works of the 1970s reflect a lyrical abstract tendency, yet over time he developed a distinct visual language grounded in geometry, repetition, and a measured sense of rhythm. In series such as Stripes, Lines, and Signs, Shishegaran employs vertical and horizontal bands, calibrated intervals, and restrained color palettes to examine the relationship between order, movement, and stillness within the pictorial field.

Working primarily with oil, acrylic, and mixed media, he places particular emphasis on surface quality, texture, and the subtle interplay of color and spatial tension. Continuity, repetition, and gradual modulation form the core structure of his compositions, turning his works into visual studies of temporal experience. Beyond painting, Shishegaran has also produced object-based works and installations, extending his analytical approach across different media.

The presence of his works in significant museums and collections in Iran and abroad reflects his role in shaping one of the key trajectories of Iranian abstract art, and underscores the coherence and conceptual clarity of his long-term artistic practice.



70*100 cm
Mixed media on paper
Framed

شروین شاهرخ

Shervin Shahrokh

شروین شاهرخ (متولد ۱۹۵۶ در پاسادینا، کالیفرنیا) دوران کودکی و نوجوانی خود را میان ایران و بریتانیا سپری کرد؛ ابتدا در ایران و سپس در مدارس شبانه‌روزی و هنرستان‌های انگلستان، جایی که نخستین مسیرهای آموزشی او در حوزه هنر شکل گرفت. او در میانه‌ی دهه ۱۳۶۰ خورشیدی به تهران بازگشت و از آن زمان بیشتر در این شهر زندگی و فعالیت کرده است.

مجموعه «بی‌نام» مجموعه‌ای از طراحی‌ها و نقاشی‌های او در فاصله سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ را در بر می‌گیرد؛ آثاری که با رویکردی تجربی و استفاده از ترکیب مواد متنوع شکل گرفته‌اند. شاهرخ در کارهای خود از ابزارهای دم‌دست، مواد روزمره و تکنیک‌های آزاد بهره می‌گیرد و فرم‌ها و تصاویر را بی‌واسطه و با نوعی سادگی عمدی بر صفحه می‌نشانند.

تا امروز، آثار او در چهار نمایشگاه انفرادی — including دو نمایش در فضای مستقل شماره ۱۳ ونک و یک نمایش در گالری دستان — و نیز در مجموعه‌ای از نمایشگاه‌های گروهی ارائه شده‌اند؛ تجربه‌هایی که بازتاب‌دهنده‌ی گسترده‌ی آزمایش‌های بصری و گرایش او به کار با مواد و رسانه‌های متفاوت است.

Sharwin Shahrokh (b. 1956, Pasadena, California) spent his formative years between Iran and the United Kingdom. After early schooling in Iran, he continued his education in British boarding schools and later at an art institution, where his initial artistic orientation took shape. He returned to Tehran in the mid-1980s and has since been largely based in the city.

His recent body of work, *Untitled*, encompasses drawings and paintings produced between 2020 and 2024. These works reflect an exploratory approach, shaped through the use of mixed media, everyday materials, and readily available tools. Shahrokh's practice is marked by a direct, unembellished treatment of form—an immediacy that underscores his interest in spontaneous mark-making and material experimentation.

To date, his work has been featured in four solo exhibitions—including two at the independent art space located at 13 Vanak Street and one at Dastan Gallery—alongside numerous group presentations. These exhibitions highlight the breadth of his visual inquiries and his sustained engagement with diverse media and processes.



12*13 cm
Mixed Media in
Aluminium

بهجت صدر

بهجت صدر (۱۳۰۳–۱۳۸۸) از پیشگامان نقاشی انتزاعی در ایران است که با رویکردی مبتنی بر حرکت، ماده و فرآیند، جایگاه ویژه‌ای در تاریخ هنر معاصر ایران یافته است. او پس از تحصیل در دانشکده هنرهای زیبا و دوره‌های تکمیلی در رم، در دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ زبان بصری خود را شکل داد؛ زبانی که بر حضور فیزیکی رنگ، لایه‌گذاری‌های متمرکز و اعمال مستقیم انرژی دست یا ابزار بر سطح استوار است.

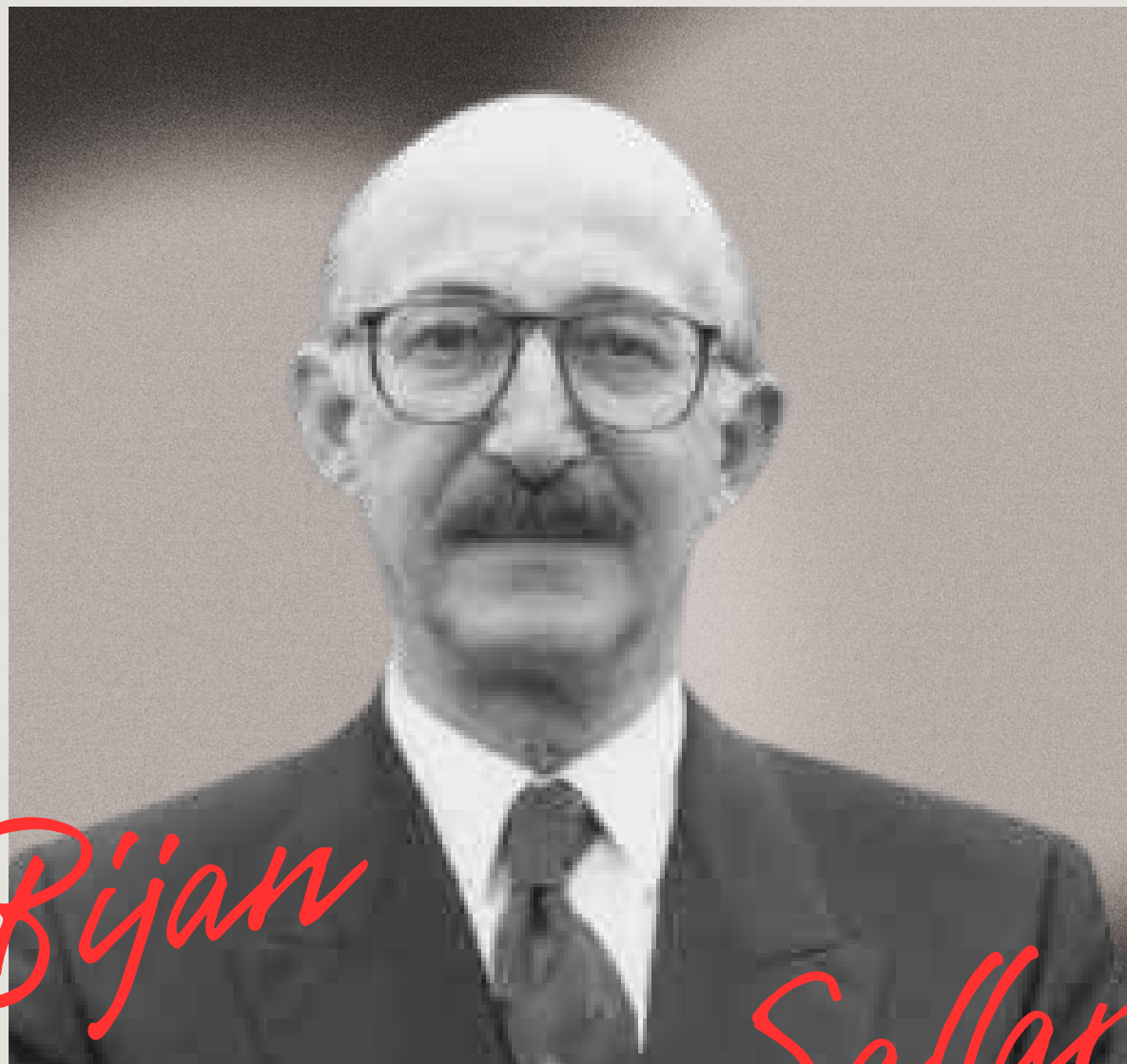
صدر برخلاف رویکردهای ساختاریافته، فرآیند خلق اثر را به سلسله‌ای از کنش‌های پیوسته تبدیل می‌کند؛ کنش‌هایی که در آن رنگ روغن به صورت مالیده، کشیده یا حذف شده بر بوم نقش می‌بندد و ردهای نامنظم اما کنترل شده ایجاد می‌کند. آثار او اغلب در محدوده‌ای میان حرکت و سکون شکل می‌گیرند و کیفیتی نزدیک به تصویربرداری از انرژی و زمان دارند. محدودیت رنگ به طیف‌های تیره یا تک‌رنگ نیز به تمرکز بیشتر بر بافت، وزن ماده و ضرباهنگ کنش کمک می‌کند.

در سال‌های بعد، تجربه او با صفحات فلزی و اسید، بُعدی صنعتی و تجربی‌تر به کارش افزود. حضور آثار صدر در نمایشگاه‌های معتبر بین‌المللی و مجموعه‌های مهم، بیانگر نقشی است که او در معرفی گونه‌ای از انتزاع مبتنی بر ماده و فرآیند در هنر ایران ایفا کرده است.

Behjat Sadr

Behjat Sadr (1924–2009) is recognized as one of the pioneers of abstract painting in Iran, developing a distinctive approach grounded in movement, materiality, and process. After studying at the Faculty of Fine Arts in Tehran and pursuing further training in Rome, she shaped her artistic language during the 1950s and 1960s. This language is defined by the physical presence of paint, concentrated layering, and the direct imprint of hand or tool across the surface. Rather than relying on predetermined structures, Sadr transforms the act of painting into a sequence of continuous gestures in which oil paint is dragged, wiped, or removed. The resulting marks—irregular yet deliberately controlled—situate her works between motion and stillness, often suggesting a visual record of energy and temporal flow. Her restrained use of dark or monochromatic palettes further emphasizes texture, the weight of material, and the rhythm of gesture.

In later years, her experiments with metal plates and acid introduced an industrial and more process-driven dimension to her practice. The inclusion of her works in significant international exhibitions and collections reflects her contribution to establishing a form of abstraction in Iranian art that foregrounds material, gesture, and the dynamics of making.



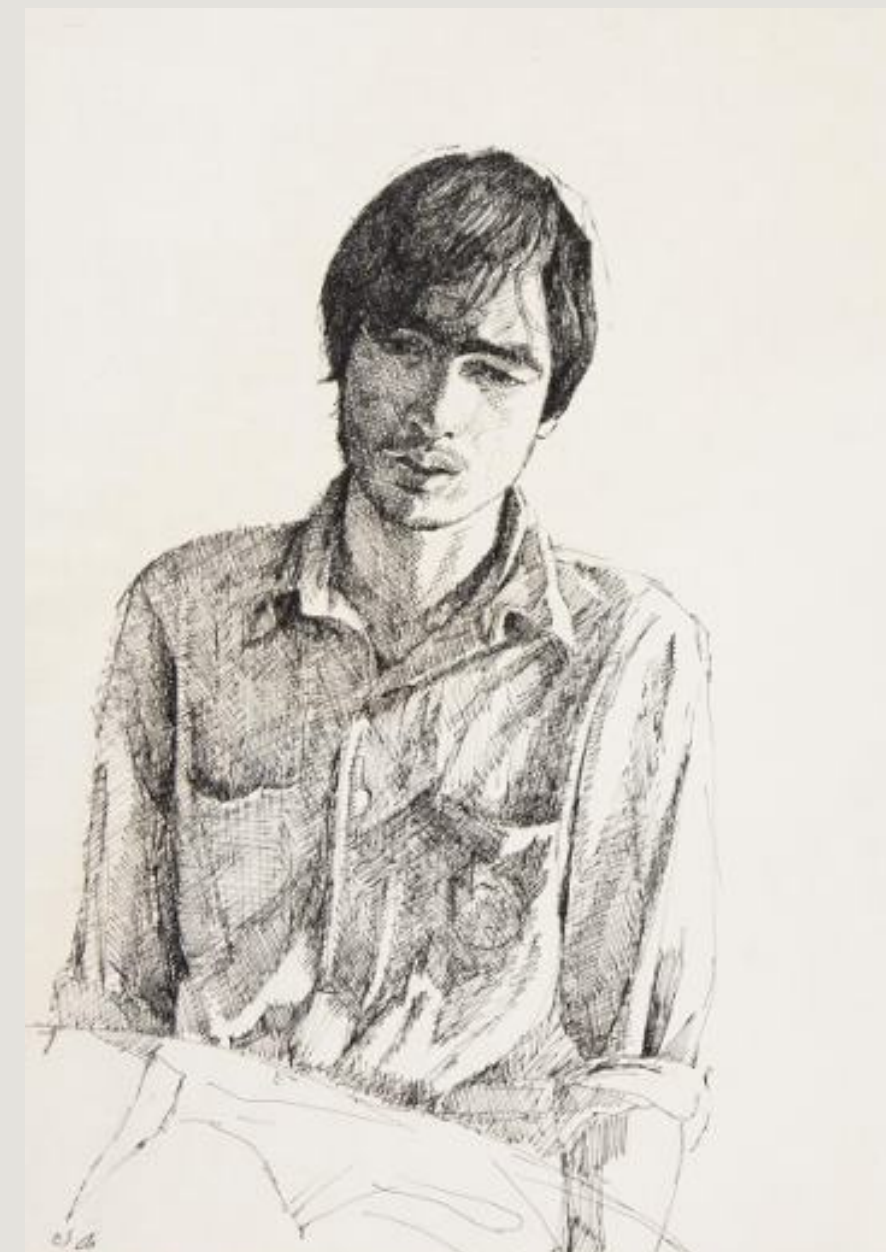
Bijan Saffari



Watercolor on cardboard
40*30 cm
Framed



Watercolor on cardboard
40*30 cm
Framed



Pen and Ink on paper
21*29 cm
Framed

بیژن صفاری

بیژن صفاری (۱۳۹۸-۱۳۱۱) نقاش و هنرمند معاصر ایرانی است که آثارش عمدتاً در حوزه نقاشی انتزاعی و مینیمالیستی قرار می‌گیرند. او تحصیلات خود را در دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران به پایان رساند و از همان آغاز کار حرفه‌ای، به بررسی رابطه میان رنگ، فضا و فرم پرداخت. سبک نقاشی صفاری بر تعامل میان سادگی و پیچیدگی استوار است؛ او با بهره‌گیری از خطوط ساده، سطوح رنگی گسترده و ترکیب‌بندی‌های متوازن، ریتم و ساختار بصری خاص خود را ایجاد می‌کند. رنگ در آثار او نه تنها به عنوان عنصر زیبایی‌شناختی، بلکه به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد حس فضا و حرکت به کار می‌رود.

آثار صفاری با تمرکز بر رابطه میان شکل و پس‌زمینه، مخاطب را به تجربه بصری دقیق و تأمل در ساختار اثر فرا می‌خواند. استفاده از تکنیک‌های متنوع، از جمله رنگ‌روغن و آکرلیک بر بوم و گاه ترکیب مواد، به او امکان می‌دهد تا تنوع بصری و بافت را در آثار خود بگنجانند. حضور آثار بیژن صفاری در نمایشگاه‌های داخلی و بین‌المللی، و در مجموعه‌های خصوصی و موزه‌ای، جایگاه او را به عنوان هنرمندی تأثیرگذار در جریان نقاشی معاصر ایران تثبیت کرده است.

Bijan Saffari

Bijan Safari (1953-2019) is an Iranian contemporary painter whose work primarily resides in the fields of abstraction and minimalism. He completed his studies at the Faculty of Fine Arts, University of Tehran, and from the beginning of his professional career, focused on exploring the relationships between color, space, and form.

Safari's painting style is based on the interplay of simplicity and complexity. Using clean lines, expansive color fields, and balanced compositions, he establishes a distinctive rhythm and visual structure. Color in his work functions not only as an aesthetic element but also as a tool to create a sense of space and movement.

His works, emphasizing the relationship between form and background, invite the viewer into a precise visual experience and reflection on the structure of the composition. Employing diverse techniques—including oil and acrylic on canvas, and occasionally mixed media—Safari integrates variety and texture into his practice.

The presentation of Bijan Safari's works in both national and international exhibitions, as well as their inclusion in private and museum collections, has secured his position as an influential figure within contemporary Iranian painting.



48×41cm
mixed media



40*30
mixed media

سمانه صمیمی

سمانه صمیمی (۱۳۶۱ شیراز) کارشناس ارشد تصویر سازی تهران مرکز

مسیر هنری او از دوران دانشجویی در دهه‌ی هشتاد بواسطه علاقمندی اش به طراحی و چاپ دستی آغاز شد؛ پیوند دیرینه میان طراحی با چاپ دستی باعث شد جهت‌گیری هنری اش را با تجربه‌گرایی در این زمینه شکل دهد. منظره رویکردی است که در این سال‌ها به آن علاقه نشان داده است. در ادامه با خلق تصاویری از طبیعت با شیوه‌ی چاپ دستی شناخته شد. این مناظر در وهله اول مکان جغرافیای خاصی را نشان نمی‌دهند اما در عین حال نشانه‌های آشنایی از مکان زیسته او در آنها دیده می‌شود.

با امکاناتی که در ذات چاپ از جمله اتفاق و فی‌البداهگی وجود دارد به تجربه اندوزی در این مسیر می‌پردازد.

در تصاویرش با طبیعت نه‌چندان باشکوه یا عظیم روبرو هستیم. کوه‌ها و درختان فیگورهای هستند بر صحنه در زمانی نامشخص.

Samaneh Samimi

Samaneh Samimi (B. 1982, Shiraz) M.A. in Illustration, Tehran University of Art (Tehran Markaz), 2010

Samimi's artistic trajectory began during her student years in the 2000s, shaped by her sustained interest in drawing and traditional printmaking. The longstanding relationship between draftsmanship and manual printing provided a conceptual and material foundation for her early practice, guiding her toward an exploratory and process-oriented engagement with these media. Landscape has remained a central focus in her work throughout these years. She became known for creating hand-printed images of natural environments—works that, while not depicting a specific geographical site, contain subtle traces and visual memories of her lived surroundings.

Drawing on the intrinsic qualities of printmaking—such as chance, unpredictability, and immediacy—Samimi embraces experimental approaches that allow the medium itself to generate visual possibilities. In her imagery, nature appears neither monumental nor sublime; rather, it is presented with a quiet, understated presence. Mountains and trees emerge as solitary figures situated upon a stage suspended in an indeterminate time. Through this restrained and contemplative treatment of the landscape, Samimi constructs spaces that exist between observation and memory, offering an intimate and reflective encounter with the natural world.



*Sara
Abbasian*



Pencil on Paper
46*33 cm
Framed



Pencil on Paper
46*33 cm
Framed

سارا عباسیان

سارا عباسیان (متولد ۱۳۶۱، تهران) هنرمند میان‌رسانه‌ای ایرانی است که در آثارش به بررسی رابطه میان تجربه فردی، محیط شهری و ساختارهای بصری معاصر می‌پردازد. او تحصیلات خود را در رشته هنرهای تجسمی در دانشگاه تهران به پایان رسانده و پس از آن با کارگاه‌ها و پروژه‌های بین‌المللی، زبان بصری خود را توسعه داده است.

سبک عباسیان ترکیبی از نقاشی، چیدمان، ویدئو و عکاسی است؛ او اغلب با استفاده از عناصر ساده روزمره، فرم‌ها و ساختارهایی ایجاد می‌کند که مخاطب را به بازاندیشی در رابطه میان جسم، فضا و تجربه بصری دعوت می‌کنند. آثار او ویژگی‌های مینیمالیستی و مفهومی دارند و با تمرکز بر رنگ، نور و ریتم بصری، تعادل میان سکون و حرکت را بررسی می‌کنند.

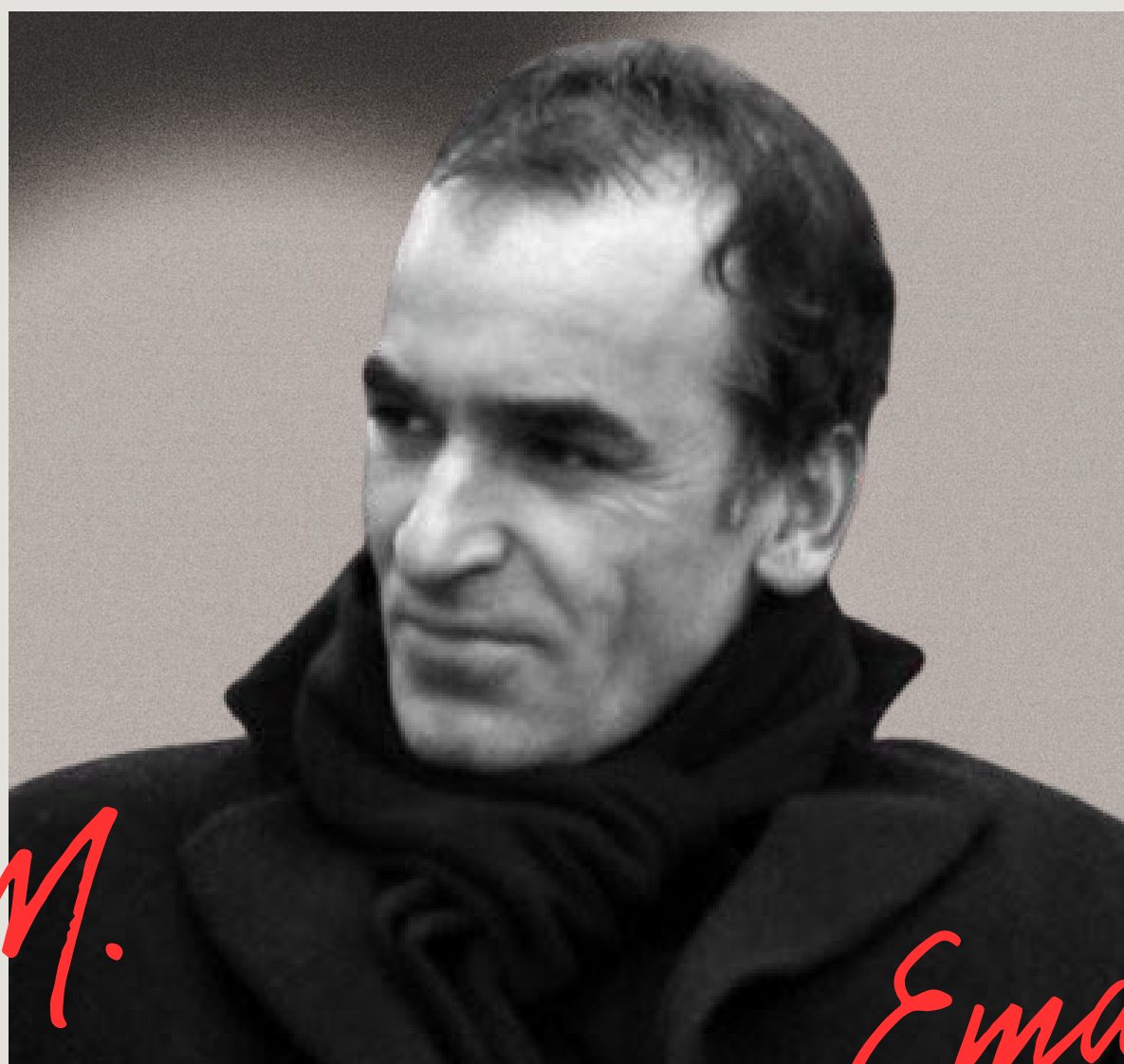
عباسیان در پروژه‌های خود به بازخوانی فضاهای شهری و خاطرات شخصی می‌پردازد و از این طریق، تجربه بصری مخاطب را با لایه‌های معنا و حس همزمانی مواجه می‌سازد. آثار او در نمایشگاه‌های گروهی و انفرادی داخلی و بین‌المللی ارائه شده و حضورش در این فضاها، جایگاه او را به عنوان هنرمندی که میان هنر مفهومی و تجربه روزمره پلی می‌زند تثبیت کرده است.

Sara Abbasian

Sara Abbasian (b. 1982 Tehran) is an Iranian mixed-media artist whose work explores the intersections of personal experience, urban environment, and contemporary visual structures. She completed her studies in visual arts at the University of Tehran and subsequently developed her visual language through international workshops and projects.

Abbasian's practice combines painting, installation, video, and photography. She often employs everyday elements to construct forms and structures that encourage the viewer to reconsider the relationship between object, space, and visual experience. Her works exhibit minimalist and conceptual qualities, emphasizing color, light, and visual rhythm to examine the balance between stillness and movement.

In her projects, Abbasian frequently revisits urban spaces and personal memories, layering meaning and temporal awareness into the viewer's perceptual experience. Her works have been presented in both solo and group exhibitions domestically and internationally, establishing her position as an artist who bridges conceptual art and everyday experience.



M.

Emad



75*35*35

محمد حسین عماد

محمد حسین عماد، زادهٔ ۱۳۳۶ در اراک، یکی از چهره‌های مرجع در مجسمه‌سازی معاصر ایران است. او کار هنری خود را ابتدا با نقاشی آغاز کرد؛ سپس با تجربه و تلاش، به ساخت مجسمه روی آورد و در ۱۹۹۳ اولین نمایشگاه شخصی‌اش را در تهران برگزار کرد. آثار عماد عمدتاً انتزاعی و مینیمال‌اند؛ او با انتخاب مواد گوناگون - از چوب و فلز تا کارتن موج‌دار و ترکیبات مصنوعی و با بهره‌گیری از فرم و فضا، زبانی بصری پدید می‌آورد که تضاد و توازن میان تهی و مملو، سبک و سنگین، نور و سایه را مدام بازتعریف می‌کند. در مجموعه‌هایی چون «Exports from Battling Amnesia»، «Iran»، و «Lit Shadow»، این ذهنیت مفهومی و احساسی مشهود است؛ آثاری که تماشاگر را دعوت می‌کنند تا در پیرامونشان گردش کند، با آن‌ها تعامل بصری و حتی صوتی پیدا کند و به تجربه‌ای فردی و تأمل‌آمیز برسد. در عین تجربه‌گرایی و نوآوری در مصالح، مجسمات او پیوندی ظریف برقرار می‌کند میان فرم، فضا و احساس و از همین رهگذر است که آثار محمد حسین عماد می‌توانند مخاطب ایرانی و بین‌المللی را با خود همراه سازند.

Mohammad Hossein Emad

Born in 1957 in Arak, Iran, Mohammad Hossein Emad is regarded as one of the leading figures in contemporary Iranian sculpture. He began his artistic journey with painting, later turning to sculpture; his first solo show was held in Tehran in 1993. Emad's works are primarily abstract and minimalist. Through his choice of materials — ranging from wood and metal to corrugated cardboard and synthetic media — and his use of form and space, he creates a visual language that continuously explores the relation and balance between void and mass, lightness and weight, light and shadow. In series such as Exports from Iran, Battling Amnesia, and Lit Shadow, this conceptual and sensory orientation becomes evident: his sculptures invite the viewer to walk around them, engage visually (and sometimes acoustically), and enter into a contemplative, personal experience.

While experimenting with materials, Emad manages to forge a subtle link between form, space and emotion — a quality that gives his work the ability to resonate with both Iranian and international audiences.



Shagayeg
Arabi



شقایق عربی

شقایق عربی، متولد ۱۳۵۳ در تهران، هنرمند چندرشته‌ای است. او تحصیلات خود را با طراحی گرافیک در دانشگاه الزهرا آغاز کرد، سپس در دانشگاه والنسین فرانسه BFA و در دانشگاه سوربون پاریس مدرک MFA دریافت کرد. آثار عربی غالباً بر پایه متریال‌های ساده و یافت‌شده ساخته می‌شوند: شاخه و چوب، سیم، مش فلزی، کاغذ، فیلم، نخ یا پارچه و گاهی گیاهان؛ موادی که مستقیماً از محیط روزمره یا طبیعت برداشت می‌شوند. او با ترکیب و آنسامبل این عناصر، ساختارهایی ناپایدار و ظریف شکل می‌دهد که تعادلی نازک بین وزن و سبکی، صلابت و فروپاشی برقرار می‌کنند و بافتی بصری ایجاد می‌کنند که حافظه، خاطره و حس مکان را با هم درگیر می‌کند.

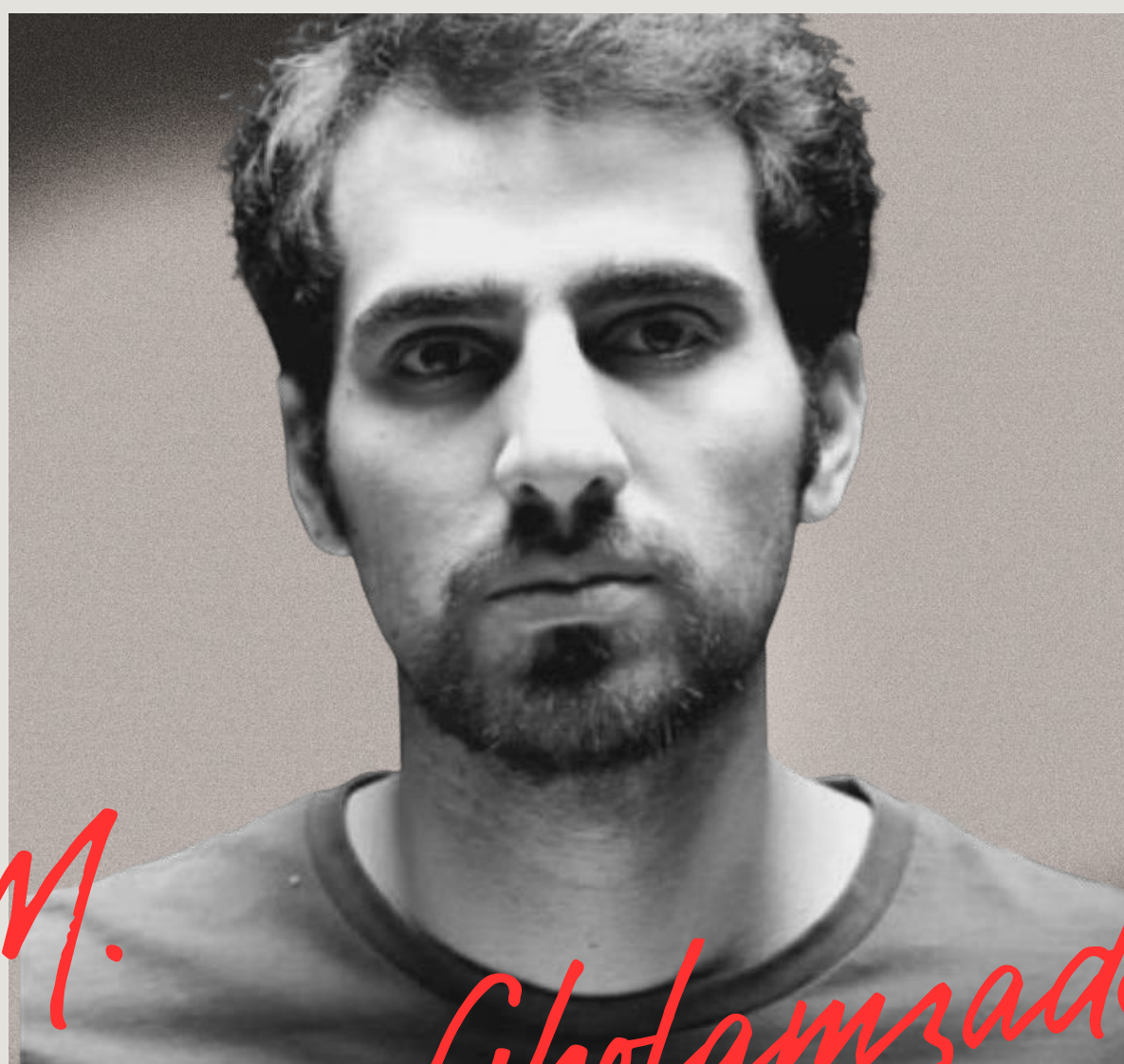
در آثار اینستالیشن او، فضا و تعامل با محیط نقش محوری دارد؛ ساختارهایی که آزادانه آویخته یا پراکنده‌اند، سایه و نور را دعوت می‌کنند و مخاطب را به گشت‌زنی در میان آن‌ها فرا می‌خوانند، تجربه‌ای چندحسی و تأمل‌برانگیز. با این کار، شقایق عربی فرمی بصری خلق می‌کند که مرز بین طبیعت و شهر، ماده و خیال، واقعیت و یاد را مبهم می‌کند و اثرش فرصتی است برای بازاندیشی نسبت به رابطه انسان با محیط اطرافش، حافظه و ماده. در نتیجه آثار او برای مخاطب امروز ایرانی و فراملی هم قابل تأمل و معناست.

Shaqayeq Arabi

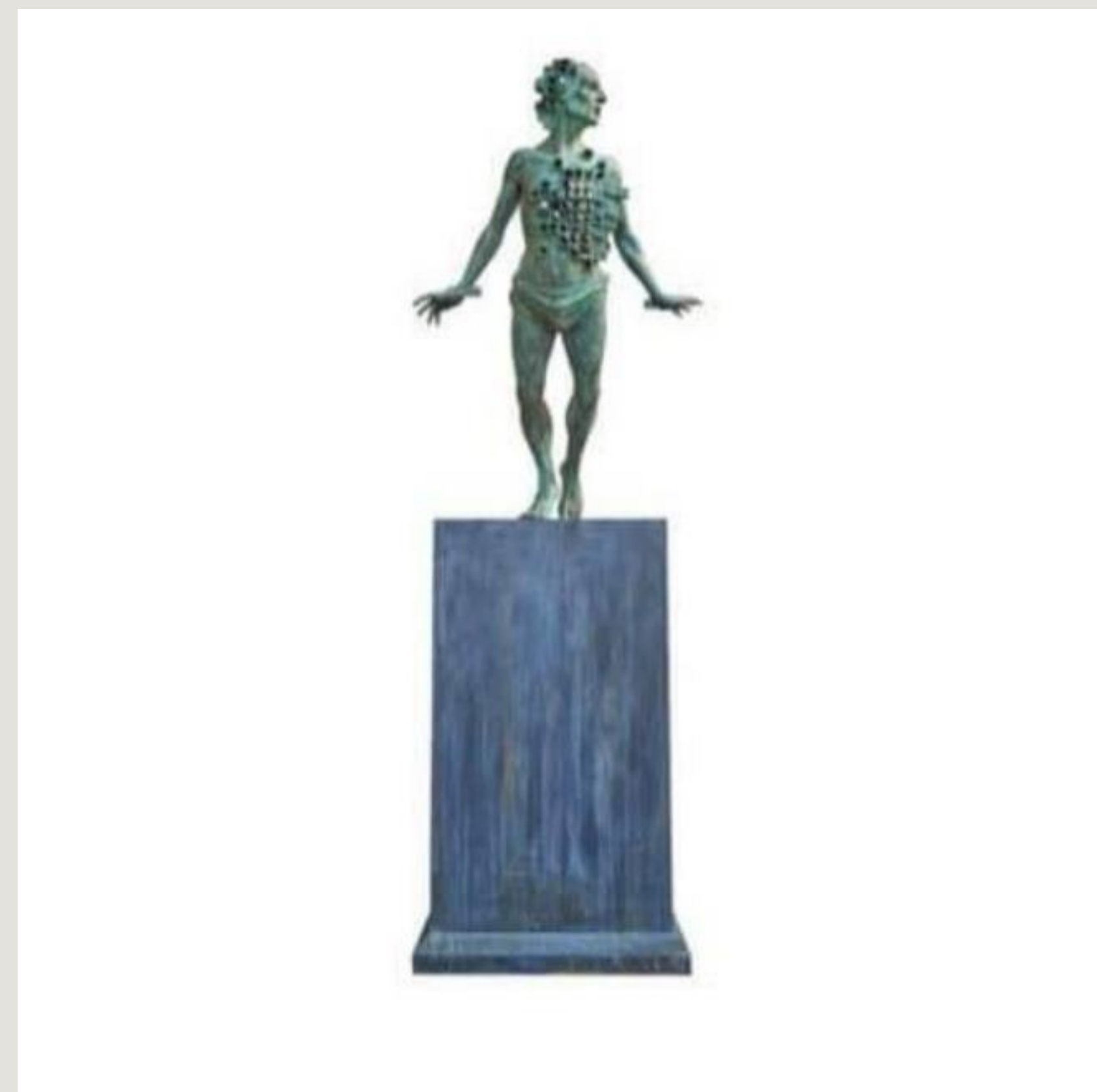
Born in 1974 in Tehran, Shaqayeq Arabi is a multidisciplinary artist whose practice spans painting, sculpture, and installation. She studied Graphic Design at Al-Zahra University in Tehran, then earned a BFA at the University of Valenciennes, France, and an MFA from Sorbonne University, Paris.

Arabi's work often emerges from humble, found materials — wood and branches, wire, metal mesh, paper, film, fabric, and occasionally organic matter — materials drawn from her daily environment or the natural world. Through intuitive assemblage and composition, she builds fragile yet expressive structures that balance weight and lightness, solidity and ephemerality; the resulting visual texture evokes memory, place and sensation.

In her installations, space and environmental context play a central role: forms hang or sprawl freely, casting shadows, engaging light, inviting viewers to move around them, experience them physically and sensorially. With this practice, Arabi produces a visual language that blurs boundaries — between nature and urbanity, between material substance and memory, between reality and recollection. Her work offers a reflective space for rethinking our relationship with environment, memory, and matter — a relevance that resonates with both Iranian and international audiences.



M. Aholamzadeh



Bronze and Iron
90*35*30 inch

محمدحسین غلامزاده

محمدحسین غلامزاده (متولد ۱۳۶۵ در تهران) فارغ التحصیل کارشناسی مجسمه سازی است و از همان آغاز مسیر هنری اش با تمرکز بر نسبت بین «شیء» و «کارکرد» و پرسش درباره رابطه انسان با ابزارها و اشیاء پیرامونش به خلق آثار می پردازد. آثار او عمدتاً فیگوراتیو هستند؛ مجسمه هایی که با پوشش، اشیاء یا البسه همراه اند و با ارجاعی ضمنی به تاریخ، سبک زندگی و ایده ها، بازتابی از شرایط انسانی در زمانه معاصر ارائه می دهند.

در آثار شاخصی چون *The Champion* (۲۰۱۷) و *Fateh* (۲۰۲۴)، غلامزاده با ترکیب مواد مختلف و پرداخت دقیق، احساسی دوگانه، هم ملموس هم مفهومی، می آفریند. مجسمه ها غالباً در فضایی آمیخته با تنش و تأمل قرار می گیرند؛ جایی که بین گذشته و حال، فرد و جامعه، ابزار و معنا، تنش برقرار می شود و مخاطب را به تأمل درباره حضور خود و جایگاه اشیاء در زندگی فرا می خواند. این جهت گیری معنایی و بصری، مشخصه ثابت نگاه غلامزاده در کارنامه اش است.

Mohammad Hossein Gholamzadeh

Mohammad Hossein Gholamzadeh (b. 1986, Tehran) holds a BFA in Sculpture. From the outset of his practice, he has focused on the relationship between “object” and its “use,” exploring how human beings relate to tools and items in their environment.

His work is primarily figurative: sculptures that incorporate clothing, objects, or accessories — subtly referencing history, lifestyles and ideas — offering reflections on human conditions in the contemporary world.

In notable works such as *The Champion* (2017) and *Fateh* (2024), Gholamzadeh employs a careful combination of materials and thoughtful execution to create pieces that are at once tangible and conceptual. His sculptures often evoke a space imbued with tension and contemplation — a space where past and present, individual and society, object and meaning intersect — inviting the viewer to reflect on their own presence and the role of objects in life. This conceptual and visual orientation remains a consistent characteristic throughout his body of work.



Bita

fayyazi



Chameleon Papier Mache
Epoxy resin Dimension 62.23.37 cm
single edition
2019

بیتا فیاضی

بیتا فیاضی (متولد ۱۳۴۱ در تهران) یکی از پیشروان هنر معاصر ایران و از چهره‌های تأثیرگذار در عرصه‌ی چیدمان، مجسمه و سرامیک است. رویکرد او از میانه دهه ۱۹۹۰ (دهه ۷۰ خورشیدی) با شکستن چارچوب‌های مرسوم هنر و وارد کردن هنر به بستر اجتماعی - شهری آغاز شد. آثار فیاضی غالباً ترکیبی اند از سرامیک، مجسمه و چیدمان — و اغلب در ابعادی بزرگ و شهری نقش می‌بندند. او در پروژه‌هایی مانند قسمت که در پنجاه و یکمین بینال ونیز (۲۰۰۵) عرضه شد، با استفاده از مجسمه‌های معلق از نوزادان طلایی، تصویری مفهومی و اجتماعی ارائه می‌دهد که بازتابی است از تجربه انسانی، فقدان، تعلق خاطر و امید. در بسیاری از آثار فیاضی، تأکید بر فرایند خلق و مشارکت اجتماعی است؛ او غالباً با همراهی گروهی از هنرمندان و افراد غیر حرفه‌ای، ساختارهایی خلق می‌کند که نه تنها دیدنی‌اند، بلکه بازتابی از تنوع تجربه‌های زیستی و جمعی‌اند. بدین ترتیب، هنر او مرز بین مخاطب و اثر را کم‌رنگ می‌کند و بر تأمل در مسائل اجتماعی، خاطره، فضا و زیست جمعی تأکید دارد. بیتا فیاضی با این نگاه، جایگاه مهمی در هنر معاصر ایران یافته است: هنری که نه صرفاً برای گالری، بلکه برای جامعه سخن می‌گوید، دعوت به مشارکت می‌کند و خوانش اثر را به تجربه‌ای زنده و جمعی بدل می‌کند.

Bita Fayyazi

Bita Fayyazi (b. 1962, Tehran) is among the pioneering figures of contemporary Iranian art, recognized for her work in installation, sculpture, and ceramics. Since the mid-1990s, her practice has challenged conventional boundaries of art in Iran, shifting the focus toward socially engaged and site-specific interventions.

Her works often combine ceramic sculpture with large-scale installations, presented in public or urban-adjacent contexts. In pieces such as *Kismet* (presented at the 51st Venice Biennale, 2005), she used suspended golden baby figures to evoke complex themes of human experience, loss, memory, belonging and hope — creating a symbolic and socially charged visual language.

In many of her projects, Fayyazi emphasizes the process of creation and collective participation: she often collaborates with a mixture of artists and non-artists to construct works that reflect a diversity of lived experiences. Through this approach, her art erodes the barrier between viewer and artwork, inviting reflection on social issues, memory, space and communal life.

By grounding her practice in social engagement rather than gallery-centric display, Bita Fayyazi occupies an important place in contemporary Iranian art — producing work not only for exhibition, but for society itself, inviting collective experience and dialogue.



حمیدرضا فرحناکی

حمیدرضا فرحناکی (زاده ۱۳۷۹) هنرمندی جوان است که از سال ۲۰۱۹ و همزمان با ورود به دانشکده هنرهای تجسمی دانشگاه هنر تهران، فعالیت حرفه‌ای خود را آغاز کرده است. رویکرد فرحناکی را می‌توان «آزمایش بازیگوشانه با مواد و ابزار» توصیف کرد؛ او با انتخاب و ترکیب موادی که ذاتاً حامل تضاد ساختاری و مفهومی‌اند، ساختارهایی می‌سازد که روایت‌های شخصی را در زبانی بصری معاصر بازتاب می‌دهند.

آثار او غالباً در حوزه حجم و چیدمان‌اند؛ مجسمه‌ها و فرم‌هایی که نسبت ماده و فضا، و تنش بین ثبات و بی‌ثباتی را پیش می‌کشند. نمایشگاه انفرادی اخیر او با عنوان **Velngavaz** (آگوست ۲۰۲۵) فرصتی بود تا این زبان بصری شکل مستقل‌تری بیابد و مخاطب با ترکیب مواد و فرم با اثری تجربه‌گرا مواجه شود. در کارهای گروهی نیز، مانند حضور در پروژه ۳ در ۳ (۵)، فرحناکی ضمن تعامل با هنرمندان دیگر، تجربه‌اش را وارد دیالوگ با دیدگاه‌های متفاوت کرده است.

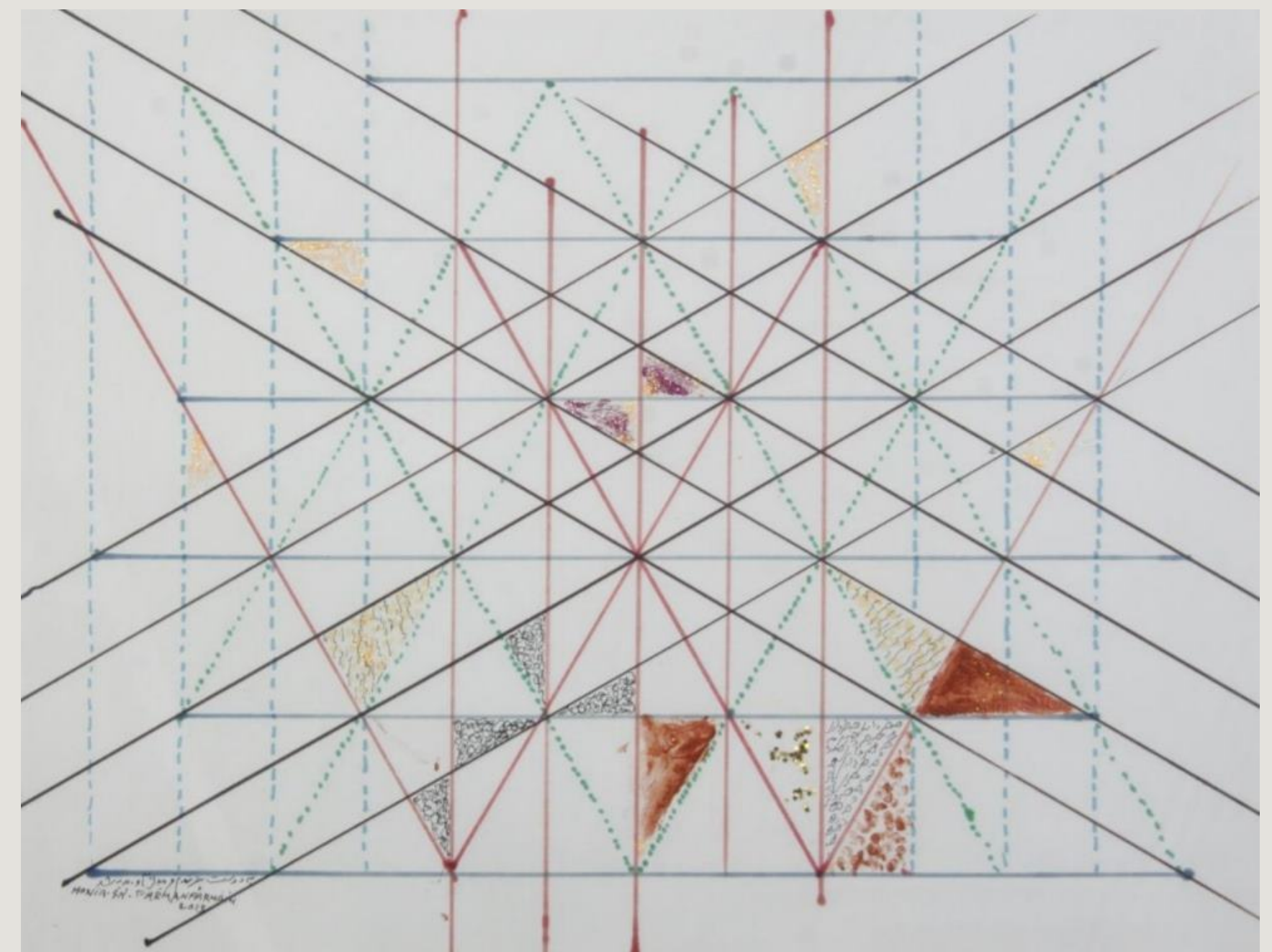
به این ترتیب، هنر فرحناکی تلفیقی است از مواد ناهمگون و فرم تجربی، زبانی است که حضور جسم، فضا و ماده را هم‌زمان با روایت شخصی و مفهومی ممکن می‌سازد. حساسیت او به ماده، فضا و تجربه‌ی بصری، نویدبخش حضور مستمر او در گفتمان هنر معاصر ایران است.

HamidReza Farahnaki

Hamidreza Farahnaki (b. 2000) is a young artist whose professional practice began in 2019, simultaneously with his entrance to the Faculty of Visual Arts at the University of Art in Tehran. His approach can be described as a “playful experimentalism with materials and tools,” whereby he selects and juxtaposes materials that inherently carry structural and conceptual contrasts, creating works that reflect personal narratives through a contemporary visual language.

His works are mainly in the realms of sculpture and installation — forms and volumes that explore the relationship between material and space, and the tension between stability and instability. In his recent solo exhibition titled **Velngavaz** (August 2025), these visual explorations found a more autonomous articulation, inviting the viewer to engage with a material- and form-driven, experiential work. In group shows as well — such as participation in 3 on 3 (V) — Farahnaki interacts with other artists, placing his practice in dialogue with diverse artistic perspectives.

Thus, Farahnaki’s art is a synthesis of heterogeneous materials and experimental form — a language that makes the presence of matter, space, and materiality coincide with personal and conceptual narrative. Though he belongs to a younger generation, his sensitivity to material, space, and visual experience signals a promising and sustained presence in the discourse of contemporary Iranian art.



Mixed Media on paper
36*47 cm
Framed

منیر فرمانفرمائی‌ان

منیر فرمانفرمائی‌ان (۱۳۹۸-۱۳۰۱) یکی از تاثیرگذارترین هنرمندان زن معاصر ایران است که مسیر طولانی و پرتلاطمی را میان سنت و مدرنیته طی کرده است. آثار او بیشتر در قالب «آینه‌کاری معاصر»، نقاشی پشت شیشه، طراحی هندسی و نقاشی و نیز آثار سه‌بعدی متشکل از آینه و شیشه تحقق یافته‌اند.

الگوی بصری فرمانفرمائی‌ان ریشه در هنر تزئینی و هندسی، ایرانی به‌ویژه سنت آینه‌کاری، دارد، اما او آن را با زبان هندسه انتزاعی و نگاه مدرن ترکیب کرد. در تجربه‌ای سرنوشت‌ساز هنگام بازدید از ضریح شاه چراغ در شیراز، تحت تأثیر انعکاس نور و هزاران قطعه آینه قرار گرفت؛ این تجربه الهام‌بخش، راهی نو در هنر او گشود.

تابلوها و ساختارهای آینه‌ای او شامل آثار چندضلعی، دایره‌ها و الگوهای هندسی پیچیده، با بازتاب نور، رنگ، و فرم، فضایی متلاؤ و نامحدود می‌آفرینند؛ فضایی که مخاطب را در تجربه‌ای بصری و معنوی شریک می‌کند. علاوه بر آن، فرمانفرمائی‌ان در طراحی، نقاشی و کار با شیشه نیز فعال بود؛ ترکیب میراث کهن تزئینی ایران با گفتمان هنر معاصر، امضای بصری او را شکل داده است.

در طول بیش از شش دهه فعالیت حرفه‌ای، آثار او در موزه‌ها و گالری‌های معتبر بین‌المللی به نمایش درآمدند و نقش مهمی در معرفی هنر معاصر ایران در جهان ایفا کردند.

Monir Farmanfarmaian

Monir Shahroudy Farmanfarmaian (1923–2019) was one of the most influential female artists of contemporary Iran, whose career bridged tradition and modernity. Her oeuvre spans contemporary mirror-works, reverse-glass paintings, geometric drawings, and sculptural installations composed of mirror and glass.

Her visual language draws on Iranian decorative and geometric heritage — in particular the traditional Āineh-kāri (mirror-work) technique — while integrating abstract geometry and a modern sensibility. A turning point in her artistic journey came during a visit to the Shah Cherāgh shrine in Shiraz, when the shimmering reflections of countless mirror fragments made a lasting impression on her — an experience that opened a new path in her work.

In her mirror-panel works — featuring polygons, circles, and complex geometric compositions — she arranged fragments of glass to reflect light, color, and form, thus creating luminous, kaleidoscopic spaces that engage the viewer in a visual and spiritual experience. In addition, she worked with painting and glass techniques beyond mirror mosaics; the fusion of traditional Iranian decorative heritage with contemporary art discourse became her distinctive visual signature.

Over more than six decades of professional activity, her works have been exhibited in prominent museums and galleries worldwide — playing a significant role in introducing contemporary Iranian art to global audiences.



28*75*25 cm

شیرین فخیم

شیرین فخیم (متولد ۱۳۵۲ در تهران) هنرمندی خودآموخته است که آثارش در گالری‌ها و موزه‌های نیویورک، لندن، رم، لیل و دبی به نمایش درآمده‌اند. او در آثار مجسمه‌ای و چیدمانی خود از اشیاء معمولی و بازیافت‌شده مانند لباس، وسایل آشپزخانه، گلدان سفالی، پارچه و اجناس دست‌دوم بهره می‌گیرد این رویکرد بازتابی است از واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی جهان امروز.

یکی از شناخته‌شده‌ترین مجموعه‌های او با عنوان **Tehran Prostitutes** (۲۰۰۸) مجموعه‌ای است که با طنز سیاه و رویکردی انتقادی، به وضعیت زنان آسیب‌پذیر در بستر جامعه ایران می‌پردازد. مجسمه‌های این مجموعه با ترکیب کالبدی از اشیاء روزمره و لباس‌های زنانه، با اغراق در فرم و تضاد در مواد، بازنمایی کلیشه‌ها و قضاوت‌های اجتماعی درباره زنان در موقعیت‌های دشوار هستند.

زبان بصری فخیم بر تقابل میان ظاهر و باطن، بدن و ابزار، احترام و تبعیض استوار است. آثار او همچنین پرسش‌هایی درباره طبقه، جنسیت، اقتصاد و طبقات اجتماعی مطرح می‌کنند؛ بازنمایی زندگی‌هایی سرکوب‌شده و مغفول در جامعه شهری ایران و فراتر از آن. آثار شیرین فخیم با جسارت در انتخاب موضوع و مواد، کارکردی اجتماعی و انتقادی دارند و بیننده را به مواجهه‌ای صادقانه با تابوها، ساختارهای قدرت و نابرابری فرا می‌خوانند.

Shirin Fakhim

Shirin Fakhim (born 1973, Tehran) is a self-taught artist whose work has been shown in galleries and museums in New York, London, Rome, Lille and Dubai. In her sculptures and installations, she often employs everyday and found objects — such as clothing, kitchenware, terracotta pots, fabric, and second-hand goods — to reflect social and economic realities.

One of her best-known works is the series *Tehran Prostitutes* (2008). With dark humor and a critical stance, this series addresses the precarious conditions of marginalized women in Iranian society. The sculptures combine familiar objects and women's garments in exaggerated forms and contrasting materials, offering a representation of social stereotypes and stigmas surrounding women in vulnerable positions.

Fakhim's visual language rests on the tension between appearance and reality, body and object, honor and marginalization. Her work raises fundamental questions about class, gender, economy, and social stratification — giving visibility to lives often suppressed or ignored in urban Iran and beyond. Through bold material choices and uncompromising subject matter, Fakhim's art performs a social and critical function, inviting the viewer to confront taboos, power structures, and inequality with honesty.



17*17 cm
Pen on Paper
Framed

سروناز فارسیان

سروناز فارسیان (متولد ۱۹۸۴ در تهران) هنرمندی خودآموخته است که بر پایه خط، نقطه و کشش خطوط و بدون هیچ طرح یا پیش‌نقشه آغاز به نقاشی می‌کند. آثار او غالباً در فرم‌هایی انتزاعی و تقریباً تک‌رنگ هستند؛ آثار او به جای روایت مستقیم تصویر، بر «فرم»، «فضا» و «امتداد» تأکید دارند، به گونه‌ای که خطوط به تدریج از نقطه‌ای آغاز می‌شوند و گسترش می‌یابند تا ساختارهای پیچیده و تقریباً بی‌پایان را شکل دهند.

در جریان خلق، فارسیان نقاشی را نه فقط به چشم تصویر که به چشم فرایندی ذهنی و معناگرا می‌نگرد؛ فرایندی تجربه‌گرایانه و اغلب نزدیک به مدیتیشن. آنچه در آثار او دیده می‌شود انعکاسی است از تنش میان روشنایی و تیرگی، حرکت و سکون، آغاز و پایان.

در بسیاری از آثار نمایش داده‌شده در گالری‌هایی مانند Cavin-Morris Gallery در نیویورک (۲۰۲۵) و نمایشگاه XVA Gallery در دبی، این جهان بصری شخصی و درونی — با خطوطی که به تدریج فضا را می‌پیمایند و بیننده را به عبور ذهنی دعوت می‌کنند — نمود یافته است.

کارهای فارسیان با تأکید بر دقت در جزئیات، صبر در اجرا و ذهنیتی تأملی، تجربه‌ای متفاوت از نقاشی ارائه می‌دهند: نقاشی که نه فقط دیدنی است، بلکه فرصتی است برای تأمل، آرامش و بازاندیشی در نسبت انسان با زمان و درون خود.

Sarvenaz Farsian

Sarvenaz Farsian (b. 1984, Tehran) is a self-taught artist who begins her paintings from a point — with no preliminary sketch or plan — using line, dot, and gestural strokes. Her works are often abstract and nearly monochromatic; instead of representing a figurative scene, they focus on form, space, and extension, as lines emerge from a point and gradually evolve into complex, seemingly infinite structures.

For Farsian, painting is more than image-making — it is a meditative, introspective process imbued with meaning. What emerges in her works is a reflection of the tension between light and darkness, movement and stillness, birth and conclusion.

Her visual universe — exhibited in venues such as Cavin-Morris Gallery in New York (2025) and XVA Gallery in Dubai — offers a personal, inner world where lines traverse space and invite the viewer into a mental journey.

With emphasis on meticulous detail, patience in execution, and contemplative mindset, Farsian's works present a form of painting that is not only for looking, but a space for reflection, tranquility, and reconsideration of one's relation to time and the inner self.



23*23*12 cm

محسن فولادپور

محسن فولادپور (متولد ۱۳۵۹ در تهران) مجسمه‌سازی معاصر ایران است. او دیپلم هنر را از مدرسه هنر «سوره» دریافت کرد (۱۳۷۴) و سپس در سال ۱۳۸۰ کارشناسی مجسمه‌سازی را از دانشگاه هنر تهران دریافت کرد. فولادپور از سال ۱۳۸۵ رسماً وارد عرصه حرفه‌ای مجسمه‌سازی شد و از آن زمان در بیش از سی و پنج نمایشگاه انفرادی و گروهی شرکت کرده است. آثار او عمدتاً در بستر سرامیک شکل می‌گیرند. فولادپور ترکیب دقیقی از حجم، بافت و رنگ به کار می‌برد تا فضای بصری پیچیده‌ای خلق کند؛ فضایی که حافظه، تجربه زندگی فردی و اشاره به طبیعت را با هم پیوند می‌دهد. در مجموعه‌ای چون (۲۰۲۲ / ۱۴۰۰-۱۳۹۹) **Review**، بازنگری‌ای بر دو دهه تجربه هنری، شانزده اثر سرامیکی منحصر به فرد ارائه شد؛ آثاری که جزئیات دقیق، لعاب صیقل خورده و ساختارهایی در سایه میان رؤیا و واقعیت دارند. در آثارش می‌توان ردّ نگاه نقاشانه او را نیز یافت؛ بافت و رنگ گاهی بر فرم مقدم‌اند، گویی مجسمه‌ها نه صرفاً جسم، که خاطره و روایت‌اند. فولادپور در آثارش تلاش می‌کند تعادلی بین «طبیعت» و «حافظه» برقرار کند؛ ترکیب ماده و معنا، که مخاطب را به تأمل در زمان، وجود و تجربه فردی فرا می‌خواند.

Mohsen Fooladpoor

Sahand Hesamiyan (b. 1974, Tehran) is an Iranian sculptor whose practice is rooted in the study of geometry, architecture, and the repetitive patterns of Iranian-Islamic art. Drawing from structural elements such as domes, muqarnas, and geometric latticework, he creates sculptural forms that operate at the intersection of volume, architecture, and spatial experience. His use of metal, laser-cut steel, wood, and industrial materials allows traditional concepts to be reinterpreted through a contemporary and minimalist vocabulary. Light and shadow are central components of Hesamiyan's work. Many of his sculptures are designed so that light passes through the perforated or modular structures, generating a secondary layer of imagery on surrounding surfaces. This approach lends his work an experiential dimension, engaging the viewer in a shifting, time-based encounter. Hesamiyan's participation in the Iranian Pavilion of the 54th Venice Biennale (2011) marked a significant moment in his career, expanding international recognition of his synthesis of historical geometry with modern sculptural form. His works have since been exhibited in prominent galleries and collections in Iran and abroad, positioning him as an important figure in the contemporary reinterpretation of Iranian geometric traditions.



55*120 cm
Mixed media on Canvas



34*24 cm
Mixed media on paper
Framed

برادران قاسمی

برادران قاسمی متشکل از مرتضی قاسمی، سینا قاسمی و مجتبی قاسمی از سال ۲۰۱۵ فعالیت مشترک خود را آغاز کردند. اگرچه هر یک به صورت فردی نقاشی می‌کنند، در پروژه‌های مشترک، سه هنرمند با ترکیب دیدگاه‌ها و مهارت‌هایشان در یک اثر گرد هم می‌آیند.

فضای بصری آثار مشترک آن‌ها آزاد از قید موضوع یا تکنیک ثابت است؛ این انعطاف به آن‌ها امکان می‌دهد تا در هر پروژه با بیانی متفاوت روبه‌رو شوند. در روند رشدشان، به تدریج مضامین مربوط به زادگاهشان، بندرانزلی و زیست‌بوم ساحلی ساحل دریای خزر، و عناصر مرتبط مانند دریا، باران و رنگ آبی را به بخشی از زبان بصری‌شان بدل کرده‌اند.

از نمونه نمایشگاه‌های مهم آن‌ها می‌توان به **The Red Room** (تهران، ۲۰۱۶)، **Red Room 2: Migratory Birds** (نیویورک، ۲۰۱۷) و **Blue Room** (تهران، ۲۰۱۸) اشاره کرد که در آن‌ها ترکیب نقاشی با مفاهیم مهاجرت، طبیعت و هویت جغرافیایی به چشم می‌خورد. در آثار اخیر هم — مانند نمایشگاه در به در همیشگی (۲۰۲۳) موضوع مهاجرت و جابه‌جایی مورد بازفرم‌دهی قرار گرفته است؛ در این مجموعه، حجم و مجسمه نیز در کنار رنگ و نقاشی حضور دارند، و بالعکس نگاه صرف به تصویر، تجربه بصری بیش بعدی ارائه می‌دهند.

برادران قاسمی با تلفیق تجربه فردی و کار جمعی، و با اتکا بر ریشه محلی و دغدغه جهانی، نوعی زبان بصری چندلایه ساخته‌اند که بین هویت منطقه‌ای، حافظه شخصی و تجربه معاصر پل می‌زند؛ زبان‌شان مخاطب را به تأمل درباره مکان، تعلق و جابه‌جایی دعوت می‌کند.

Ghasemi Brothers

The Ghasemi Brothers collective — comprising Morteza Ghasemi Sh, Sina Ghasemi, and Mojtaba Ghasemi — began working together in 2015. Although each practices painting individually, their collaborative works bring together their varied perspectives and skills on a single canvas.

Their joint practice is characterized by freedom from fixed themes or techniques, which allows them to approach each work anew. Over time, they have increasingly drawn inspiration from their hometown — Bandar Anzali on the Caspian coast — integrating visual elements associated with the sea, rain, and the color blue into their collective visual language.

Key exhibitions include *The Red Room* (Tehran, 2016), *Red Room 2: Migratory Birds* (New York, 2017), and *Blue Room* (Tehran, 2018), wherein painting merges with themes of migration, nature, and geographical identity.

In their more recent show *Darbedar-e Hamishegi* (2023), they expanded their medium beyond painting, incorporating sculpture alongside color and painting to offer a multidimensional visual experience — shifting focus from mere representation to immersive, layered expression.

By combining individual experiences and collective creation, grounded in their local roots yet addressing universal concerns, the Ghasemi Brothers have crafted a multilayered visual language that bridges regional identity, personal memory, and contemporary experience — inviting the viewer to reflect on place, belonging, and movement.



soft pastel
50*20

کریم قانع

کریم قانع (م. ۱۳۵۸ / شیراز) از هنرمندانی است که بخش قابل توجهی از نگاه تصویری خود را از محیط‌های اطرافش می‌گیرد؛ فضاهایی که در ظاهر ساده و روزمره‌اند، اما ظرفیت روایی و بصری بسیاری دارند. حاشیه‌ی شهر، مسیرهای خلوت، ماشین‌ها و صحنه‌هایی از زندگی روزانه، عناصر تکرارشونده در آثار او هستند؛ عناصری که در کنار هم فضایی آرام اما پر جزئیات می‌سازند.

قانع از تکنیک‌های چاپ دستی، طراحی و نقاشی بهره می‌گیرد و شیوه‌ی او بر پایه‌ی مشاهده و ثبت کیفیت‌های بصری همین مکان‌ها و لحظه‌ها شکل گرفته است. در چاپ‌ها و طراحی‌های او، لکه‌ها، خطوط و سطوح به تدریج شکل می‌گیرند و تصویر نهایی اغلب حاصل ترکیب اتفاقی و هدایت‌شده‌ی این عناصر است. این رویکرد باعث می‌شود آثار او نه بازنمایی دقیق یک مکان مشخص، بلکه برداشتی آزاد و شخصی از تجربه‌ی حضور در فضاهای شهری و فضاهای کم‌رفت‌وآمد باشند؛ جایی که حضور انسان از طریق رد پای اشیاء و ماشین‌ها احساس می‌شود، حتی اگر خود او در تصویر حضور نداشته باشد. نتیجه، تصاویری است که میان واقعیت خارجی و برداشت ذهنی هنرمند تعادلی قابل تشخیص ایجاد می‌کنند.

کریم قانع تاکنون در چندین نمایشگاه گروهی و انفرادی در شیراز و تهران شرکت کرده است. او هم‌اکنون در شیراز به فعالیت هنری خود ادامه می‌دهد.

Karim Ghane

Karim Ghane (b. 1979, Shiraz) is an artist whose visual perspective draws significantly from the environments surrounding him. These spaces, seemingly ordinary and everyday at first glance, possess rich narrative and visual potential. Urban margins, quiet pathways, vehicles, and scenes from daily life recur throughout his work—elements that together create a calm yet highly detailed visual landscape.

Ghane employs printmaking, drawing, and painting techniques, and his approach is grounded in careful observation and the documentation of the visual qualities of these places and moments. In his prints and drawings, stains, lines, and surfaces gradually take shape, with the final image often resulting from a combination of chance and deliberate manipulation. This method renders his works not as exact depictions of specific locations but as free and personal interpretations of experiences within urban and low-traffic spaces—places where human presence is implied through traces left by objects and vehicles, even if no figure appears in the image. The result is a body of work that establishes a discernible balance between external reality and the artist's subjective perception.

Karim Ghane has participated in several group and solo exhibitions in Shiraz and Tehran. He currently continues his artistic practice in Shiraz.



mixed Media

مهسا کریمی زاده

مهسا کریمی زاده (متولد ۱۳۵۸ در شیراز) هنرمندی معاصر است که رویکردش تلفیقی از مجسمه، چیدمان و نقاشی است. او تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته مجسمه سازی در دانشکده هنرهای زیبا گذرانده است. آثار کریمی زاده غالباً فرم‌هایی انتزاعی و اکسپرسیو دارند؛ ساختارهایی که با بهره‌گیری از بافت، سطح، حجم و فضا، حرکت و تبدیلی سیال را به تصویر می‌کشند.

در بسیاری از آثار او، فرم‌ها گویی زاده درونیات هنرمند هستند حجم‌هایی که با آزاد کردن فضا، سهمی از بی‌پایانگی و امتداد دارند. گاهی آثار بر سطحی تخت محدود می‌شوند، گاه به شکل چیدمانی معلق در فضا درمی‌آیند؛ تغییراتی که به تجربه بصری مخاطب اجازه می‌دهد تا با اثر در تعامل قرار گیرد و رابطه‌ای ملموس با آن برقرار کند.

موضوع‌هایی مانند آسیب، شکنندگی روانی و تجربه زیستن در زمانه معاصر در آثار او بازتاب می‌یابند؛ مجسمه‌ها و چیدمان‌هایی که نه صرفاً شیء بلکه نمادی اند از تنش میان ماده و معنا، بدن و فضا، فضای درونی و بیرونی. به این ترتیب، آثار مهسا کریمی زاده بیننده را به تأملی عمیق درباره هویت، تجربه و جایگاه انسان در جهان دعوت می‌کنند — بیانی هنری که هم فردی است و هم جهانی.

Mahsa Karimizadeh

Mahsa Karimizadeh (b. 1980, Shiraz, Iran) is a contemporary artist whose practice spans sculpture, installation, and painting. She studied Sculpture at the Faculty of Fine Arts Karimizadeh's works are often abstract and expressive: she employs texture, surface, volume, and space to produce forms that convey fluid movement and transformation.

In many of her pieces, the forms emerge as intimate expressions of the artist's inner world — volumes that, by opening into space, carry a sense of infinity and extension. Sometimes the works are confined to flat surfaces, other times they take the form of suspended installations; such variations encourage viewers to interact with the work and engage physically and mentally.

Themes such as vulnerability, psychological fragility, and the conditions of contemporary existence are reflected in her sculptures and installations — objects that are not mere material forms, but symbols of the tension between matter and meaning, body and space, inner and outer. Through her art, Mahsa Karimizadeh invites the viewer to a deep reflection on identity, experience, and human placement in the world — an artistic language that is both personal and universal.



Abbas Kiarostami



40*60 cm
Framed



40*60 cm
Framed

عباس کیارستمی

عباس کیارستمی (متولد ۱۳۱۹ در تهران – درگذشته ۱۳۹۵ در پاریس) فیلمساز، عکاس، نقاش و طراح گرافیک ایرانی است.

کیارستمی پس از تحصیلات در دانشکده هنرهای زیبا تهران، ابتدا در عرصه طراحی گرافیک و تبلیغات فعالیت داشت؛ سپس در اوایل دهه ۱۳۵۰ با پیوستن به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان وارد عرصه ساخت فیلم کوتاه شد؛ مسیر او از فیلم کوتاه آغاز شد و به آثار بلند و بین‌المللی انجامید.

سبک بصری و روایی کیارستمی ویژگی برجسته‌ای دارد: ترکیب سینمای واقع‌گرا با نوشتار شاعرانه، ترکیب مستند و داستان، تمرکز بر زندگی روزمره در روستاها و محیط‌های طبیعی، و استفاده از کودکان یا آدم‌های معمولی به جای بازیگران حرفه‌ای.

علاوه بر سینما، کیارستمی در عکاسی نیز فعال بود؛ مجموعه عکس‌هایی چون «برف» و «جاده‌ها» بازتاب جهان‌بینی اوست؛ عکس‌هایی که اغلب با حساسیتی نقاشانه چشم‌انداز طبیعت را ثبت می‌کنند.

آثار او چه در قالب فیلم، چه عکس یا طراحی با زبانی ساده، مینیمال و در عین حال تأمل‌برانگیز، بیننده را به مواجهه با وجود، زمان، خاطره و زندگی دعوت می‌کنند؛ تجربه بصری-فکری که به ندرت در سینما و هنر ایران دیده می‌شود.

Abbas Kiarostami

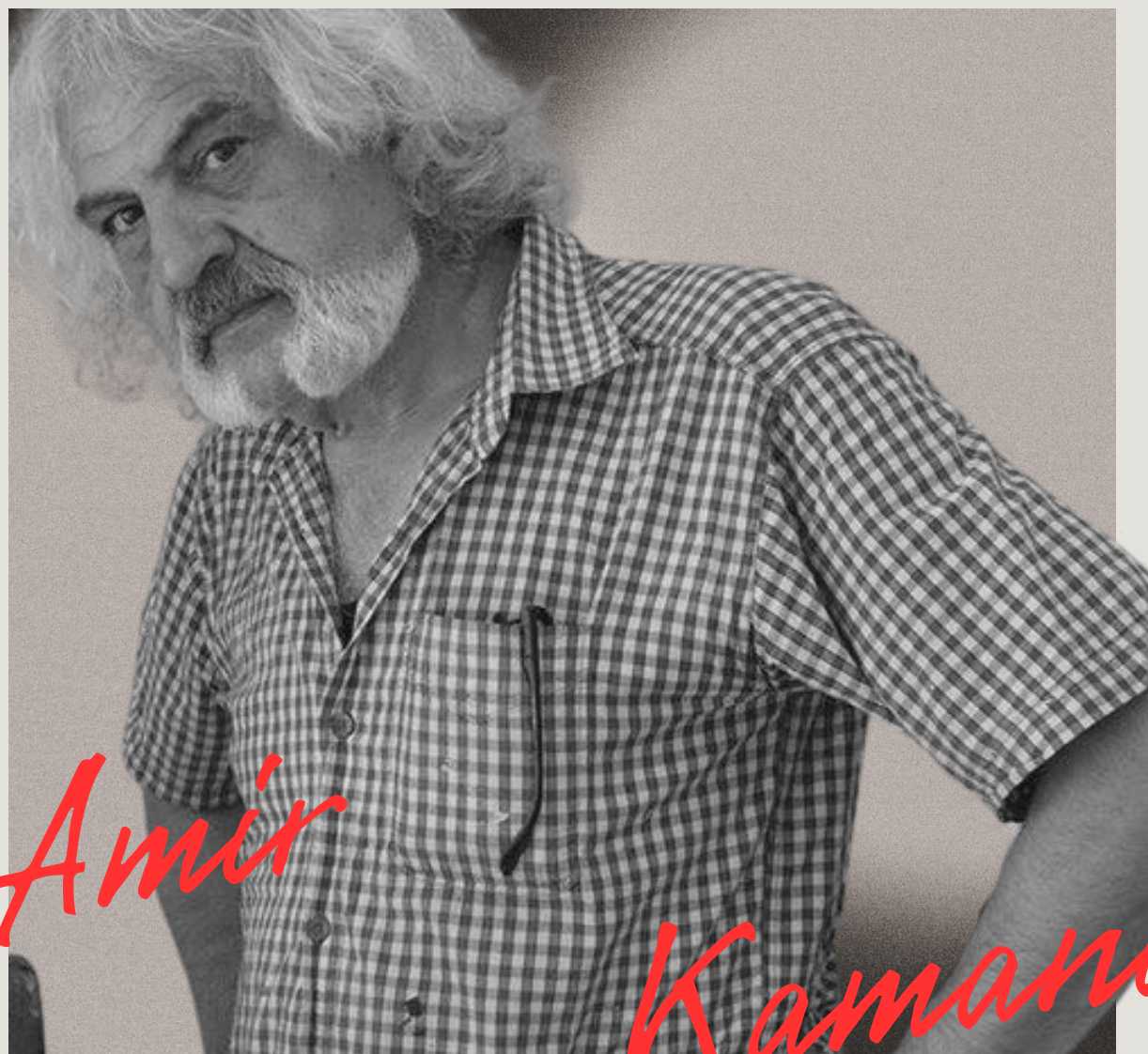
Abbas Kiarostami (1940–2016) was an Iranian filmmaker, photographer, painter and graphic designer whose work transcended conventional genre boundaries.

After studying at the University of Tehran's School of Fine Arts, he first worked in graphic design and advertising; in the early 1970s he joined the Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults (Kanun), where he began producing short films — a beginning that led to acclaimed feature films and an international career.

Kiarostami's visual and narrative style is distinctive: he melded realist cinema with poetic sensibilities, blended documentary and fiction, centered attention on daily life in rural or natural settings, and often cast children or non-professional actors instead of traditional stars.

Beyond cinema, he pursued photography; series such as Snow and Roads reflect his painterly approach — capturing landscapes with subtlety and sensitivity.

Through his films, photographs, and designs — marked by simplicity, minimalism, and contemplative depth — Kiarostami invited viewers to engage with existence, time, memory, and life in a way seldom seen in Iranian art and cinema.



Amir
Kamand



70*80*50 cm



70*50*50 cm

امیر کمند

امیر کمند (متولد ۱۳۳۸) مجسمه‌سازی بدوی و چوب‌تراشی خودآموخته است که آثارش جهان خیالی و شخصی‌اش را با زبانی که هم معرف دوران کودکی، خاطره و هم اسطوره و تخیل است به تصویر می‌کشد. آثار کمند غالباً کوچک‌اند و با چوب رنگ‌شده ساخته می‌شوند؛ شخصیت‌ها با ویژگی‌های اغراق‌شده و گاه کارتونی — مانند میمون‌هایی در موقعیت‌های روزمره یا حیواناتی با نمادهای انسانی — روایت‌هایی ترکیبی از طنز، اسطوره و تجربه زندگی را ارائه می‌دهند.

در اولین نمایشگاه انفرادی او با عنوان *Neo-Primitivism* (۱۳۹۶ / ۲۰۱۷) در زیرزمین *Dastan Gallery*، آثار دو سال پیش از آن به نمایش درآمدند؛ کاری که نشان‌دهنده سبک بدوی – سورئال او بود و نسبت مجسمه به کارتون و خاطره بومی ایرانی را بازتاب می‌داد. در نمایشگاه اخیرش با نام *Aliens versus Gorillas* (۲۰۲۱)، ترکیب طنز، تخیل و اسطوره‌پردازی را با زبانی بصری متفاوت ادامه داد؛ اثرهایی که با پرداخت چوب و رنگ، مخاطب را به مواجهه با جهانی میان واقعیت و خیال فرا می‌خوانند.

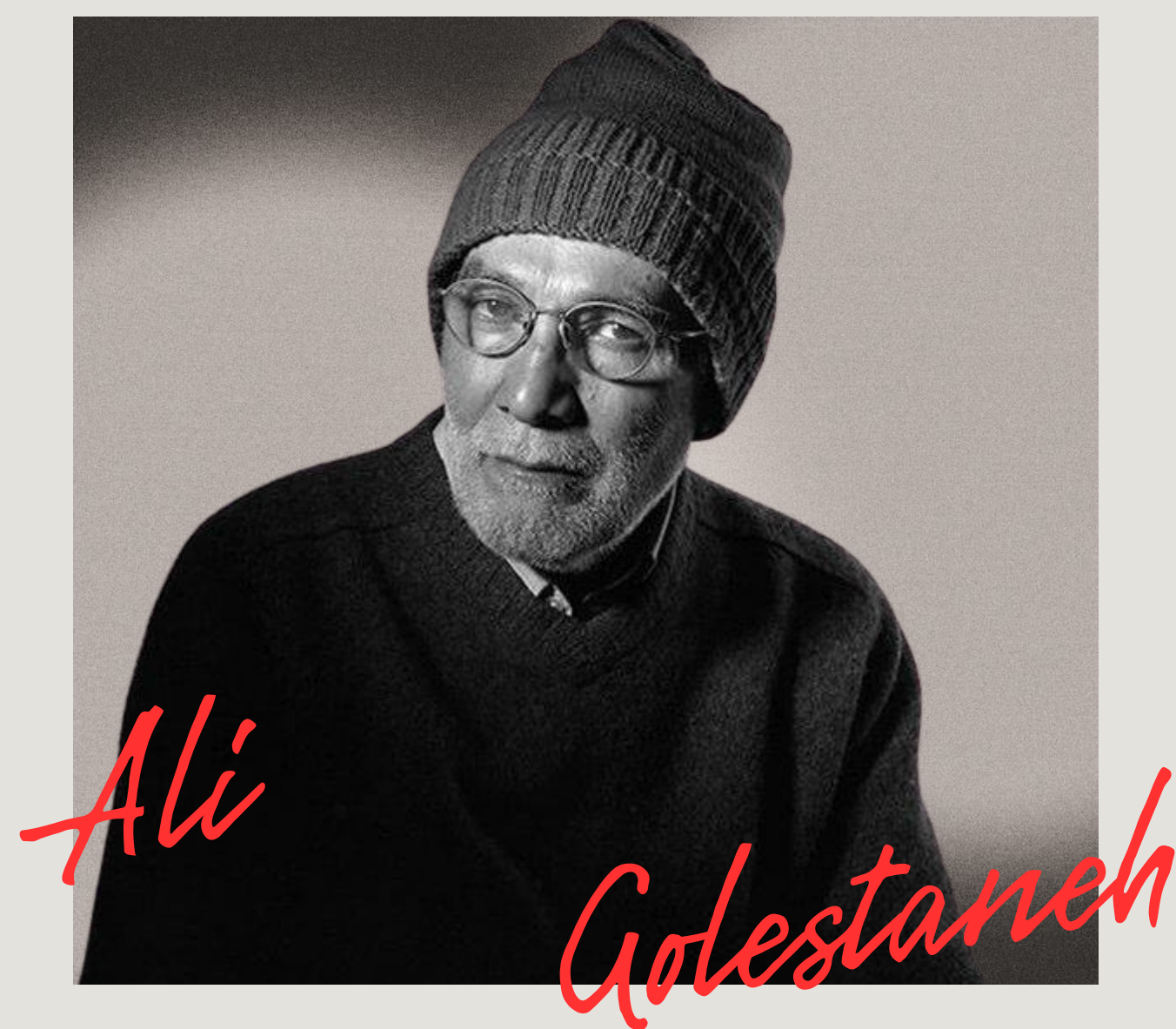
سبک امیر کمند تلفیقی است از هنر بدوی، فولکلور محلی، خاطره و طنز شخصی؛ مجسمه‌هایی که با زبانی ساده و صادقانه، پرسشی جدی درباره تاریخ شخصی، فرهنگ جمعی و قدرت تخیل مطرح می‌کنند. آثار او نه صرفاً برای دیده شدن، بلکه برای برانگیختن کنجکاوی و تأمل در مخاطب پدید آمده‌اند.

Amir Kamand

Amir Kamand (b. 1960, Tehran) is a self-taught wood-carving sculptor whose work maps a personal universe — a fusion of childhood memories, mythologies, and imagination. His sculptures are often small, hand-carved from painted wood, and populated with figures whose exaggerated, sometimes cartoon-like features — for example monkeys in everyday situations or anthropomorphic animals — convey narratives blending irony, myth, and lived experience.

In his first solo show, *Neo-Primitivism* (2017) at the basement of Dastan Gallery, Kamand presented works produced over the preceding two years — sculptures that manifested his “primitive-surreal” style, reflecting a personal folklore rooted in Iranian context. In his more recent exhibition, *Aliens versus Gorillas* (2021), he continued this visual language — combining humor, myth, and fantasy in wood-carved, painted sculptures that invite the viewer into a space between reality and dream.

Kamand’s artistic voice merges primitivism, local folklore, personal memory and playful imagination. His sculptures are not merely meant to be seen — they aim to provoke curiosity and reflection, raising contemplative questions about personal history, collective culture, and the power of imagination.



38*113 cm
Oil Pastel on Paper
Framed

علی گلستانه

علی گلستانه (۱۳۱۹–۱۴۰۰) نقاش ایرانی بود که با تسلط بر تکنیک و تنوع موضوعات، جایگاه برجسته‌ای در هنر معاصر ایران به دست آورد.

گلستانه مدرک کارشناسی نقاشی را از دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران دریافت کرد. آثار او ترکیبی از مناظر طبیعی، نماهای شهری، و چهره‌شناسی هستند؛ موضوع‌هایی که با نگاه دقیق و ترکیب‌بندی خاص، رابطه میان انسان و محیط اطراف را با زبان بصری خود بازتاب می‌دهند.

در دوره‌ای اقامت در انگلستان و اسپانیا (از ۱۹۶۹ تا ۱۹۸۷)، گلستانه عمدتاً با مداد رنگی بر روی کاغذ کار می‌کرد و منظره‌ها، فضاها، شهری و زندگی روزمره را تصویر می‌کرد. پس از بازگشت به ایران، گرایش او به گواش و رنگ روغن افزایش یافت و به بررسی فضاها، داخلی خانه، طبیعت اطراف تهران و نماهای شهری پرداخت.

در آثار اخیرتر گلستانه، رنگ و نور نقش محوری دارند؛ او با پالتی ملایم و تأکیدی بر ارزش بصری ساده‌ترین لحظه‌ها، صحنه‌هایی خلق کرد که حس تأمل و آرامش در آن‌ها موج می‌زند.

به این ترتیب، کارنامه علی گلستانه نمونه‌ای از یک سنت پایدار در نقاشی ایرانی است، سنتی که از طریق طبیعت، زندگی روزمره و خاطره، با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند و یادآور اهمیت نگاه دقیق و مداوم است.

Ali Golestaneh

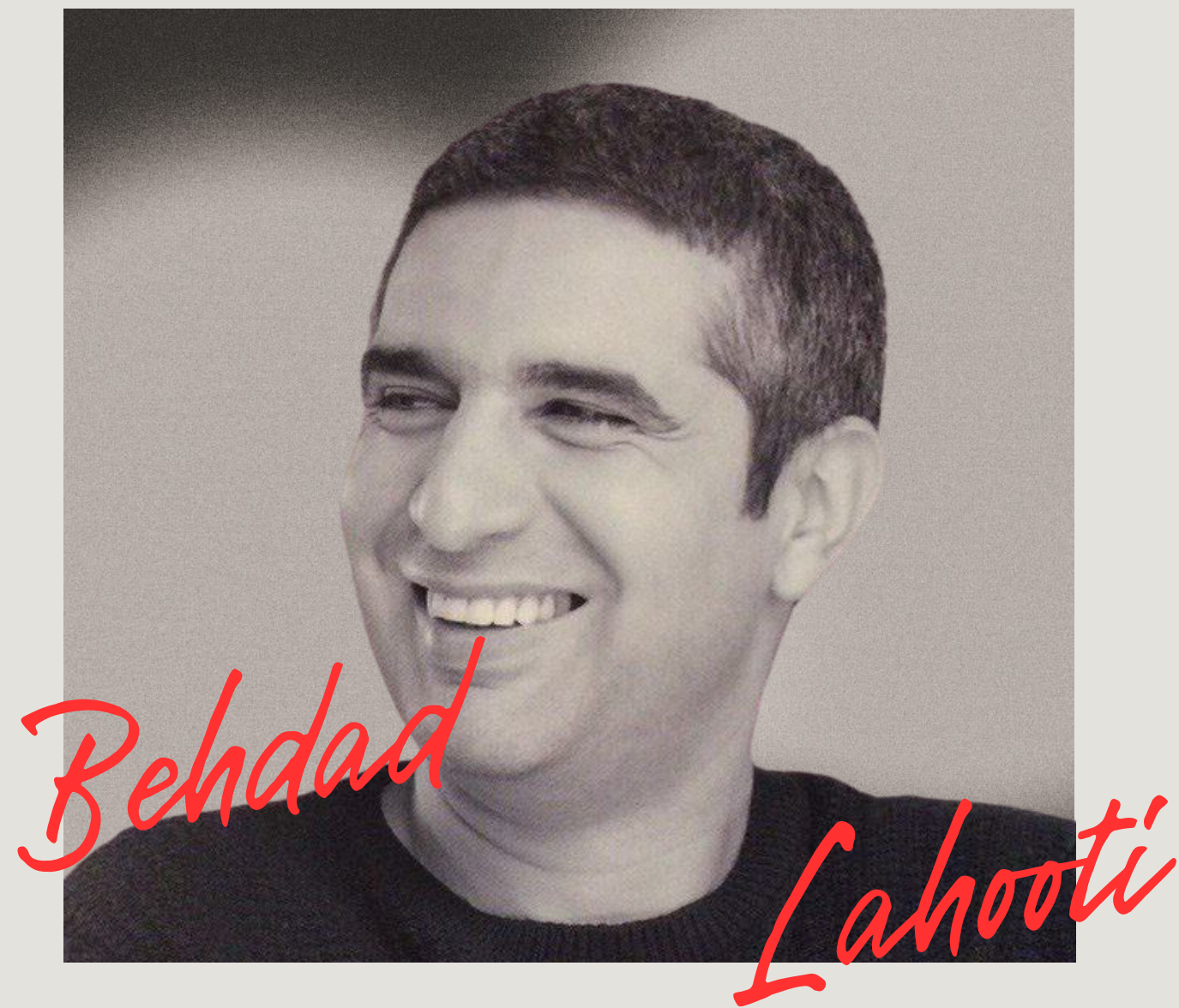
Ali Golestaneh (1940–2021) was an Iranian painter whose technical skill and thematic range earned him a significant place in contemporary Iranian art.

Golestaneh graduated in Painting from the College of Fine Arts, University of Tehran. His oeuvre spans landscapes, urban scenes, and portraiture — subject matters he rendered with careful composition and a distinct visual sensibility, reflecting the relationship between humans and their environment.

During his years in England and Spain (1969–1987), Golestaneh primarily worked with coloured pencils on paper, capturing landscapes, cityscapes, and everyday life. After his return to Iran, he increasingly used gouache and oil, focusing on interiors of homes, the natural surroundings of Tehran, and urban views.

In his later works, colour and light play a central role. Through a gentle palette and sensitivity to the beauty of simple moments, he created scenes imbued with calmness and contemplation.

Golestaneh's body of work represents a lasting tradition in Iranian painting — one that communicates through nature, everyday life and memory, demonstrating the enduring value of careful, consistent observation.



Bronze



Bronze (two pieces)

بهداد لاهوتی

بهداد لاهوتی (متولد ۱۳۵۵ در تهران) مجسمه‌سازی است که طی بیش از دو دهه فعالیت حرفه‌ای، با به‌کارگیری مواد گوناگون همچون فلز، چوب، رزین، سرامیک، پارچه و گچ، زبانی بصری پیچیده و چندبعدی ساخته است. آثار او تنوع گسترده‌ای دارند، اما نکته مشترک آن‌ها واکنش به رویدادهای اجتماعی و جهانی است؛ دغدغه‌هایی مانند جنگ، بحران، تغییرات محیطی و واقعیت‌های زندگی امروزی.

کار او نه تنها به جنبه زیبایی‌شناختی اثر می‌پردازد، بلکه تلاش دارد بیننده را وادارد تا در برابر تجربه تاریخی و اجتماعی در وضعیت کنونی تأمل کند. به این ترتیب آثار لاهوتی غالباً با ساختارهایی همراه‌اند که فراتر از فرم صرفند — مجسمه‌هایی که به مثابه «ابزار گفت‌وگو» با جهانی در تغییر نگاه می‌کنند. از نمایشگاه‌های شاخص او می‌توان به «Apparatus» (نگارخانه هدایت، ۲۰۱۹)، «Overture» (گالری ولی، ۲۰۲۱) و «Captivated» (گالری خاک، ۲۰۲۳) اشاره کرد.

در آثار اخیر، ملموس‌تر شدن حضور ماده و تنش بین ساختار و معنا — میان آنچه دیده می‌شود و آنچه لمس می‌شود — بارز است. لاهوتی با این موضع هنری، مجسمه را نه صرفاً به عنوان جسم مجسم، بلکه به مثابه نشانه‌ای از تجربه جمعی و فردی، و پیوندی میان گذشته، حال و آینده تبدیل می‌کند.

Behdad Lahooti

Behdad Lahooti (born 1976, Tehran) is a contemporary sculptor whose work over more than two decades has employed a wide variety of materials — metal, wood, resin, ceramics, fabric, plaster — to construct a complex, multidimensional visual language. His body of work is diverse, yet unified by a commitment to responding to social and global events — issues such as war, environmental change, and the everyday realities of contemporary life.

Lahooti's art goes beyond aesthetic form: it seeks to engage the viewer in reflection on historical and societal circumstances. His sculptures often act as “instruments of dialogue,” rather than just objects — forms that confront change, memory, and collective experience. Among his notable exhibitions are Apparatus (Hedayat Gallery, 2019), Overture (Vali Gallery, 2021), and Captivated (Khak Gallery, 2023).

In his recent works, the physicality of materials and the tension between structure and meaning — between what is seen and what is felt — become more pronounced. Through his artistic stance, Lahooti transforms sculpture into not only a visual object, but a sign of personal and collective experience, bridging past, present and future.



60*80 cm Canvas



120*120 cm Canvas

لیلی متین دفتری

لیلی متین دفتری (۱۳۱۵–۱۳۸۶) نقاش و طراح گرافیک ایرانی بود که به عنوان یکی از پیشگامان نقاشی نوگرا و ساده‌گرایانه در هنر معاصر ایران شناخته می‌شود.

متین دفتری تحصیلات هنری خود را در مدرسه هنر اسلید لندن به پایان رساند. پس از بازگشت به ایران در دهه ۱۳۳۰، علاوه بر فعالیت به عنوان هنرمند، به تدریس مجسمه‌سازی در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران پرداخت.

سبک بصری آثار او با «سادگی فرم، رنگ‌های زنده و فضاهاى تخت» مشخص می‌شود؛ ترکیبی که در آن فرم صرف بر سه بعدی‌سازی غلبه دارد و پرداخت بر حجم محدود می‌شود. متین دفتری با بازتعریف فضا و حذف عناصر غیرضروری، تصویری نواز واقعیت ارائه داد؛ تصویری که همواره از زبان مدرن بهره می‌گرفت و از سنتی‌گری سنتی فاصله می‌گرفت.

اثر او. چه در نقاشی و چه در طراحی گرافیک — بر پایه تعادلی ظریف میان رنگ و فرم استوار است؛ ترکیبی که فضای بصری‌ای مینیمال و آرام فراهم می‌آورد و خوانش اثر را به تجربه‌ای بصری و تأملی بدل می‌کند. با وجود زندگی بین تهران و پاریس، متین دفتری همواره پیوند خود با جریان هنر معاصر ایران را حفظ کرد و سهم مهمی در شکل‌گیری مدرنیسم ایرانی داشت.

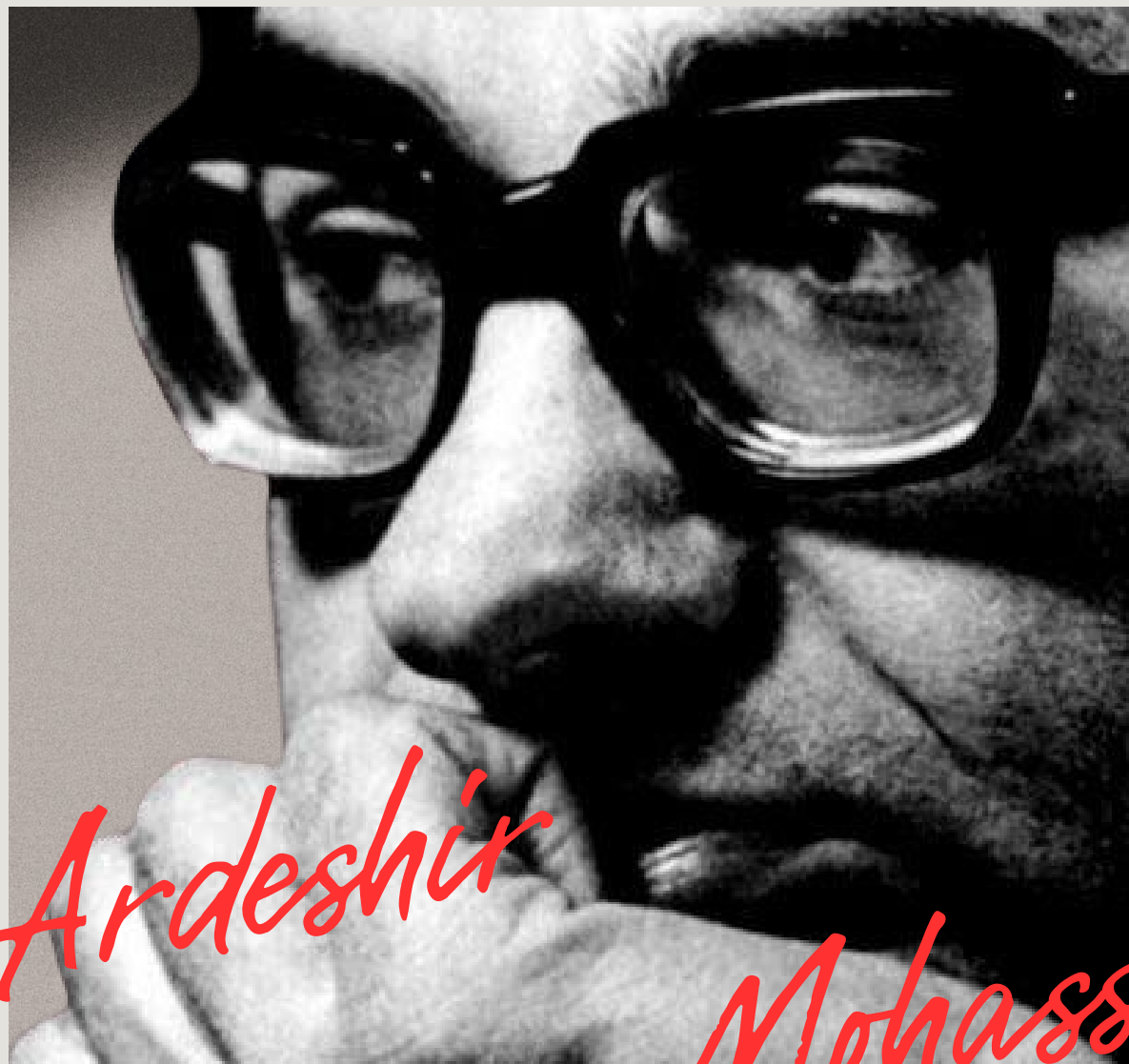
leyly Matine-Daftari

Leyly Matine-Daftary (1937–2007) was an Iranian painter and graphic designer, recognized as one of the pioneers of modern and minimalist painting in Iran.

Matine-Daftary studied at the Slade School of Fine Art in London before returning to Iran in the late 1950s. Upon her return, she not only pursued her own artistic practice but also taught sculpture at the Faculty of Fine Arts of the University of Tehran.

Her visual language is defined by “simplified forms, vivid colors, and flattened spaces,” where representation doesn’t rely on volume or depth but on the interplay of shape and surface. By redefining pictorial space and stripping away unnecessary elements, she offered a fresh representation of reality — firmly grounded in modernist aesthetics and distanced from traditional figurative conventions.

In both her painting and graphic work, Matine-Daftary crafted a delicate balance of color and form to create a visual space that is minimal yet evocative, inviting contemplation rather than mere observation. Though she spent parts of her life between Tehran and Paris, she maintained her link with Iranian contemporary art and played a significant role in shaping Iranian modernism.



*Ardeshir
Mohasses*



Mixed media on paper
51*32 cm
Framed



70*50 cm
Mixed media on paper
Framed



31*23 cm
Mixed media on paper
Framed

Ardeshir Mohasses

Ardeshir Mohasses (1938–2008) is regarded as one of the most influential Iranian draftsmen and illustrators of the late twentieth century—an artist who redefined the boundaries between documentary drawing, historical narration, and critical illustration through a distinctly personal visual language. His work is grounded in meticulous observation, an informed engagement with Iranian history, and a sharp awareness of contemporary social dynamics. In Mohasses's practice, line functions not merely as a descriptive tool but as an analytical mechanism through which power, violence, injustice, and human vulnerability are visually encoded.

Drawing on Qajar-era photographic archives, historical documents, and the gestural repertoire of the Iranian body shaped by structures of authority, Mohasses created images in which figures appear exaggerated, fragmented, or deformed. This approach lends his work a unique position between critical realism and symbolic graphic expression. Political authority and systems of domination often materialize in swollen bodies, unstable faces, or immobilized figures—visual strategies that enable a layered social and historical reading of his art.

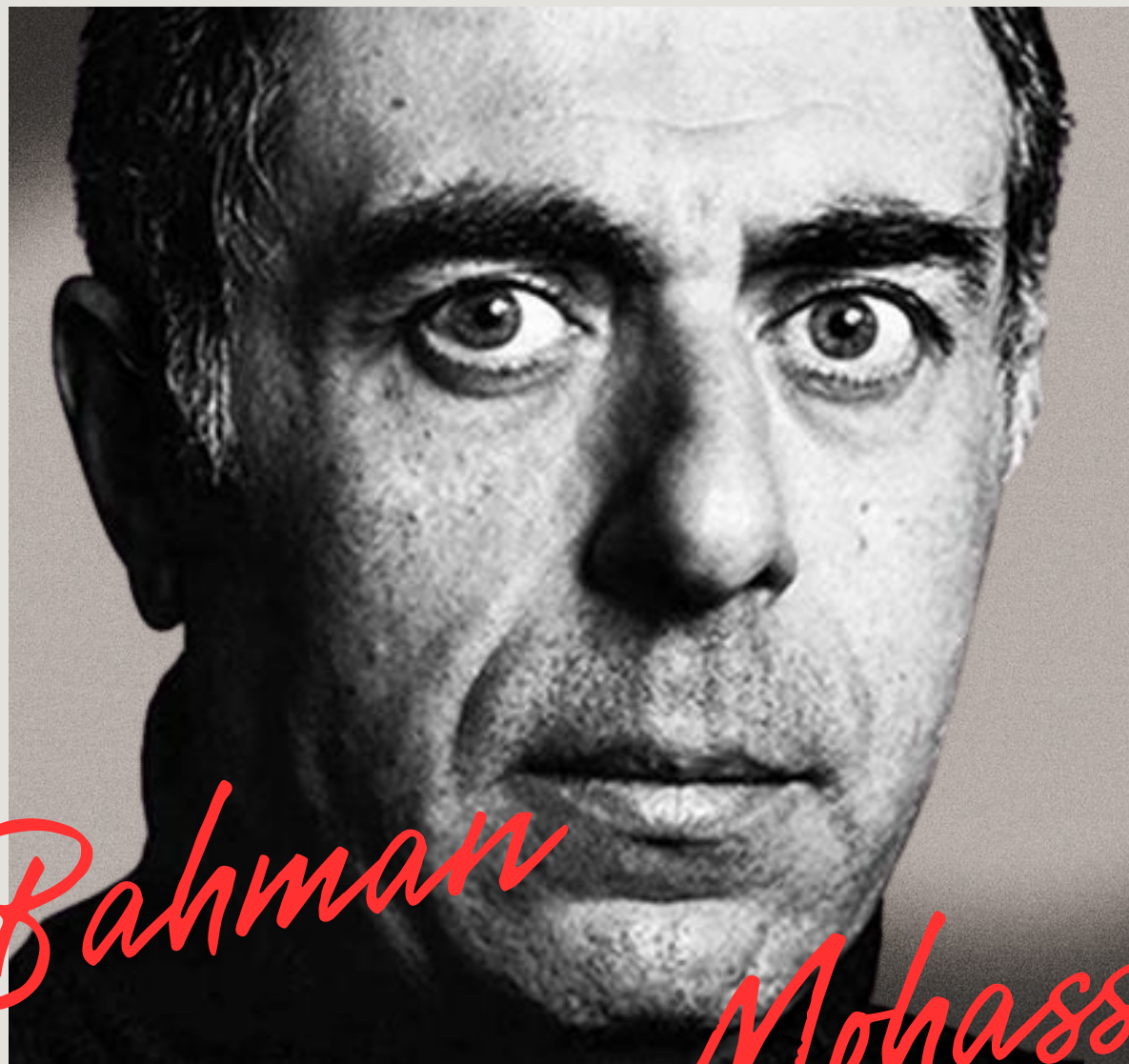
Beyond his extensive contributions to prominent Iranian and international publications, Mohasses played a crucial role in shaping the visual language of modern Iran. Through producing coherent and conceptually rigorous series, he elevated drawing from a secondary medium to an instrument of inquiry and discourse. His significance in the history of modern Iranian art lies above all in his ability to forge a connection between collective historical memory and the lived experience of contemporary individuals—a connection that renders his works visual documents of the complex social conditions of Iran.

اردشیر محمص

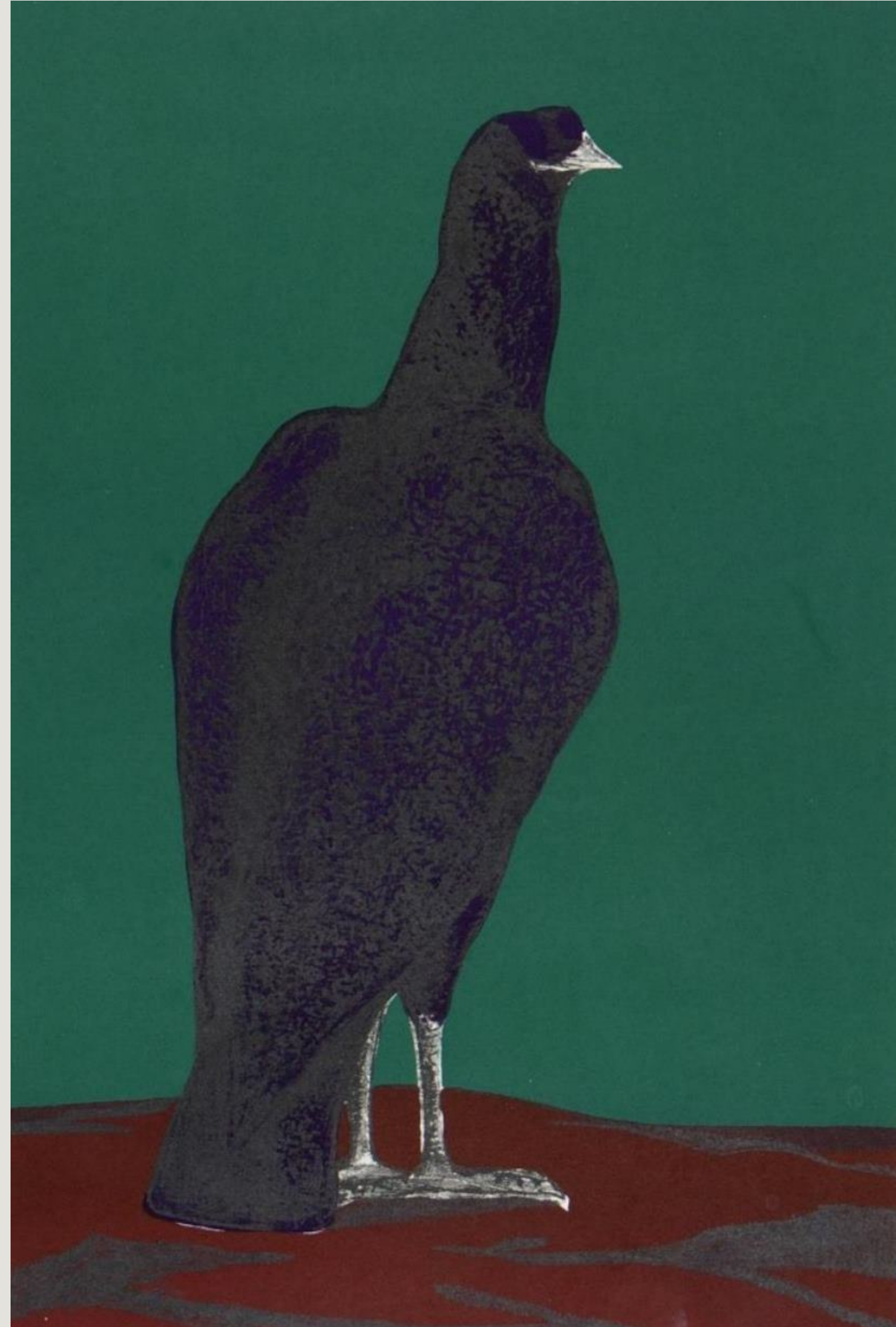
اردشیر محمص (۱۳۱۷–۱۳۸۷) از تأثیرگذارترین طراحان و تصویرگران ایرانی در نیمهٔ دوم قرن بیستم است؛ هنرمندی که توانست مرز میان طراحی مستند، روایت تاریخی و تصویرسازی انتقادی را در قالبی شخصی و متمایز بازتعریف کند. کار او بر بنیانی استوار از مشاهدگری دقیق، شناخت تاریخ ایران و آگاهی از تحولات اجتماعی معاصر شکل می‌گیرد. خط در آثار محمص نه صرفاً ابزار توصیف، بلکه سازوکاری تحلیلی است که از خلال آن، قدرت، خشونت، بی‌عدالتی و شکنندگی انسان به صورت بصری رمزگذاری می‌شوند.

او با ارجاع به اسناد تاریخی قاجار، آرشیوهای تصویری و ژست‌های انسان ایرانی در بستر مناسبات قدرت، مجموعه‌ای از تصاویر می‌آفریند که در آن بدن‌ها دچار اغراق، فروپاشی یا دفرماسیون می‌شوند؛ امری که به کار او کیفیتی میان رئالیسم انتقادی و گرافیسیم استعاری می‌بخشد. در آثار محمص، اقتدار سیاسی و مناسبات سلطه اغلب در قالب بدن‌هایی متورم، چهره‌هایی بی‌ثبات یا فیگورهایی دچار سکون و انقیاد بازنمایی می‌شوند، و همین امر خوانشی اجتماعی و تاریخی از آثار او ممکن می‌سازد.

محمص علاوه بر فعالیت گسترده در نشریات معتبر داخل و خارج از ایران، در شکل‌گیری زبان بصری مدرن ایران نقشی تعیین‌کننده داشت. او با خلق مجموعه‌هایی منسجم، توانست طراحی را از قالب رسانه‌ای فرعی به سطح ابزاری تحلیلی و گفتمانی ارتقا دهد. جایگاه او در تاریخ هنر معاصر ایران بیش از هر چیز به سبب توانایی‌اش در ایجاد پیوند میان حافظهٔ تاریخی و تجربهٔ زیستهٔ انسان معاصر است؛ پیوندی که آثارش را به اسنادی تصویری از پیچیدگی‌های زیست اجتماعی در ایران بدل می‌کند.



Bahman Mohasses



55*37 cm

Bahman Mohasses

Bahman Mohasses (1931–2010) was an Iranian painter, sculptor and printmaker, regarded as a pioneer of modernism in Iranian art. His artistic education began at the Academy of Fine Arts in Rome, and upon returning to Iran in the mid-1960s he committed to introducing a contemporary visual language.

Mohasses's works fuse surrealism, expressionism, and symbolism — his paintings and sculptures often feature human-animal hybrids, mythic creatures, and objects drawn from nature or memory, evoking solitude, alienation, or existential unease. Moving beyond classical realism, he abandoned traditional spatial conventions in favor of compositions driven by form and emotional content.

In addition to painting, Mohasses worked in printmaking and bronze sculpture — the latter producing dense, complex volumetric works that invite deep contemplation. His work featured in international exhibitions, including the Venice Biennale and major art shows across Europe and America.

Ultimately, Mohasses's visual language is an “inner expression”: a portrayal of shadows, voids, and liminal states between humankind, nature, and myth — a critical reflection on contemporary condition. His oeuvre stands as a resolute expression of Iranian modernity: not rooted in imitation, but in the re-creation of form and meaning.

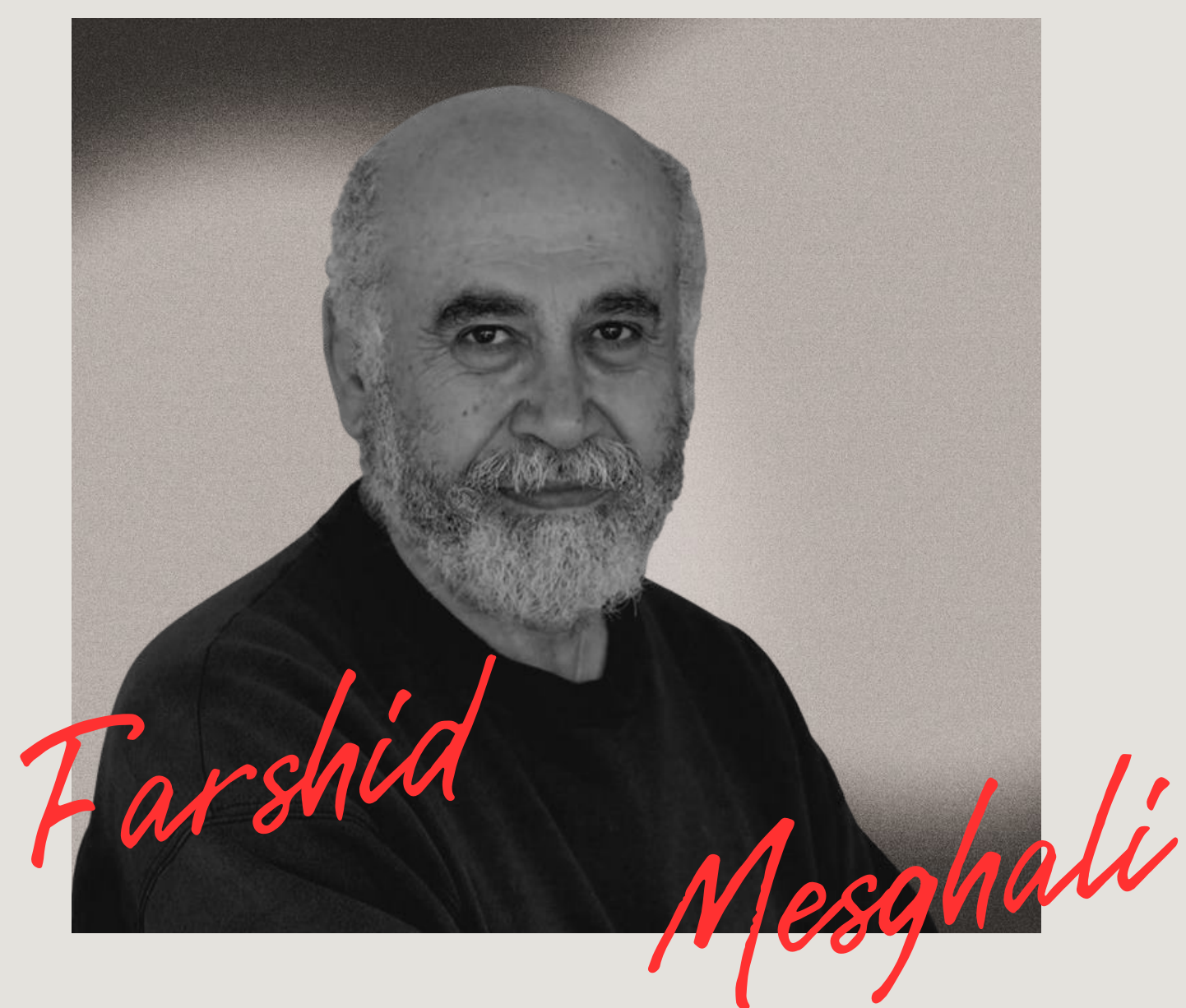
بهمن محمص

بهمن محمص (۱۳۰۹–۱۳۸۹ / ۱۹۳۱–۲۰۱۰) نقاش، مجسمه‌ساز و چاپگر ایرانی بود که از پیشگامان مدرنیته در هنر ایران محسوب می‌شود. مسیر هنری او با تحصیل در آکادمی هنرهای رم آغاز شد و در بازگشت به ایران در میانه دهه ۱۳۴۰ شمسی، تلاش برای معرفی زبان بصری معاصر را با جدیت دنبال کرد.

آثار محمص ترکیبی‌اند از سوررئالیسم، اکسپرسیونیسم و نمادگرایی در نقاشی‌ها و مجسمه‌های او موجودات انسان‌گون و حیوان‌گون، ترکیب اشیاء، طبیعت و موجودات اسطوره‌ای تکرار می‌شوند، که اغلب بازتابی از حس تنهایی، اضطراب یا بیگانگی‌اند. او سنت کلاسیک و واقع‌گرایی اولیه خود را کنار گذاشت و با حذف فضا سازی سنتی، فرم و ترکیب‌بندی را به خدمت معنا و احساس درآورد.

محمص علاوه بر نقاشی و مجسمه، در چاپ دستی و ساخت مجسمه‌های برنزی نیز فعال بود؛ مجسمه‌هایی که با فرم‌های پیچیده و اغلب سنگین، فضای حجمی قابل تأملی می‌ساختند. برخی از آثار او در نمایشگاه‌های بین‌المللی از جمله Biennale Arte و جشنواره‌های هنر اروپا و آمریکا عرضه شدند.

در نهایت، زبان بصری محمص نوعی «بیان درونی» است: تصویریگر سایه‌ها، خلأها و موقعیت‌هایی میان انسان، طبیعت و اسطوره با نگاهی انتقادی به شرایط معاصر. آثار او امروز بازنمایی سرسختانه از روح مدرن ایرانی هستند: مدنی که نه در تقلید، بلکه در بازآفرینی معنا و فرم شکل گرفته است.



55*13*13 cm

فرشید مثقالی

فرشید مثقالی (متولد ۱۳۲۲ در اصفهان) یکی از تأثیرگذارترین تصویرگران، طراحان گرافیک و هنرمندان چندرشته‌ای در تاریخ معاصر ایران است. او پس از تحصیل در دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران، از سال ۱۳۴۳ (۱۹۶۴) حرفه خود را با طراحی گرافیک و تصویرسازی آغاز کرد.

مثقالی برای سال‌ها با مرکز پرورش فکری کودکان و نوجوانان (کانون) همکاری داشت؛ در این دوران تصویرسازی کتاب‌هایی چون ماهی سیاه کوچولو — اثری نمادین در ادبیات کودک — تجربه‌ای ماندگار فراهم آورد.

اما هنر مثقالی تنها به تصویرسازی محدود نماند. پس از مهاجرت به پاریس در ۱۹۷۹ و سپس به ایالات متحده آمریکا در ۱۹۸۶، او فعالیت خود را در عرصه نقاشی، مجسمه‌سازی، طراحی گرافیک و هنر دیجیتال ادامه داد.

نقطه تمایز آثار او در توانایی ترکیب زبان بصری ایرانی با نگرشی جهانی و مدرن است؛ آثارش با زبانی ساده، مینیمال و تأمل برانگیز، فضایی شاعرانه و در عین حال دسترس‌پذیر برای مخاطب فراهم می‌آورند.

برای مثال، در آثار اخیرش — شامل نقاشی‌ها، مجسمه‌ها و طراحی‌های گرافیکی — ترکیب فرم و رنگ، سادگی و معنا به گونه‌ای شکل می‌گیرد که هم یادآور طراحی و تصویرسازی است و هم بیانگر دغدغه‌های هنری امروز. بدین ترتیب، کارنامه فرشید مثقالی نمودار مسیری است از تصویرسازی کودک تا هنر چندوجهی معاصر. مسیری که نقش مهمی در شکل‌دهی مدرنیسم بصری در ایران داشته است.

Farshid Mesghali

Farshid Mesghali (b. 1943, Isfahan) is one of the most influential illustrators, graphic designers, and multidisciplinary artists in modern Iranian visual arts. After studying at the Faculty of Fine Arts at the University of Tehran, he began his professional career in 1964 as a graphic designer and illustrator.

For several years, he collaborated with the Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults in Tehran, during which he illustrated iconic children's books — among them the now-classic *The Little Black Fish* — contributing significantly to the visual culture of Iranian childhood.

But Mesghali's artistic scope extended far beyond illustration. After relocating to Paris in 1979 and later to the United States in 1986, he expanded his practice to painting, sculpture, graphic design, and digital art.

What distinguishes his work is the blend of a distinctly Iranian visual sensibility with a modern, global outlook; his pieces, marked by simplicity, minimalism, and contemplative grace, create an accessible yet poetic visual space.

In more recent works — including paintings, sculptures, and graphic designs — Mesghali combines form and color, simplicity and meaning, in a way that evokes both his roots in illustration and his broader artistic concerns. His career thus charts a path from children's illustration to complex contemporary art — a trajectory that has had a significant role in shaping visual modernism in Iran.



mixed media

افسانه مدیرامانی

افسانه مدیرامانی (متولد ۱۳۴۶/۱۹۶۷ تهران) هنرمندی است که بیش از سی سال تجربه در طراحی و بافت پارچه دارد و تحصیلات خود را در رشته هنرهای صناعی - نساجی و بافت از دانشگاه هنر اصفهان دریافت کرده است. او با نگاهی معاصر و مفهومی، بافت را به شکلی از زبان هنری بدل کرده است؛ با بهره‌گیری از تار و پود، الیاف طبیعی و مصنوعی، پارچه‌های بازیافتی، نخ، کتان و گاهی حتی رشته‌های فلزی یا چوب، ساختارهایی خلق می‌کند که می‌توان آن‌ها را ترکیبی از سنت و تجربه معاصر دانست.

در آثار او، عمل بافت نه فقط به عنوان فرایندی فنی، بلکه به مثابه سفری احساسی و زمانی دیده می‌شود؛ او بافت را «رسمی» می‌داند که گذشته و حال را به هم پیوند می‌زند و حضور انسان در زمان و محیط را ثبت می‌کند. این شیوه بدیهی و شهودی، همراه با انتخاب آزادانه مواد و رنگ، فضایی فراهم می‌آورد که بافت پدیدار می‌شود نه فقط به مثابه یک شیء، بلکه به مثابه خاطره و تجربه.

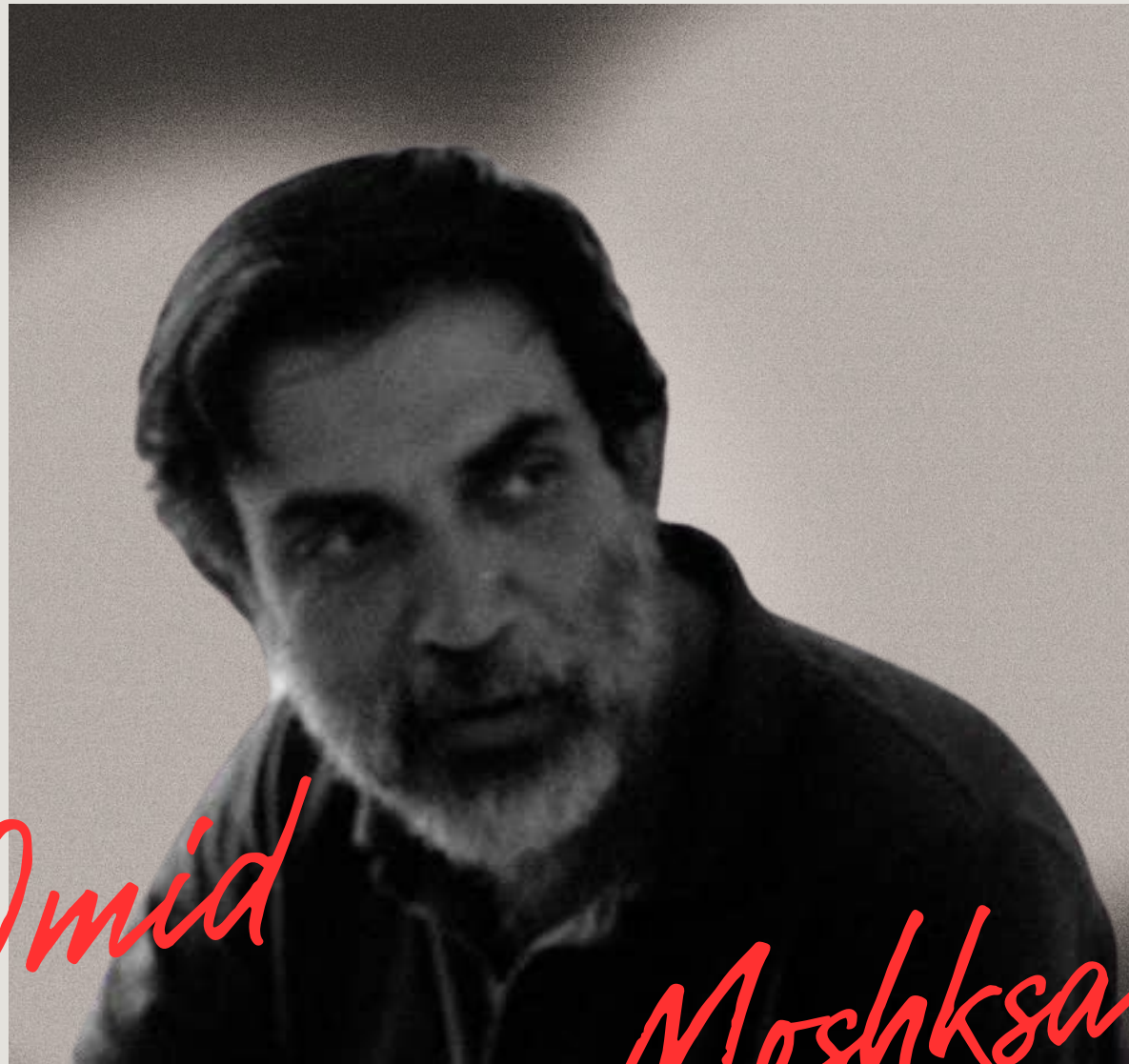
نمایش‌های او در داخل ایران و در سطح بین‌المللی برگزار شده‌اند؛ آثارش برای مخاطب امروزی، خوانش متفاوتی از «پارچه» و «بافت» به عنوان مدیوم هنر معاصر مطرح می‌کنند

Afsaneh Moderamani

Afsaneh Modiramani (b. 1967, Tehran) is a textile artist with over thirty years of experience, educated in textile and weaving at Isfahan University of Art. Her work transforms weaving into a contemporary artistic language: using a variety of natural and synthetic fibers, recycled fabric, cotton, metal strings, wood, and other materials, she constructs woven works that straddle tradition and modern sensibility.

For Modiramani, weaving is not merely a technical process but an emotional and temporal journey. She describes weaving as a ritual that connects the present to a distant past — a medium that captures human presence, memory, and environment. The intuitive combination of materials, colors, and textures results in works that function not just as objects but as embodiments of memory and experience.

Her works have been presented in exhibitions both in Iran and internationally — rethinking “fabric” and “textile” as a valid and expressive medium within contemporary art.



Omid
Moshksar



ink on cardboard
135x130 cm
1389



1.ink on paper
70x50 cm
2018

امید مشکسار

امید مشکسار (۱۳۵۱ شیراز)

هنر او رابطه‌ی در هم تنیده‌ای با ساکنین جغرافیایی که او در آن زندگی می‌کند دارد، هرچند فضاهایی که مشکسار به تصویر می‌کشد هیچ‌گاه اشاره‌ی مستقیمی به زمان و مکان خاصی نمی‌کنند. فیگورهای انسانی نقش اصلی را در طراحی‌های او دارند. انسان‌ها عمدتاً در رابطه‌ای مبهم و رمزآلود با یکدیگر، حیوانات و اشیاء ترسیم شده‌اند. ویژگی مهم کار مشکسار قدرت تخیل او در روایت یک خاطره و یا یک صحنه از تجربه‌ی زیسته‌اش است، به گونه‌ای که امکان تفسیر مشخص و قطعی را از مخاطب می‌گیرد.

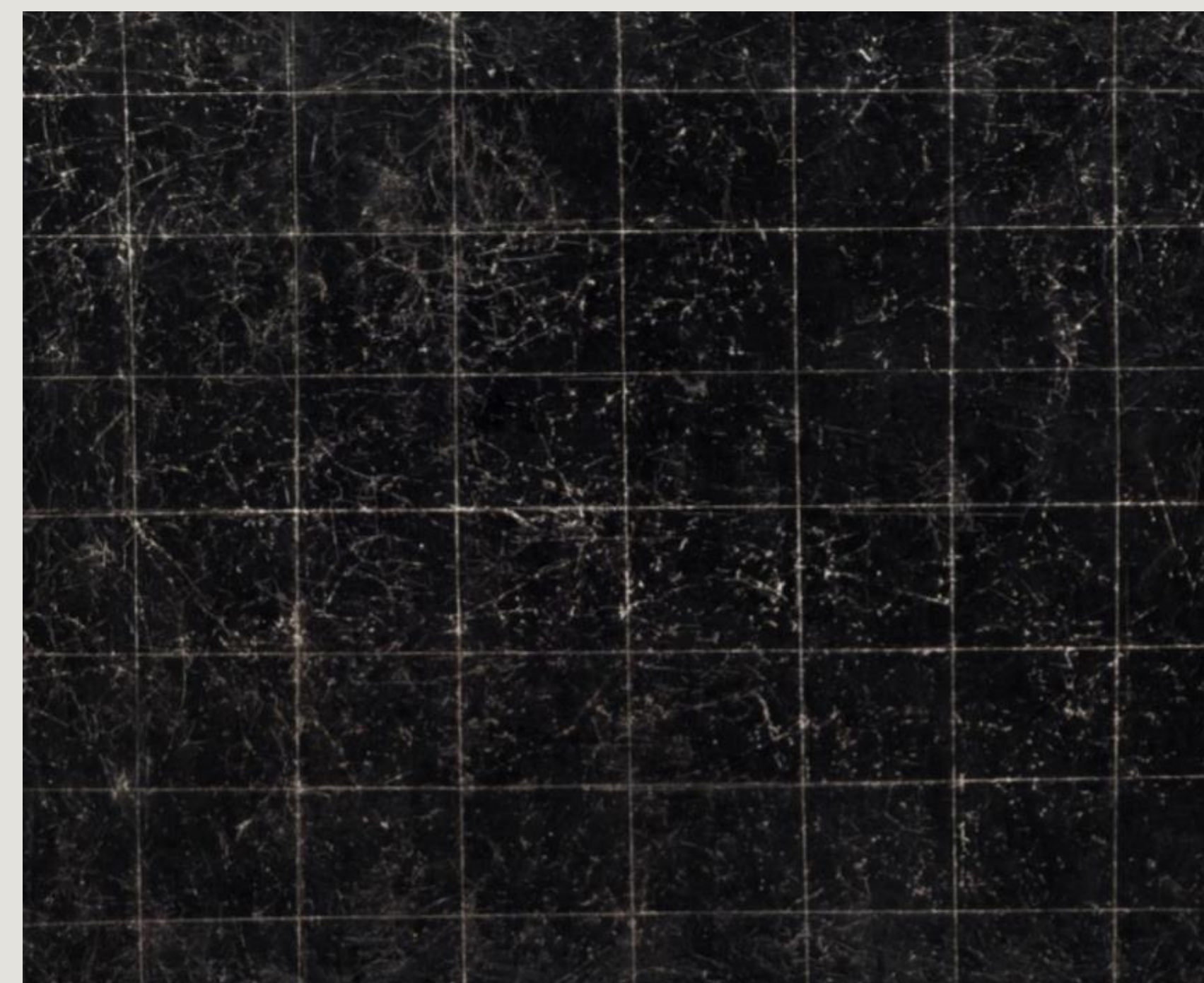
مشکسار برای بیان هنری‌اش از ابزار چاپ، طراحی و مرکب استفاده می‌کند.

امید مشکسار در چندین نمایشگاه انفرادی و گروهی در شیراز و تهران شرکت کرده است. او در سال ۱۳۷۹ به هلند مهاجرت کرد و در آنجا به فعالیت هنری خود ادامه داد. او از سال ۱۳۸۴ به ایران بازگشته و در آتلیه‌ی خویش در شیراز مشغول به کار است.

Omid Moshksar

Omid Meshkesar (b. 1972, Shiraz) His art maintains a complex and intertwined relationship with the geography in which he lives, although the spaces Meshkesar depicts never directly reference a specific time or place. Human figures play a central role in his compositions. They are mostly portrayed in ambiguous and enigmatic interactions with one another, as well as with animals and objects. A defining characteristic of Meshkesar's work is his imaginative capacity to convey a memory or a scene from lived experience in a way that leaves no definitive interpretation for the viewer.

To express his artistic vision, Meshkesar employs techniques such as printmaking, drawing, and ink. He has participated in numerous solo and group exhibitions in Shiraz and Tehran. In 2000, he migrated to the Netherlands, where he continued his artistic practice. Since 2005, he has returned to Iran and currently works from his own studio in Shiraz.



Mixed Media on Canvas
170*204 cm

فرهاد مشیری

فرهاد مشیری (۱۳۴۲-۱۴۰۳) یکی از چهره‌های برجسته هنر معاصر ایران است که با پیوند دادن سنت بصری ایرانی با فرهنگ پاپ جهانی، زبانی ویژه در آثار خود ساخته است.

مشیری طی تحصیلاتی در **California Institute of the Arts (CalArts)** با تأثیرپذیری از هنر مفهومی و پاپ غربی، مسیر کار خود را آغاز کرد و پس از بازگشت به ایران، شیوه‌ای شخصی یافت که مرز میان نوستالژی، مصرف‌گرایی، هویت فرهنگی و زمان معاصر را محومی کند.

آثار او از شامل نقاشی، مجسمه و یا چیدمان با به‌کارگیری مواد گوناگون مثل مروارید مصنوعی، کریستال، پولک، ورق طلا، گاهی چاقو و اشیاء روزمره – تصاویری خلق می‌کنند که در نگاه نخست زینتی و رنگارنگ به نظر می‌رسند، اما با نگاهی دقیق‌تر حامل نقدی ظریف بر مصرف‌گرایی، هویت و تضاد فرهنگ غرب و شرق هستند.

در مجموعه‌ای مانند آثار روی «خزف‌های بزرگ» (**Vessel / Jar Paintings**)، مشیری با بازسازی خوشه‌شکلی از کوزه‌ها و ظرف‌هایی الهام‌گرفته از سنت سفال و سرامیک ایرانی، بافتی نو با خطوط نستعلیق و پالت رنگی خاص خلق می‌کند؛ ترکیب گذشته و اکنون، و هنر سنتی و مدرن.

کار او مجموعه‌هایی چون «زندگی زیباست» (**Life Is Beautiful**) – نوشته با چاقو بر دیوار، یا تابلوهای نخود طلا و پولک مانند «عشق» (**Love / Eshgh**)، نشان‌دهنده ظرفیت موشری در استفاده از نمادها و مواد بصری برای بازتاب وضعیت اجتماعی، هویتی و اقتصادی در ایران معاصر است.

به این ترتیب، فرهاد مشیری با ترکیب ارجاع به میراث بصری ایرانی و مصالح بصری جهان مصرفی — و با زبانی که هم درخشان و چشم‌نواز و هم طعنه‌آمیز است — مخاطب را دعوت می‌کند تا درباره معنا، هویت و مناسبات فرهنگی معاصر تأمل کند.

Farhad Moshiri

Farhad Moshiri (1963-2024) is a leading figure in contemporary Iranian art who has crafted a distinctive language by merging Iranian visual traditions with global pop culture.

Educated at the California Institute of the Arts, Moshiri absorbed influences from conceptual and pop art, and upon returning to Iran developed a personal approach that blurs boundaries between nostalgia, consumerism, cultural identity and present-day reality.

His work — spanning painting, sculpture, and installation — often incorporates materials such as faux pearls, crystals, sequins, gold leaf, and everyday objects, sometimes even kitchen knives; the result are visually rich and decorative pieces that invite a second glance, offering subtle critiques of consumption, identity, and East-West cultural tension.

In his “vessel” paintings, Moshiri reinterprets ancient pottery and ceramics from Iranian heritage through large painted jars adorned with Persian calligraphy and modern textures — a dialogue between past and present, and tradition and modernity.

Works such as *Life Is Beautiful* (a knife-written wall installation), or his glittering *Eshgh* (“Love”) series demonstrate his talent for using visual symbols and materials to reflect on social, cultural and economic realities in contemporary Iran.

Through an aesthetic that is at once luminous and ironic, Moshiri invites viewers to reflect on meaning, identity and the complexities of cultural modernity.



mixed media

هومن مرتضوی

هومن مرتضوی (متولد ۱۳۴۳ در تهران) هنرمند چندرشته‌ای معاصر ایران است که آثارش طی سال‌های فعالیتش ابعادی متفاوت یافته‌اند — از نقاشی و طراحی گرافیک تا چیدمان و هنر مفهومی.

در آثار مرتضوی، زبان بصری او عمدتاً براساس بازتعریف اشیاء روزمره و بازنمایی زندگی معاصر شکل گرفته است. او با بهره‌گیری از رسانه‌های مختلف و گاه ساده‌ترین مواد، «جعبه»، «لوازم جانبی زندگی» یا اجزای معمول را به آثار هنری تبدیل کرده است؛ چیدمان‌هایی که مخاطب را با تجربه‌ای آشنا اما در بستری بازاندیشانه روبرو می‌کنند.

نمایشگاه «جعبه‌ها» (۱۳۷۱ / ۱۹۹۲–۱۹۹۳) در تهران و پس از آن «Life Accessories» در دهه ۷۰ شمسی، از نخستین نمونه‌های هنر مفهومی مدرن در ایران بودند که مرتضوی با آن‌ها نشان داد امکان عبور از محدودیت‌های سنتی نقاشی وجود دارد.

در آثار بعدی — از جمله پروژه خیالی **The Rise and Fall of Simon Ordoubadi** (۲۰۱۴) — مرتضوی خود هویت، مهاجرت و بی‌ثباتی اجتماعی را موضوع قرار می‌دهد؛ او با زبانی ساده و بی‌پیرایه، واقعیت‌های شخصی و جمعی را به نقد می‌کشد.

به این ترتیب هنر هومن مرتضوی متکی بر پرسش — نسبت انسان با اشیاء، با هویت، با گذشته و حال — است؛ تجربه‌ای که مخاطب را دعوت به تفکر می‌کند نه صرفاً به تماشا.

Hooman Mortazavi

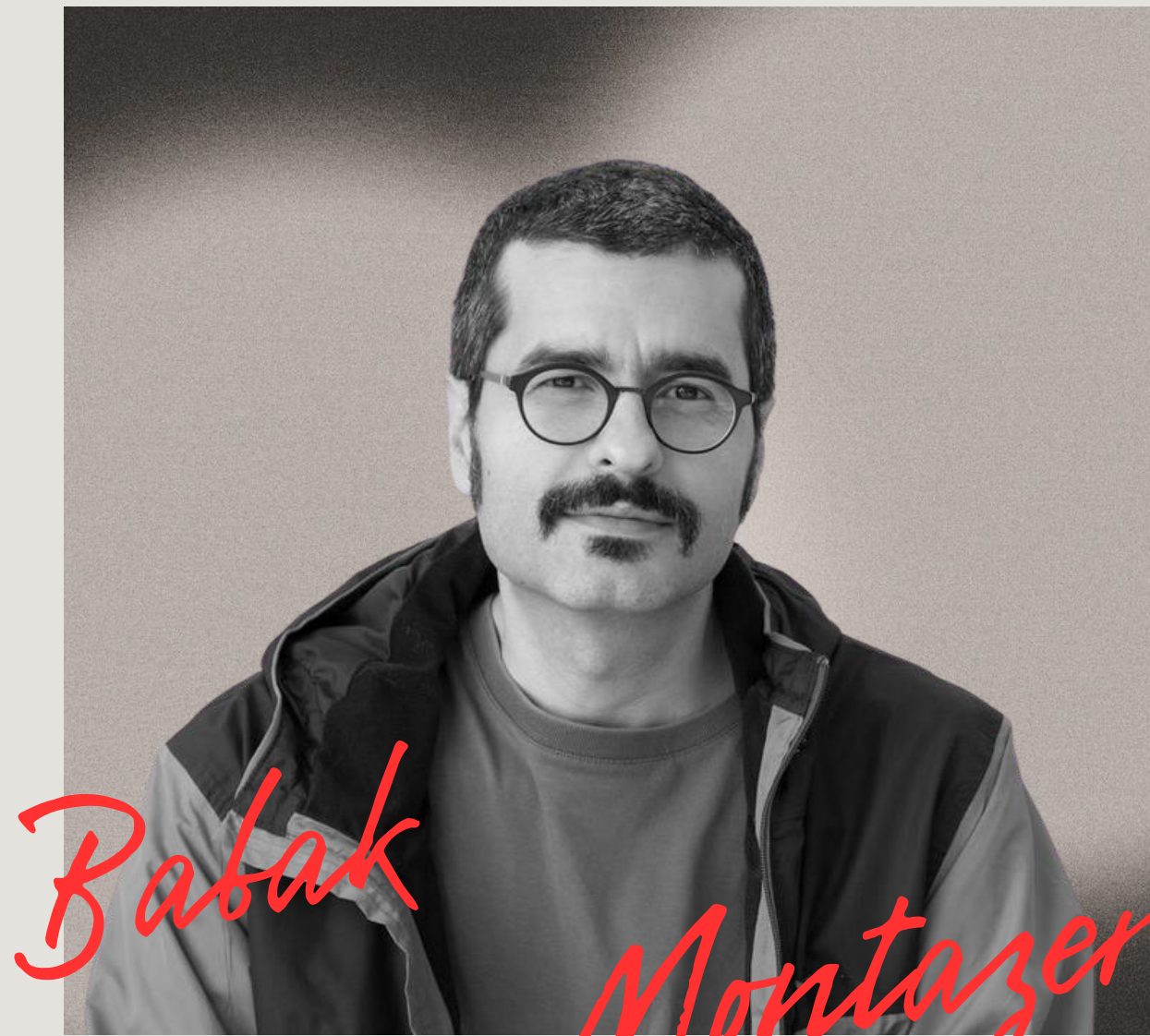
Houman Mortazavi (b. 1964, Tehran) is a contemporary Iranian multidisciplinary artist whose practice over decades spans painting, graphic design, installation, and conceptual art.

Mortazavi's visual language is built on reinterpreting everyday objects and reflecting contemporary life. By employing various media and often the most ordinary materials, he transforms “boxes,” “life accessories,” or mundane items into artworks — installations that confront the viewer with something familiar, yet in a contemplative context.

His exhibition “Boxes” (1992–93, Tehran) and later “Life Accessories” were among the first instances of modern conceptual art in post-revolutionary Iran, demonstrating the possibility to move beyond traditional painting.

In later works — including the conceptual project *The Rise and Fall of Simon Ordoubadi* (2014) — Mortazavi addresses themes of identity, migration, and social instability; in a straightforward yet unadorned style, he critiques personal and collective realities.

Thus, Houman Mortazavi's art rests on questioning — the relation of humans to objects, to identity, to past and present — offering experiences that invite thought rather than passive viewing.



Batak
Montazeri



wood

بابک منتظری

بابک منتظری، مجسمه‌ساز خودآموخته متولد ۱۳۶۲، در آثارش رویکردی ماده‌محور و فرآیندگرا دارد که از تجربه زیسته و مواجهه مستقیم با مواد اولیه سرچشمه می‌گیرد. او بدون اتکا به آموزش‌های رسمی، زبان شخصی خود را از خلال آزمون و خطا با متریال‌های مختلف - به‌ویژه فلز، چوب و مواد بازیافتی - شکل داده است. در مجسمه‌های او فرم‌پردازی بر بنیانی ساختاری استوار است؛ احجام اغلب با حداقل مداخله و بر اساس ویژگی‌های طبیعی مواد هدایت می‌شوند. همین امر به آثارش کیفیتی خویش‌زا، خام و در عین حال دقیق می‌بخشد.

منتظری در برخورد با ماده نه به دنبال بازنمایی واقعیت، بلکه در جست‌وجوی برساختن تجربه‌ای مجسمه‌وار از نیرو، تنش و وزن است. آثار او گاه به مرز میان تجسم و کارکرد نزدیک می‌شوند، اما همواره با حفظ استقلال فرمی، به عنوان ابژه‌ای معاصر عمل می‌کنند. توجه او به جزئیات فنی، تناسبات و رابطه میان تعادل و بی‌تعادلی، بخشی مهم از بیان بصری او را شکل می‌دهد. در کارنامه حرفه‌ای منتظری حضور در چندین نمایشگاه داخلی و خارجی دیده می‌شود، اما آنچه بیش از همه او را متمایز می‌سازد، پویایی مداوم در مواجهه با ماده و میل به کشف ظرفیت‌های ناشناخته آن است؛ رویکردی که آثارش را در بستری معاصر و تجربه‌محور قرار می‌دهد.

Babak Montazeri

Babak Montazeri (b. 1983) is a self-taught sculptor whose practice is grounded in a material-driven and process-oriented approach, shaped by direct engagement with raw substances rather than formal academic training. Through continuous experimentation with various materials—particularly metal, wood, and repurposed objects—he has developed a distinct sculptural language rooted in the inherent physicality of matter. His forms often emerge from the structural logic of the materials themselves, resulting in works that appear simultaneously unrefined and meticulously considered.

Montazeri's sculptures do not seek to represent external realities; instead, they construct tangible experiences of force, tension, and weight. His works occasionally approach the boundary between sculptural form and functional object, yet they maintain their autonomy as contemporary sculptural entities. Technical precision, attention to proportion, and the interplay between balance and imbalance constitute essential components of his artistic expression.

While Montazeri has participated in numerous group exhibitions in Iran and abroad, his practice is most notably defined by a persistent curiosity toward material possibilities and a desire to uncover latent potentials within them. This sustained exploration situates his work within a contemporary, research-oriented discourse that foregrounds materiality as both subject and method.



100*120 cm
Oil on Canvas

شهره مهران

شهره مهران (متولد ۱۳۳۶، اردبیل) از نقاشان معاصر ایران است.

در نقاشی‌های مهران، مفهوم «غیاب» به عنوان نشانه‌ای زیباشناختی و معناشناختی حضوری بنیادین دارد. فیگورهای او اغلب با چهره‌هایی بی چشم یا هویتی محو تصویر می‌شوند و همین حذف آگاهانه، نوعی تعلیق و فاصله‌گذاری در تجربه دیداری ایجاد می‌کند. مجموعه‌هایی چون «Under Construction» و «Cityscapes» به بازنمایی مناظر شهری تهران می‌پردازند؛ شهر به مثابه فضایی در حال تغییر، پوشیده در داربست‌ها و پرده‌ها، که همچون سوژه‌های انسانی مهران، در وضعیت گذار و ناپایداری قرار دارد. در مجموعه «Schoolgirls» نیز دختران دانش‌آموز با چهره‌هایی ناپیدا و پوششی یک‌دست، به استعاره‌ای از هم‌شکلی، انضباط اجتماعی و هویت‌های کنترل شده بدل می‌شوند.

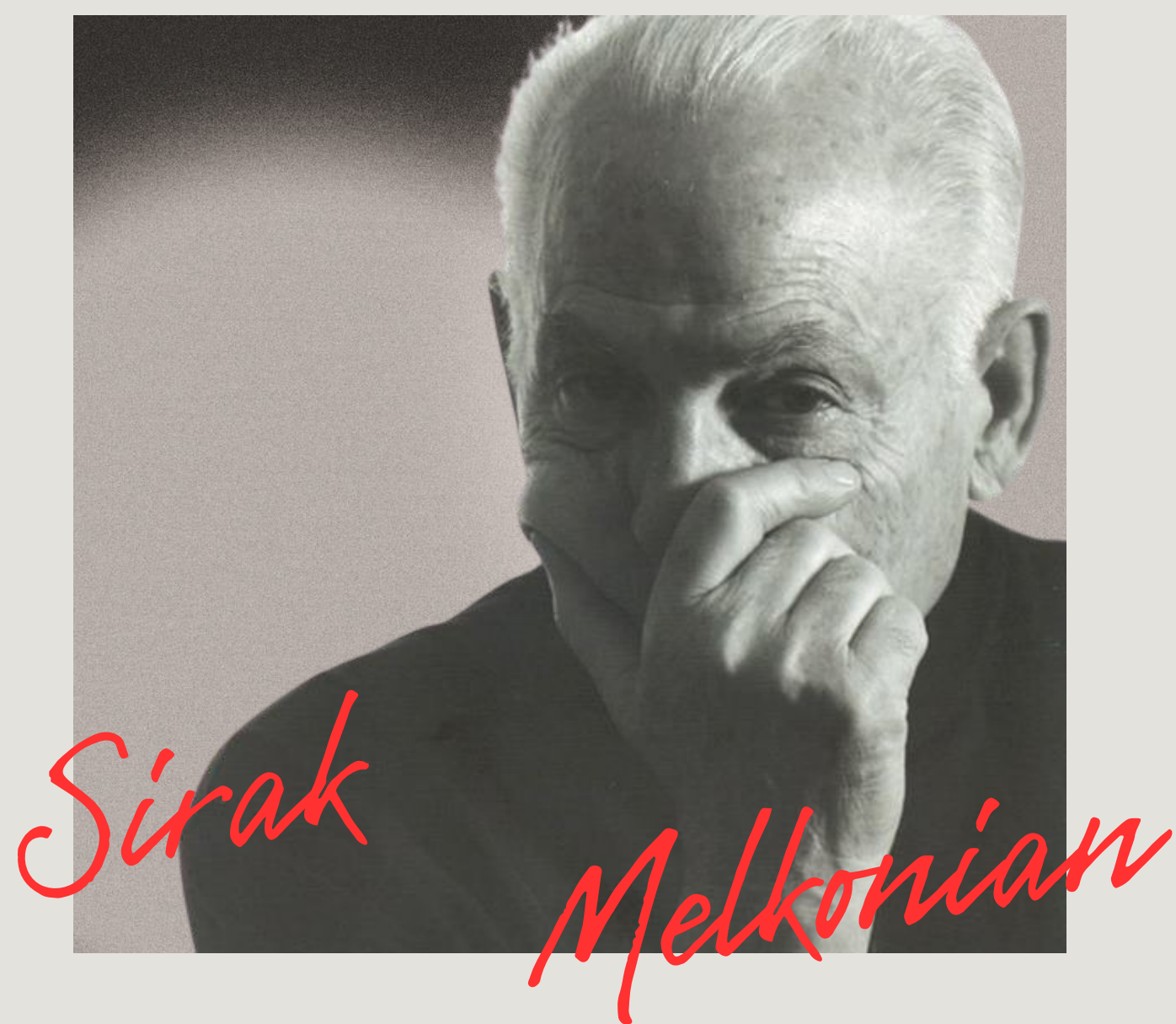
مهران با بهره‌گیری از ترکیب‌بندی‌های سنجیده، رنگ‌گذاری‌های مهارشده و نگاهی عمیق به روان‌شناسی جامعه معاصر، توانسته است جایگاه خود را در هنر ایران به دست آورد. آثار او نه بازنمایی صرف واقعیت، بلکه خوانشی شاعرانه و انتقادی از سازوکار دیده‌شدن و نادیده‌ماندن در زندگی امروز است.

Shohreh Mehran

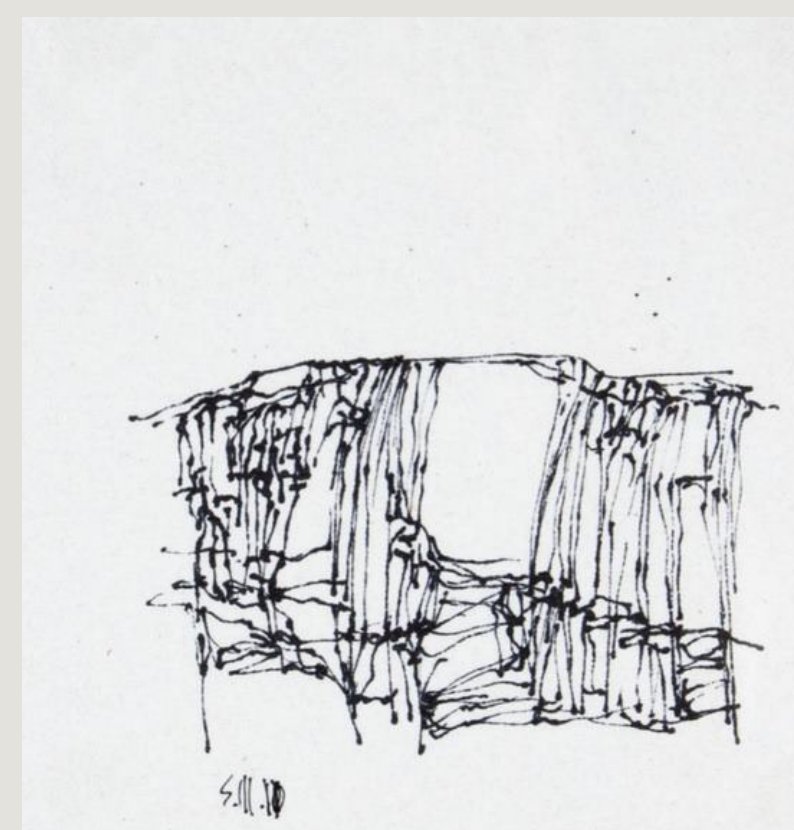
Shohreh Mehran (born 1957, Ardabil) is a prominent figure in contemporary Iranian painting.

In Mehran's work, the notion of absence functions as a fundamental aesthetic and semantic element. Her figures often appear with erased or indistinct faces, their identities deliberately obscured. This conscious removal generates a visual suspension, creating a form of distancing within the viewer's experience. Series such as "Under Construction" and "Cityscapes" depict the urban landscape of Tehran— a city in constant transformation, veiled by scaffolding, tarps, and temporary structures. Like the human subjects in her paintings, the city itself is presented in a state of transition and impermanence. In the "Schoolgirls" series, uniformed students with concealed faces become metaphors for conformity, social discipline, and regulated identities.

Through measured compositions, restrained palettes, and a sustained engagement with the psychological dimensions of contemporary society, Mehran has established a distinct position within Iranian art. Her paintings move beyond straightforward representation; they offer a poetic yet critical interpretation of the mechanisms of visibility and invisibility that shape life today.



Mixed media on Paper
15*17 cm
Framed



Mixed media on Paper
16*12 cm
Framed



Mixed media on Paper
15*17 cm
Framed

سیراک ملکنیان

سیراک ملکنیان (متولد ۱۳۰۹-۱۴۰۳) از هنرمندان برجسته هنر مدرن ایران است که آثارش پیوندی میان نقاشی انتزاعی، تجربه‌های فرمی و رویکردهای شاعرانه ایجاد می‌کند. ملکنیان تحصیلات خود را در دانشکده هنرهای زیبای تهران آغاز کرد و سپس در آکادمی‌های هنری رم و پاریس ادامه داد. آشنایی او با جریان‌های هنر مدرن اروپا در کنار ریشه‌های بصری فرهنگ ایرانی، بستر شکل‌گیری زبانی شخصی و سازگار با حساسیت‌های تصویری معاصر را فراهم کرد.

وی از دهه ۱۳۴۰ به تدریج به سوی انتزاع گرایش یافت و مجموعه‌های او اغلب بر خطوط نرم، فضاها و مینیما و رنگ‌گذاری‌های کنترل‌شده استوار است. آثار ملکنیان بر ایجاد تعادل میان سکون و حرکت تأکید دارد و کیفیتی مراقبه‌گونه و آرام در آن‌ها دیده می‌شود. در بسیاری از آثارش، رنگ به عنوان عنصر اصلی بیان عمل می‌کند؛ رنگ‌هایی که نه به بازنمایی عینی، بلکه به ساخت فضایی ذهنی و احساسی می‌پردازند.

ملکنیان در کنار نقاشی، تجربه‌های متعددی در طراحی و گرافیک نیز داشته و حضور مستمر او در نمایشگاه‌های داخل و خارج از کشور جایگاهش را در تاریخ هنر معاصر ایران تثبیت کرده است. آثار او نمونه‌ای از رویکرد شخصی و پیوسته به انتزاع هستند که بر حساسیت بصری، اقتصاد بیان و ظرافت ساختاری تأکید می‌کنند.

Sirak Melkonian

Sirak Melkonian (born 1930-2024) is a significant figure in modern Iranian art, whose work creates a dialogue between abstraction, formal experimentation, and a distinctly poetic sensibility. He began his studies at the Faculty of Fine Arts in Tehran and later continued at art academies in Rome and Paris. His exposure to European modernism, combined with the visual traditions of Iranian culture, contributed to the development of a personal language aligned with contemporary artistic concerns.

From the 1960s onward, Melkonian gradually moved toward abstraction. His compositions often rely on gentle lines, minimal spatial arrangements, and carefully controlled color fields. The works emphasize a balance between stillness and motion, conveying a contemplative and measured visual atmosphere. Color functions as a primary agent in his practice—not to depict external reality, but to construct an interior and emotional space.

Alongside painting, Melkonian has explored drawing and graphic design, participating regularly in exhibitions in Iran and abroad, which has reinforced his position within the narrative of modern Iranian art. His oeuvre represents a consistent and personal engagement with abstraction, characterized by visual sensitivity, economy of form, and structural subtlety.



Farokh
Noor-o-Ney



Mixed Media (Four Pieces)



Mixed Media (Three Pieces)

فرخ نورو نی

فرخ نورو نی (متولد ۱۹۷۷ در تهران) نقاش و مجسمه‌سازی ایرانی ـ کانادایی است که در تورنتو اقامت داشته و فعالیت هنری خود را در عرصه تصویرگری انسان و حیوان با تمرکز بر بدن به مثابه فرم زنده و متغیر دنبال می‌کند. آثار او هم در نمایشگاه‌های انفرادی مانند «Animality» (۲۰۱۶)، «Physicality»، (۲۰۱۵) و «Tafarox» (۲۰۱۸) در تهران و نیز در نمایشگاه‌های گروهی در شهرهایی چون پاریس، دوی، تورنتو و سیاتل به نمایش درآمده‌اند.

نورو نی در آثارش بدن — انسانی یا حیوانی — را نه به عنوان فرم ایستا، بلکه ساختاری انعطاف‌پذیر و در تعامل با فضا و محیط اطراف می‌بیند. او معتقد است بدن، شکلی زیبا و معماگونه است که همواره با محیط و شرایط پیرامون خود ارتباط دارد و دگرگونی می‌کند.

ترکیب نقاشی و حجم در آثار نورو نی، گاه به اِشکال انتزاعی نزدیک می‌شود، گاه بدن را در شکل‌هایی نزدیک به طبیعت یا موجودات خیالی بازسازی می‌کند — رویکردی که مرزهای مرسوم بین انسان، حیوان و محیط را باز می‌کند و پرسش‌هایی درباره هویت، بدن و زیست مشترک مطرح می‌سازد.

با وجودی که آثار او به لحاظ فرم ممکن است جذاب و هنری به نظر آیند، نگاه نورو نی همواره بازتاب‌دهنده دغدغه‌ای ژرف درباره نسبت انسان و طبیعت، تن و فضا و پیوندهای عمیق زیستی است — تجربه‌ای که مخاطب را به تأمل و همدلی فرا می‌خواند.

Farokh Noor-o-Ney

Toronto. His artistic practice centers on the representation of human and animal bodies — treated as living, mutable forms rather than static shapes. His works have been exhibited widely, including solo shows such as Animality (2015), Physicality (2016), and Tafarox (2018) in Tehran, as well as group exhibitions in cities like Paris, Dubai, Toronto, Seattle, and Las Vegas.

In Nooroney's work, the body — whether human or animal — is conceived as a flexible entity that interacts with space and environment. He views the body as a beautiful but enigmatic form, constantly shaped by context and surroundings. Through a hybrid language of painting and sculpture, Nooroney blurs the boundaries between human, animal, and environment. Some works verge on abstraction; others evoke natural or mythic creatures — a strategy that raises questions about identity, embodiment, and the living bond between beings and their spaces.

Though visually engaging, his work carries an underlying concern: to reflect on the relationship between body and environment, nature and identity, inviting the viewer to empathy and reflection rather than passive observation.



18*42*40 cm
Wood

محسن وزیری مقدم

محسن وزیری مقدم (۱۳۰۳-۱۳۹۷) از چهره‌های اثرگذار هنر مدرن ایران است که آثارش در مرز میان نقاشی، مجسمه و هنر تجربی قرار می‌گیرد. او تحصیلات خود را در دانشکده هنرهای زیبای تهران و سپس در آکادمی هنرهای زیبای رم ادامه داد و طی این سال‌ها به تدریج زبان بصری منحصر به فردی را شکل داد که بر حرکت، بافت و مشارکت فعال مخاطب تأکید دارد.

وزیری مقدم از دهه ۱۳۴۰ با خلق «نقاشی‌های ماسه‌ای» توجه گسترده‌ای جلب کرد؛ آثاری که در آن سطح بوم به بستری متحرک تبدیل می‌شود و شکل‌گیری تصویر در تعامل مستقیم بین دست هنرمند و حرکت طبیعی مواد رخ می‌دهد. این رویکرد، که بر اساس تجربه‌گرایی و آزادسازی ماده از نقش صرفاً بازنمایانه شکل گرفت، او را به یکی از پیشگامان هنر انتزاعی تجربی در ایران تبدیل کرد.

او در مجموعه‌های حجمی خود نیز به پژوهش درباره فرم، تعادل و نیروهای فیزیکی پرداخت و تلاش داشت مرزهای سنتی هنر را گسترش دهد. آثار وزیری مقدم در موزه‌ها و گالری‌های معتبر داخل و خارج از کشور به نمایش درآمده و نقش او در شکل‌گیری جریان‌های تازه در هنر مدرن ایران همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است. زبان بصری او نمایانگر توجه به ماهیت ماده، فرایند خلق و امکان‌های بیانی تازه در هنر معاصر است.

Mohsen Vaziri Moghaddam

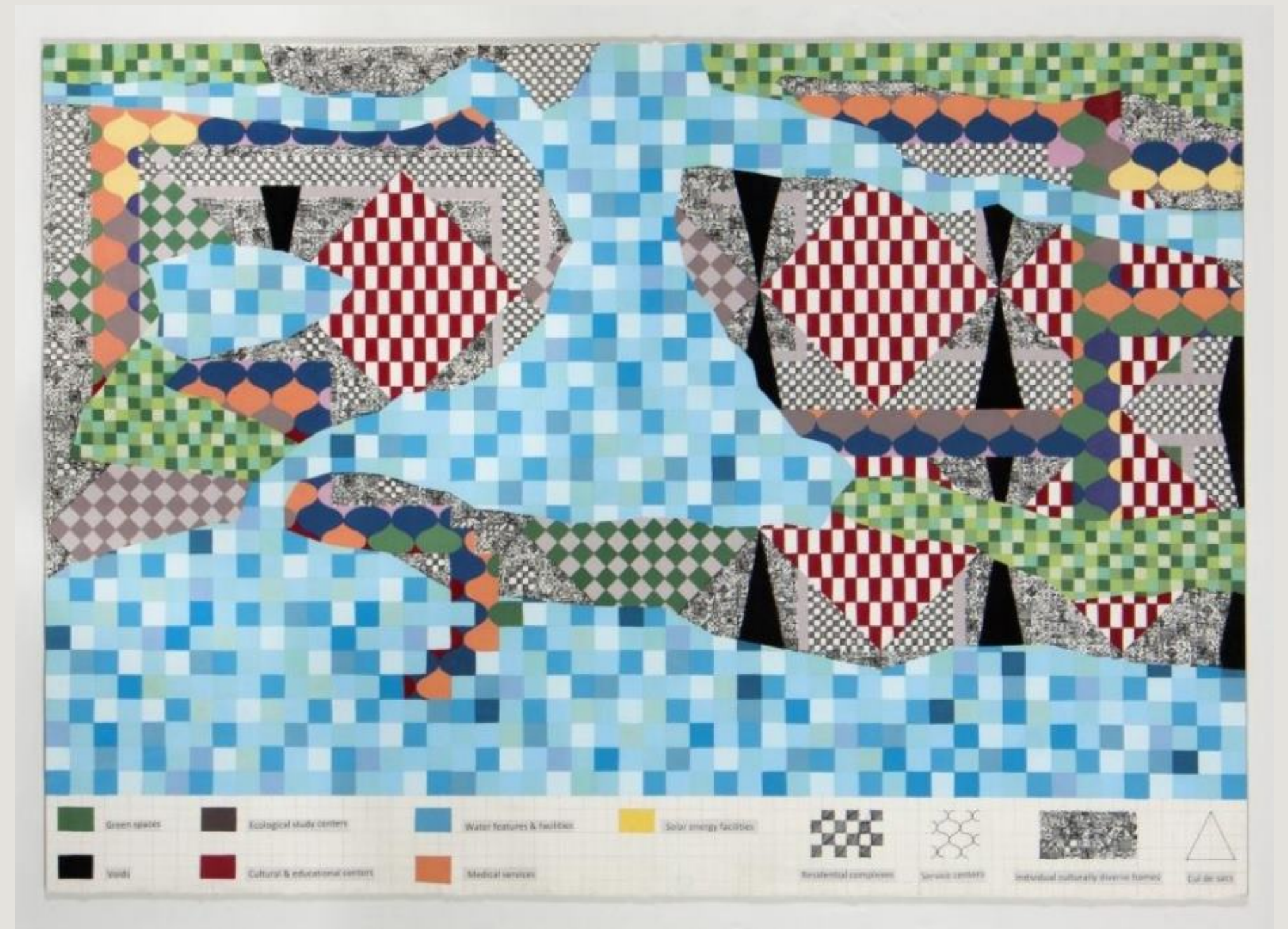
Mohsen Vaziri-Moghaddam (1924–2018) is regarded as one of the influential figures of modern Iranian art, whose practice operates at the intersection of painting, sculpture, and experimental forms. He studied at the Faculty of Fine Arts in Tehran and later at the Accademia di Belle Arti in Rome, where he gradually developed a distinct visual language grounded in movement, texture, and the active engagement of the viewer.

Vaziri-Moghaddam gained significant recognition in the 1960s through his “sand paintings,” in which the surface of the work becomes a dynamic field shaped by the direct interaction between the artist’s hand and the natural motion of materials. This approach—rooted in experimentation and in freeing the medium from purely representational functions—positioned him as a pioneer of experimental abstraction in Iran.

His sculptural works further explore form, balance, and physical forces, reflecting his sustained interest in expanding the conventional boundaries of art. Vaziri-Moghaddam’s works have been exhibited in prominent museums and galleries in Iran and internationally, and his contribution to the development of modern Iranian art has been the subject of extensive scholarly attention. His visual language underscores a persistent inquiry into the nature of material, the process of creation, and the expressive possibilities of contemporary artistic practice.



Narges Hashemi



70*100 cm
Mixed Media on Paper
(Framed)

نرگس هاشمی

نرگس هاشمی (متولد ۱۳۵۸/۱۹۷۹ در تهران) هنرمند معاصر ایران است که آثارش در حوزه‌های نقاشی، مونوپرینت، مکرومه، تصویرسازی گرافیکی و چیدمان عرضه می‌شود. خانواده، فضاهای خانگی و خاطرات شخصی — به‌ویژه مناسبت‌ها و مراسم‌های جمعی — ریشه اصلی موضوعات آثار او هستند.

در نخستین دوره کاری، آثار او حالتی فیگوراتیو و روایت‌گرا داشتند: صحنه‌هایی روزمره یا خانوادگی با زبانی صمیمی و ملموس. سبک او اما با گذر زمان تحول یافت؛ هاشمی به پترن، ساختار هندسی، و ترکیب مواد مختلف روی آورد، به‌ویژه هنگام استفاده از گراف‌پیپر، روکشی از پارچه‌های تزئینی یا ورق پلاستیکی، که تضاد بین سطح زبیتی و طرح سیاه-سفید گرافیکی را برجسته می‌ساخت.

در مجموعه‌هایی همچون «(۲۰۱۹) Breathing House» یا «(۲۰۱۹) Endless Pattern»، این جسارت به تحول بصری و مفهومی نمایان شد: بافت‌های هندسی، ریتم خطوط، و ترکیب فرم و ماده طوری سامان یافتند که یادآور ساختارهای معماری و فضای زیستی هستند اما با بارروانی و خاطره‌انگیز.

کار نرگس هاشمی، با ساختار بصری انعطاف‌پذیر و تغییریابنده، بین خاطره و حال، زندگی خصوصی و ساختار اجتماعی در نوسان است، دعوتی است برای تأمل مخاطب بر نسبت فرد و جمع، حافظه و امروز.

Nargess Hashemi

Nargess Hashemi (b. 1979, Tehran) is a contemporary Iranian artist whose practice spans painting, monoprint, macramé, graphic illustration, and installation. Her work often draws on family life, domestic spaces, and personal memory — especially collective rituals and gatherings — as primary subject matter.

In her early period, Hashemi's work tended toward figurative and narrative compositions: scenes of everyday life or domestic intimacy rendered in a direct, approachable visual language. Over time, her style evolved: she progressively embraced pattern, structural geometry, and mixed media — notably using graph paper overlaid on decorative fabric or plastic sheets — highlighting a contrast between ornamental surfaces and black-and-white graphic drawings.

In series such as Breathing House (2019) or Endless Pattern (2019), this shift becomes more pronounced: geometric textures, line rhythms, and the interplay of form and material generate works that evoke architecture and lived spaces — yet carry a psychological and nostalgic resonance.

Through a flexible and evolving visual vocabulary, Nargess Hashemi's art navigates between memory and the present, private life and social structure — offering the viewer an opportunity to reflect on the relation between self and collective, past and now.